

نبرد خلق

ارگان سازمان چریک های فدایی خلق ایران

سرمقاله

یکدست سازی

با تاریخ مصرف محدود

منصور امان

دستگاه حاکم راه برون رفت از بحران همه جانبه ای که به محاصره اش درآورده را در یکدست سازی قدرت می جوید. نخستین گام در این جهت با مهندسی مجلس شورای اسلامی و چین مهره های نازل تری از پیش به زمین گذاشته شده است. با این همه، چنین نمی نماید که کارکرد تدبیر مزبور بیشتر از یک تسمه انتقال باشد که بحران را از یک چرخ دنده به دیگری جابجا می کند.

ایستادن بر پای لرزان

نقطه شروع باند حاکم ج.ا. برای تمرکز قدرت در دست خویش هر چیزی جز ایده آل است. از یکطرف سیاست تصفیه و غربال نامزدهای نامطلوب و دست چین افراد مورد نظر، به گونه کامل روی صحنه عمومی و بدون پرده پوشی و گریم جریان یافت و از طرف دیگر، انحطاط سیاسی ج.ا. چه در روند رقابت برگزیدگان و چه حال و روز خود آنها اشکال متکامل تر و به همان میزان، رسوا تری یافت. در همین حال دامنه تحریم این نمایش به چندان عمق و پهنای اجتماعی گسترش یافت که حتی ماشین تبلیغاتی و دروغ پرداز حاکمیت هم از رویارویی با آن ناتوان ماند. گنج شدن حاکمیت از سیلی سنگین جامعه را به ویژه از تاخیر سه روزه آن در اعلام نتایج می توان دریافت؛ یک برخورد غیرعادی که علت آن فقط می تواند غافلگیری و اجبار دستگاههای مربوطه برای چرتکه اندازی مجدد به منظور رقم سازی باشد. این واقعیت که رقم اعلام شده، کمترین میزانی است که تاکنون حاکمیت برای یکی از نمایشهای انتخاباتی اش عنوان کرده، خود گویای بی وزنی و توخالی بودن مضحکه ای است که برپا گردید.

بقیه در صفحه ۴

سرکوب اعتراضات شهروندان

آمریکا و دلسوزی وقیحانه رژیم

مهدی سامع

صفحه ۳

نگاهی به شورش مردم مشهد

در خرداد ۱۳۷۱

آرش

صفحه ۱۱

شورشیان دیجیتالی در مکزیک

آمریکا ۲۱ // برگردان: بابک

صفحه ۱۴

یادداشت سیاسی

تهدیدهای ولایت، کابوسهای خامنه ای و راهکارهای ولی فقیه

مهدی سامع

صفحه ۲

۸ تیر سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف و ۹ چریک فدایی خلق دیگر

امید آدینه

صفحه ۶

رابطه اختلاس

از اموال عمومی

و بی حقوقی کارگران

زینت میرهاشمی

صفحه ۵



مرجان عزیز

بی خبر و نابهنگام رفت!



گروگانگیری و پرونده سازی برای

دانشجویان، هر دو با یک هدف

کامران عالمی نژاد

صفحه ۷

روانشناختی قتلهای ناموسی در ایران

یسنا احمدی

صفحه ۱۸

در این شماره

صفحه ۸

رویدادهای هنری ماه ... فتح الله کیائیه

صفحه ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت ... کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۶

چالشهای معلمان ... فرنگیس بایقره

صفحه ۱۹

زنان در مسیر رهایی ... اسد طاهری

صفحه ۲۱

کارورزان سلامت

صفحه ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت ... کامران عالمی نژاد

صفحه ۲۲

جنبش رنگین کمان بیشماران ... پویا رضوانی

صفحه ۲۸

یاد و نام رفیق مارتیک قازاریان ماندگار است ... امیر ابراهیمی

صفحه ۲۷

برخی از بیانیه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر»

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

تهدیدهای ولایت، کابوسهای خامنه ای و راهکارهای ولی فقیه

مهدی سامع

جریان مارکسیستی در بعضی دانشگاهها، واقعیت داشته باشد، قطعاً پول آمریکایی حامی این جریان است تا دانشجویان متفرق و شقه شقه شوند.» (سایت خامنه ای، شنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۴)

خامنه ای در این سخنرانی با دور زدن آگاهانه و نادیده گرفتن جنبشها، خیزشها و قیامهای مردمی، این گونه وانمود کرد که با مردم مشکلی ندارد. این حقه بازی کهنه شده ای است که مستبدان به شمول خامنه ای، چشم در چشم مردم به دروغ آنها را نه در «جبهه وسیع و قدرتمندی از دشمنان» بلکه در جبهه حکومت ثبت می کنند. اما تهدیدهایی که خامنه ای شمارش می کند، هنگامی به طور واقعی تهدید است که بستر اجتماعی برای کنش نیروهای سیاسی فراهم باشد و خامنه ای که در دوران ولایت اش صدها خیزش و شورش توده ای به شمول خیزشهای سال ۱۳۸۸، قیامهای دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ و چند ده هزار حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار را به خوبی رصد کرده و گزارشهای نهادهای اطلاعاتی و تحقیقاتی رژیم را در اختیار دارد، از خشم و نفرت اکثریت قاطع مردم به تمامیت رژیم و در راس آن ولی فقیه آگاه است. بنابراین این چنین دور زدن، در این واقعیت کوچکترین تغییری نمی دهد که خیزشهای توده ای بنیاد رژیم و همه دسته بندیهای درونی آن را به چالش گرفته و این کنش تاریخساز تا سرنگونی استبداد مذهبی ادامه خواهد یافت.

رویارویی سخت افزاری با تهدیدها

رژیم در رویارویی با شورشها مردمی و فعالیت نیروهای سیاسی از دو روش سخت

افزاری و نرم افزاری استفاده می کند.

حکومت و نهادهای سرکوبگر آن به نسبت حجم تهدید، نوع راهکار سخت را تعیین می کند. پس از سرکوبهای و کشتارهای سبانه دهه شصت و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، و با کسب مقام ولایت از جانب خامنه ای، شاهد ترور فعالان سیاسی در خارج از کشور و قتلهای زنجیره ای در داخل ایران بودیم. در همین دوران شورشهای نه چندان محدود در شهرهای مشهد، بوکان، اسلامشهر و ... صورت گرفت که با خشونت سرکوب شد. خیزش دانشجویی طی روزهای ۱۸ تا ۲۳ تیر ۱۳۷۸ که با حمله به کوی دانشگاه آغاز

شد، با سرکوب و کشتار روبرو شد. از آن زمان تا قیامهای سال ۲۸، حرکتی اعتراضی نه چندان گسترده، اما مداوم به وسیله نیروهای کار و نیز دانشجویان جریان داشت. قیامی که با تظاهرات مسالمت آمیز روز ۲۵ خرداد سال ۱۳۸۸ و با شعار «رای من کو» آغاز شد، به سرعت با شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» به شورش علیه کل نظام تبدیل شد و حکومت به شدت آن را سرکوب و تعدادی از زنان و مردان قیام کننده را به شهادت رساند. از آن زمان تا دی ماه ۱۳۹۶ هزاران حرکت اعتراضی صورت گرفت که رژیم توانست آنها را محدود و مهار کند. دی ماه ۱۳۹۶، مارش تهیدستان و فراموش شدگان کاخ اهریمنی خامنه ای را لرزاند و حکومت تنها با سرکوب خشن و به شهادت رساندن شورشیان توانست شرایط را کنترل کند. به طور کلی در تمام خیزشها و منجمله در قیام آبان ۱۳۹۸، شدیدترین و خشن ترین سرکوب در مورد زنان و مردان بپاخاسته انجام شده است. این سرکوبها به دستور مستقیم خامنه ای صورت گرفته و برای نمونه در آبان سال گذشته دستکم ۱۵۰۰ تن از شهروندان ایران زمین را با شلیک مستقیم گلوله به شهادت رساندند.

بقیه در صفحه ۳

طرف دیگر آن، جبهه وسیع و قدرتمندی از دشمنان است. ... البته اگر در این جنگ دچار غفلت شویم مغلوب خواهیم شد و اگر دچار ساده اندیشی شویم ضربه خواهیم خورد. ... باید در این جنگ و در مقابل برنامه های جبهه مقابل ایستاد و برای غلبه بر دشمن، علاوه بر دفاع باید برنامه تهاجم نیز داشت به گونه ای که زمین بازی بوسیله دستگاه اطلاعاتی ما تعیین شود.» (سایت خامنه ای)

هشدارها و توصیه های خامنه ای به ماموران وزارت اطلاعات نشان می دهد که «جنگ و دشمن» داخلی بوده و این کابوسی است که او را رها نمی کند.

حکومت شبکه های وسیعی با هزینه های کلان برای تبلیغ و ترویج جهل و خرافات بر محور ولایت خامنه ای به راه انداخته و به طور مداوم تاکید می کند که مقتدر است و همه تلاشهای «دشمنان» را خنثی می کند. اما در واقعیت تلاشهای مدبوهانه رژیم با تحریم گسترده جامعه روبرو شده است. روز شنبه ۲۴ خرداد، محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در سخنانی در مجلس ارتجاع در مورد ظرفیتهای نظام در حوزه به اصطلاح فرهنگی گفت: «در کشور ۸۰ هزار مسجد، ۲۵ هزار کانون فرهنگی هنری مساجد، ۹۰ هزار هیات مذهبی و چهار هزار موسسه قرآنی» وجود دارد. (کبنا نیوز) با این حال وی از این که حاکمیت نمی تواند مانع تبلیغات «دشمنان» به ویژه علیه خامنه ای شود، شکایت نمود و اضافه کرد که: «حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد پهنای باند اینترنت در ایران در اختیار اینستاگرام قرار گرفته ... و در فضای مجازی هر چه دلشان بخواهد درباره رهبری و مقدسات ما می گویند و ما هم نشستییم و نگاه می کنیم.» (ایران انترناتیونال)

نمونه دیگر، صحبتهای آخوند محمد یزدی است. او یکشنبه شب ۱۱ خرداد در برنامه «بنیانگذار» شبکه اول سیمای رژیم، در خصوص رهبری خامنه ای گفت: «سربسته عرض می کنم که در عمق حوزه علمیه مرکزی اگر با شخصیتهای اثرگذار ملاقات داشته باشید کسانی را می بینید که می گویند ما را چه به سیاست و ما باید احکام شرعی را توضیح دهیم و حاکم هرکسی باشد.» (انتخاب، دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۹)

کابوسهای خامنه ای

روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت خامنه ای برای دانشجویان بسیجی سخنرانی کرد. در این سخنرانی ولی فقیه سه تهدید برای ولایتش را برشمرد. او بدون آوردن اسم سازمان مجاهدین خلق گفت: «برخی جوانان مسلمان که دارای مبانی معرفتی قوی نبودند، جذب گروههای التقاطی شدند.» سپس به مخالفان درونی نظام پرداخت و گفت: «برخی افراد در ابتدای انقلاب بسیار انقلابی عمل می کردند اما به دلیل مبانی ضعیف معرفتی اکنون جزو پشیمانها هستند که یکی از مسائل انقلاب اکنون همین حضرات پشیمان شده هستند.» و بالاخره به خطر نفوذ چپ پرداخت و گفت: «جریان چپ مارکسیستی دیگر در دنیا آبرویی ندارد و از فقر اندیشه ورزی، فقر سیاسی و فقر نیروی میدانی کارآمد در رنج است. اما به هر حال همیشه ممکن است عده ای با تصاحب شعارهای خوب، سوء استفاده کنند.» ولی فقیه به دانشجویان بسیجی هشدار داد که «اگر توجه نکنند این تهدیدها برای کشور [بخوانید نظام] بسیار گران تمام خواهد شد.» (سایت خامنه ای)

چند سال پیش هم خامنه ای در مورد نفوذ چپ مارکسیستی در دانشگاهها به دانشجویان بسیجی هشدار داد و گفت: «اگر برخی خبرها درباره فعال شدن دو باره

سخنان خامنه ای در روز چهارشنبه ۱۴ خرداد امسال به طور کامل پیرامون «تحول خواهی و تحول انگیزی» خمینی بود. او به تفصیل در این مورد که به نظرش از «مهم ترین و برجسته ترین» خصوصیات خمینی بوده، صحبت کرد و نتیجه گرفت که: «امام برای دین، رسالت نظام سازی و تمدن سازی و جامعه سازی و انسان سازی و مانند اینها تعریف کرد.» خامنه ای به مساله ولایت فقیه می پردازد و می گوید: «امام فقه را وارد عرصه ی نظام سازی کردند، امام این [ولایت فقیه] را وارد مسائل اصلی و فقهی کردند.» و برای این که دهان مراجع مخالف ولایت فقیه را ببندد، تاکید کرد که این «بدعتی در فقه نیست».

امروز واقعیت دردناک «تحولی» که خمینی با جمهوری اسلامی و قانون اساسی مبتنی بر ولایت فقیه به مردم تحمیل کرد، روشن تر از آن است که نیاز به شرح و تفسیر زیاد داشته باشد. خمینی «نظام سازی و تمدن سازی و جامعه سازی و انسان سازی و ...» را رسالت دین اعلام کرد که عصاره آن استبداد مذهبی مبتنی بر ولایت فقیه است و نتیجه این نظام برای کشور و مردم چیزی جز فاجعه، ویرانی و فلاکت نداشت و البته اقلیتی هم با زندگی اشرافی، با چپاول و غارت و البته با اتکا به سرنیزه حکومت می کنند.

آن چه برای خامنه ای از تحول طلبی خمینی مهم است، موضوع «امنیت و ماندگاری نظام» است. او در مسند قدرت با ظلم و ستم و نیرنگ، با سرکوب و زندان و کشتار، رسالت انجام کارهای ناتمام خمینی را در دستور کار خود قرار داده است. کارگزاران دربار خلافت او باید در ۲۴ ساعت روز به مردم گوشزد کنند که «آقا» هرچه می گوید، هر چه بیسی بینی کرده و می کند و هر عمل او «درست و مدبرانه» است.

کتاب قطور «روایت رهبری» که توسط یاسر جبرائیلی نوشته شده و در سال پیش منتشر شده است، مانند بسیاری دیگر از کتابهای تاریخی که در جمهوری اسلامی منتشر می شود، تاریخ را بر اساس مسائلی امنیتی و منافع قدرت و از زبان حاکم مستبد روایت می کند. زمین و زمان به هم بافته می شود تا کسی فکر نکند خامنه ای در فضایی آکنده از حقه بازی و ترس به این مقام رسیده است. در معرفی کتاب آمده است: «در کتاب روایت رهبری برای اولین بار از مذاکرات شورای انقلاب و متن مذاکرات اجلاس هیئتی خبرگان در سال ۶۴ و اجلاس هیئتی خبرگان در سال ۶۸ استفاده شده است. همچنین بخشی از مذاکرات جلسه رؤسای قوا و مرحوم حاج احمد آقا در حضور امام رحمه الله در مهر ۶۷ (۶ماه قبل از عزل آیت الله منتظری) در این کتاب منتشر شده که در آن برای اولین بار حضرت امام رحمه الله، حضرت آیت الله خامنه ای را برای رهبری آینده نظام مطرح می کنند.» (سایت طاقچه)

بنابر این نتیجه مادی و مشخص تحول طلبی خمینی برای خامنه ای در بخش پایانی جمله بالا قید شده تا همه ببینند و بشنوند که ولایت در امن و امان و حاکم مسلط بر اوضاع است. خامنه ای می خواهد از خود تصویر یک حاکم مسلط را ترسیم و به شکل آگاهانه ولایت بحران زده و اتوریته درهم شکسته اش را لاپوشانی کند. اما او مجبور است جا به جا با طرح مساله «دشمن» به سرکوبگران حافظ نظام هشدار دهد که مبادا از دشمن غافل شوند.

روز چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۷، خامنه ای در دیدار وزیر، دست اندرکاران و جمعی از کارکنان وزارت اطلاعات گفت: «ما در میانه یک میدان بزرگ جنگ قرار داریم که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی و

تهدیدهای ولایت، کابوسهای خامنه ای و راهکارهای ولی فقیه

بقیه از صفحه ۲

راهکار سخت افزاری در مورد نیروهای سیاسی، گوناگون و چند وجهی است. سیاست ولی فقیه در مورد افرادی که آنان را «پشیمان» شده و یکی از «مسائل» حاکمیت در شرایط کنونی معرفی می کند، استفاده از «چماق» و «حلوا» است. میزان زاویه این دسته افراد با ولایت خامنه ای، و نه با اصل ولایت فقیه، تعیین کننده نحوه برخورد با آنان است. این افراد به خاطر سابقه شان در نظام و نفوذی که در لایه های میانی و پایینی هرم قدرت دارند و از برخی حمایت‌های جهانی نیز برخوردار هستند، تهدید غیرفعال به حساب می آیند. اینان می توانند در شرایط خاص، به ویژه در فقدان خامنه ای، در دسر ساز باشند. هدف خامنه ای به «ندامت» کشاندن این افراد است تا سهمی از حلوا، نه در حوزه قدرت، بلکه در عرصه اقتصادی نصیب شان شود. البته باید تفاوت «پشیمان» ها با اصلاح طلبان حکومتی و باند میانی موسوم به «اعتدال» که سرسپرده خامنه ای هستند را در نظر گرفت.

اما برای خامنه ای و نهادهای نظامی امنیتی حکومت سازمان مجاهدین خلق ایران تهدید اصلی است. ماندگاری و داشتن تشکیلات قوی و منسجم، فعالیت پیگیر روزمره در داخل و خارج از ایران، قدرت انعطاف در رویارویی با تحولات سیاسی، پایداری و ایستادگی بر سیاست سرنگونی و آمادگی برای پرداخت هزینه در این راه، فقدان فساد اقتصادی، خاص خوری و پدیده آفازادگی، ژن خوب و پارتی بازی در درون تشکیلات و بالاخره نفوذ به طور نسبی قابل توجه در مناسبات بین المللی دلایلی است که این جریان را از نظر سیاسی به دشمن اصلی نظام تبدیل کرده است. این واقعیتی است که هر نیرو و هر کس با هر میزان نزدیکی و یا دوری به این سازمان باید مورد توجه قرار دهد.

برخورد نظام با مجاهدین خلق بدون اما و اگر قهرآمیز برای نابودی آن است. موشک باران پایگاههای مجاهدین در عراق، تروهای سیاسی، نفوذ به منظور کسب اطلاعات و ضربه فیزیکی زدن، مانند توطئه خنثی شده انفجار بمب در گردهمایی پاریس، دستگیری، شکنجه و صدور احکام سنگین برای فعالان این سازمان در داخل ایران، تحریک و به کارگیری تعداد اندکی از خانواده ها به منظور شکنجه روانی رزمندگان مجاهد و ... راهکارهای سخت افزاری برای نابودی و یا حداقل مهار فعالیتهای این سازمان است.

البته مجاهدین گرچه تهدید اصلی نظام هستند، اما تنها تهدید نیستند. جریانها و افراد سیاسی و اجتماعی دیگر به شمول گروهها و افراد چپ و مارکسیست و یا جریانهایی که علیه تبعیض قومی و ملی مبارزه می کنند و علیه کلیت نظام بوده و در این راه وارد سازمانیابی و عمل می شوند نیز دشمن ارزیابی شده و بستگی به میزان کارایی آنان مورد سرکوب قرار می گیرند.

رویارویی نرم افزاری با «دشمنان»

همزمان با سرکوبهای گسترده، کارگزاران ولایت خامنه ای تلاشهای پرشمار و البته پرتکراری را در حوزه نرم افزاری با هزینه های کلان سامان داده اند. هدف این برکتها به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم حقانیت دادن به حاکمیت، ترساندن از قیام و انقلاب، مرعوب کردن مردم و قدرتمند نشان دادن حاکمیت و بی اعتبار کردن مخالفان است.

ساخت فیلم سینمایی، مستند سازی، گزارشهای تصویری، برقراری نمایشگاه و جلسات سخنرانی، چاپ کتابهای گوناگون، انتشار مجلات نظری و کتابهای سیاسی تاریخی، انتشار اخبار دروغ و اسناد جعلی در رسانه های حکومتی، فعالیت دیپلماتیک و رسانه ای در

اروپا و آمریکا، تزریق اطلاعات غلط به رسانه های غیرایرانی و تبلیغ گفتمان سازیهای انحرافی در این رسانه ها، به خدمت گرفتن «جدا شدگان» و «پشیمان» های اپوزیسیون، مشارکت و تقویت الترناتیو سازیهای جعلی، ترویج و تبلیغ گفتمان «سوریه ای شدن، خطر جنگ و تجزیه ایران، خطر ناامنی و جنگ داخلی»، تلاش رذیلانه برای دامن زدن به اختلاف گروههای سیاسی و ... از جمله اقدامات نرم افزاری حاکمیت برای رویارویی با دشمنان نظام است.

در این حوزه نیز جهت عمده حمله به سمت مجاهدین خلق نشانه روی می شود، هرچند دیگران هم بستگی به میزان کنشگی که دارند، بی نصیب نمی شوند. طی شش ماه گذشته بدون اغراق در هر روز حداقل یک عمل نرم افزاری در مورد مجاهدین خلق انجام شده است. از نمایش فیلم تا انتشار خبر و گزارش و چاپ مقاله در نشریات و مجله های حکومتی، از گزارش دروغ در نشریه معتبر اسپیکل تا پخش اراجیف پاچه ورمالیده ای که بگم بگم به راه انداخته، از چاپ نشریه مجاهد جعلی تا پخش شایعات و تبلیغات دروغ پیرامون دست داشتن مجاهدین خلق در این و یا آن اقدام تروریستی رژیم و ... در هر روز تولید و پخش می شود.

در مورد آن دسته از دشمنان که خامنه ای آنان را چپ مارکسیستی نامید و به بسیجیان پیرامون دامنه نفوذ این جریان هشدار داد، رفتار نرم افزاری حکومت متنوع و چند وجهی بر محور جلوگیری از متشکل شدن این جریان است. ایجاد جریان دانشجویان بسیجی «عدالتخواه» در اساس برای مقابله با چپ است. دانشجویان عدالت خواه با تقلید از مارکسیستها با سیاست اقتصادی دولت به شدت مخالفت می کنند و کوشش می کنند دانشجویانی که به طور واقعی عدالتخواه و مخالف نظام هستند را جذب کرده و به ترتیب آنان را به زائده بسیج دانشجویی تبدیل کنند.

برای حاکمیت کارهای تئوریک، ترجمه برخی آثار کلاسیک و وجود کانونهای بحث نظری تا جایی که به متن زندگی واقعی ربطی نداشته و به نیروی محرکه برای عمل تبدیل نشود، قابل تحمل است. آن چه برای رژیم غیرقابل تحمل است، ایجاد تشکیلات به منظور عملی کردن ایده ها، حضور در صحنه واقعی مبارزه و اعتقاد به ایجاد واحدهای مخفی مبارزه و شورش است. دستگاههای امنیتی رژیم بارها به رفقای چپ که در حرکتها و اعتراضهای خیابانی دستگیر شده اند، مرز تحمل خود را گوشزد کرده اند. خامنه ای که از عمق تضادهای موجود در جامعه باخبر است و می داند که این شرایط بستر مناسب برای فعالیت مارکسیستها است، برای عوامل اطلاعاتی خود این خط قرمز را ترسیم کرده است. همزمان نهادهای امنیتی حکومت با رواج برخی از گفتمان سازیهای انحرافی که در بالا چند نمونه آن را برشمردم، در ایجاد هماهنگی و اتحاد فعالان چپ کارشناسی می کند. میدان دادن به نیروی موسوم به «محور مقاومت» که تضاد اصلی را نه داخلی که خارجی ارزیابی می کند، نادیده گرفتن فعالیت برخی از مدعیان چپ که کاری جز ایجاد تفرقه در مبارزه از دست شان بر نمی آید و کسانی که مبارزه علنی را جنبه اصلی مبارزه معرفی می کنند، از دیگر اقدامات نرم افزاری حاکمیت در رویارویی با مارکسیستها و کمونیستهای است که برای سرنگونی رژیم تلاش می کنند.

یکی از ابزارهای مهم در راهکار نرم افزاری، چاپ مجله های پر ملات است. در این رسانه ها با پوشش بحثهای نظری، تحقیق تاریخی، دیدگاههای فلسفی اجتماعی و ... مقاله هایی منتشر می شود که فشرده آن ضدیت با تحول انقلابی و سازمانیابی انقلابی است.

در میان دهها نشریه و وبسایتی که سپاه پاسداران منتشر می کند، مجله پرجمعی به نام «ترجمان» وجود دارد که در آن بیش از صد مقاله از نویسندگان غیر ایرانی، که برخی از آنان افراد معتبری هستند، ترجمه و منتشر

سرکوب اعتراضات شهروندان

آمریکا و دلسوزی وقیحانه رژیم

وزارت امور خارجه رژیم «تبعیض نژادی» در آمریکا را «تقیب» کرده و خواستار «عدالت» در خصوص قتل یک شهروند آمریکایی شده و گفته «صدای معترضان باید شنیده شود». جای تردیدی نیست که سرکوب خونین اعتراضات شهروندان آمریکایی، جنایت است که سرکوب محکوم است. شورش مردم علیه تبعیض و بی عدالتی در آمریکا برحق است. اما دلسوزی وقیحانه رژیم تماشایی است. رژیم که بنیادش بر تبعیض دینی است، رژیمی که دستکم ۱۵۰۰ شهروند ایرانی را در آبان ۱۳۹۸ با شلیک مستقیم گلوله به قتل رسانده و هنوز هم از اعلام اسامی آنان خودداری می کند، رژیم که هیچوقت صدای معترضان را نشنیده و به اعتراض شهروندان یا سرکوب پاسخ داده، رژیم که در پرونده اش قتل تابستان سال ۱۳۶۷ ثبت شده، رژیم که حق کار و آموزش را از بسیاری دگرباوران سلب کرده، رژیم که مسئول قتل رومینا اشرفی و هزاران زن دیگر به خاطر نظام مردسالار حکم و تبعیض جنسیتی است، رژیم که اعتراض مردم به بی آبی را با گلوله پاسخ می دهد و دلسوزی و تاسف اش، بی شرمانه و اوج وقاحت و شیادی است.

مهدی سامع

شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۹ - ۳۰ مه ۲۰۲۰

می شود. برآیند نظرات مندرج در این مجله به شکل موزیانه ضد «چپ و انقلاب» است.

ماهنامه اصول گرای «عصر اندیشه» که صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن، محمد مهدی دانی است، از دیگر رسانه های کاغذی پرجمعی است که به جدالهای نظری درون نخبگان اسلامی می پردازد. در شماره ۱۲ این ماهنامه مقاله تحت عنوان «چرا انقلاب فرزند خود را خورد؟» وجود دارد که به بررسی احتمال به وجود آمدن «منتظری دوم» می پردازد. در شماره ۱۵ این ماهنامه مقاله ای با عنوان «نیک و بد عملگرایی» درج شده که در آن سیاستهای اقتصادی هاشمی رفسنجانی با سوتیتر «سیری در مدیریت اقتصادی دولت سازندگی» بررسی شده است. هدف این رسانه، آب بندی کردن فرهنگی، اجتماعی نظام در مقابل نفوذ سکولاریسم در نخبگان مذهبی است.

سلسله مجلات کارگزاران که از طرف موسسه فرهنگی با مدیریت کرباسچی منتشر می شود، همان رسالت مجله «ترجمان» با سس «اصلاح طلبی و تحول خواهی» را به دوش می کشند. در مجلات پرجمعی چون «اندیشه پویا»، «سیاست نامه»، «تجربه»، «آسمان» و «هم میهن» که تاثیر معینی در برخی از کارگزاران حکومتی و نخبگان در حاشیه قدرت دارند، از بنیاد استبداد مذهبی در پوشش «تحول خواهی» و «اعتدال سیاسی» دفاع و به شدت با انقلاب، تحول توده ای و سرنگونی مخالفت می شود.

مجموعه این رسانه ها معرف لایه های مختلف بورژوازی رانت خوار، غارتگر و فاسدی است که از قدرت تغذیه می کنند و او و اطوار تحول خواهی و اصلاح طلبی هم از خود نشان می دهند.

برگردیم به حرفهای خامنه ای در مورد «تحول خواهی» خمینی. مساله اصلی برای ولی فقیه حفظ قدرت بر بنیاد استبداد دینی و ولایت فقیه است. او تصویر روشنی از دشمنان نظام و راهکارهای مشخصی برای رویارویی با این دشمنان دارد. اما در یک ارزیابی واقع بینانه از تحولات، به ویژه پس از قیامهای دوسال گذشته به این نتیجه می رسیم که او شکست خورده است.

یکدست سازی با تاریخ مصرف محدود

بقیه از صفحه ۱

ایستادن بر این پای لرزان را فقط گزینش مفسدان شُهره به فساد می توانست دشوارتر کند که این نیز با گسیل فله ای آنها به مجلس و نشاندن یک مفسد پیشانی سفید به ریاست مجلس ممکن شد. پرونده پاسدار محمد قالیباف نه از روزی که نامزد مجلس گردید، بلکه از همان هنگام که در کسوت شهردار تهران دخل و خرج شهرداری را در چنگ داشت، بر سر هر کوی و برزن ورق می خورد. او در سال ۹۳ در یک زدو بند پشت پرده که جزئیات آن هرگز روشن نشد، نزدیک به تمامی پروژه های عمرانی تهران و همراه با آن بودجه ۲۰ هزار میلیارد تومانی اش را به گونه انحصاری به سپاه پاسداران واگذار کرد.

دو سال بعد آقای قالیباف با داغ یک پرونده جنجالی دیگر مشهور به "املاک نجومی" روی صحنه پدیدار شد. این بار او متهم بود که املاک عمومی را بین مقامهای شهرداری، شورای شهر و دوستان و خویشان پخش کرده است، دستکم ۱۰۰ شخص حقوقی و ۱۵۰ شخص حقیقی شریک مستقیم چپاولی بودند که در جریان آن آقای قالیباف املاکی را به ارزش دو میلیارد تومان بابت باج دهی، سیل چرب کردن و یا روغنکاری معاملات دیگر به جیب شان ریخته بود.

شهرت آقای باقر قالیباف به بدنامی اما وقتی همه گیر شد که در جریان مناظره تلویزیونی نامزدهای ریاست جمهوری (۱۳۹۶)، نامزدهای باند رقیب، آقایان روحانی و جهانگیری، دست به پرده دری زدند و پاسدار شوریده بخت را بر صندلی اتهاماتی همچون ایجاد موسسات کلاهبرداری اعتباری، رانت چواری زیر پوشش مراکز خیریه و واگذاری بانک به "مفسد اقتصادی" نشانند. آقای حسن روحانی تا بدانجا پیش رفت که با اشارات و کنایه های خود به گونه زیرکانه ای یک پرونده محرمانه شورای امنیت ملی مالاها را در باره تامین هزینه انتخاباتی آقای قالیباف از سوی قاچاقچیان مواد مخدر در سال ۱۳۸۴، آنتنی کرد.

جدال تقسیم سهام

چنین پیشینه ای، از آقای قالیباف یک موتور نیرومند برای پیش بردن پروژه تمرکز قدرت نمی سازد؛ نقشی که آقای خامنه ای بسیار مایل است پاسدار خانه زادش بازی کند. کشمکش در گرفته بر سر ریاست او بر مجلس یازدهم مالاها، به خوبی نشان داد که وی هدف آسانی برای دسته بندیهای درونی باند حاکم است. اگرچه این کرسی پیش از آنکه حتی برگزیدگان شورای نگهبان پای خود را به مجلس گذاشته باشند واگذار شده بود و آقای قالیباف به عنوان فرد مورد نظر "بیت" سند چهاردانگ آن را در جیب داشت، اما حتی این پشتوانه به ظاهر قوی نیز مانع نگردید که رقبای "خودی" کسب این جایگاه را برای او با چالش و درگیری روبرو سازند. راست سنتی (مولفه، جامعه روحانیت)، محفل نظامی و امنیتی "جبهه پایداری"، فراکسیون احمدی نژاد و باندهای خانگی رهپویان و "اثرگران" به خوبی می دانستند که نمی توانند با اراده "مقام معظم" رقابت کنند، اما با توجه به نقاط ضعف پاسدار قالیباف و پرونده های گشوده مانده اش دستکم می توانستند مانع انحصار منافع سیاسی و اقتصادی از سوی وی و گروهش گردند، از آنها برای همراهی باج بگیرند و در قالب بستهای پر نفوذ سیاسی و همچنین دارای جدایت مالی هیات ریسه و کمیسیونهای مجلس، از ریاست او سهم ببرند. برجسته ترین تلاش در این زمینه، حمله پر سروصدا یکی از رهبران باند مولفه اسلامی به آقای قالیباف از روبرو بود. آقای مصطفی میرسلیم که به گونه نمایشی

برچیدن تضاد آن با قدرت حقیقی نیانجامید و از سطح حل مساله روز که بحران سیاسی در دستگاه حاکم و شکاف در آن بود، فراتر نرفت. باند ولی فقیه (اصولگرا)، توانست باند "اصلاح طلب" را از قدرت بیرون براند، بدون آنکه بتواند گسلهای کهنه دستگاه قدرت را بر کند یا از ایجاد گسلهای جدید جلوگیری کند.

در سال ۹۸ باند حاکم نه با شکاف جدی داخلی روبرو است و نه باید از چالش با رقیب "خودی" بهراسد. جناح میانه حاکمیت که با "نرمش قهرمانانه" آقای خامنه ای به صحنه قدرت پا گذاشت، در طول دوره هفت ساله نقش آفرینی اش، سیاستی جداگانه و مستقل را نمایندگی نکرده و پیش نبرده است. در گوشه دیگر صفحه شطرنج "نظام"، "اصلاح طلبان" حکومتی کیش و مات شده و حداکثر به عنوان زائده و انگل باند "اعتدال" موجودیت می یابند. از این رو، میدانی که برای یکدست سازی در دهه هشتاد چیده شده، امروز خالی از مدعی است و سازگار با آن، آرایش گرفتن برای حذف و ادغام پدوهر هرگونه موضوعیتی گردیده است.

حتی سرکوب جنبشهای اجتماعی و خیزشهای سرنگونی طلبانه نیز هدف یکدست سازی نمی تواند باشد. رویکرد حاکمیت در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ نشان داد که هیچیک از بخشهای حاکمیت و هیچکدام از دسته بندیهای آن مخالف سرکوب توده به جان آمده نیست و با آن همدردی نمی کند. حاکمیت چا، به گونه یکدست و یکپارچه از سنگر منافع "نظام" در برابر جامعه صف کشیده و سرسختانه مدافع سرکوب آن است. دی و آبان تنها سرفصلهای این رویکرد نیست؛ هر فصلی از تاریخ سرکوب توده، پایمالی حقوق آن و به خون کشیدنش دارای پیوستی است که در آن شرح داده می شود چگونه باندها و دسته بندیهای چا، همزمان با اختلافهای کوچک و بزرگ، بر سر "حفظ نظام" و حفظ اهرمهای قدرت و ثروت با یکدیگر همسو و هم عهد هستند و متحدانه عمل می کنند.

برآمد

آنچه که باند ولی فقیه را به سمت به دست گرفتن سکان نهادهای رقابتی کشانده، یک تضاد روز است که در شکل بحران دوگانه داخلی و خارجی پدیدار می شود. در پهنه بحران خارجی، رژیم چا، به انتهای کنجایش خود برای ادامه سیاست "نه جنگ، نه مذاکره" نزدیک می شود و از آنجا که وضع موجود حفظ کردنی نیست، بنابراین دو گزینه بیشتر در برابر ندارد: عقب نشینی یا بالا بردن هزینه کشمکش برای طرفهای خارجی. در هر یک از این دو حالت که با تحولات عمیقی همراه خواهد بود، وجود یک دستگاه متمرکز و بدون شکاف برای بالانس قدرت در تابلوهای ناشی از آن، یک شرط لازم است.

در پهنه داخلی، در کنار استراتژی سرکوب، هدف تاکتیکی کاستن از فشار پنجه جامعه است که بر گلوی "نظام" حلقه زده است. باند ولی فقیه روزنه ای برای تنفس می جوید و در پی خرید زمان است. این امر می تواند در همان حال که در اقدامات عوامفریبانه ای مانند "فساد ستیزی" و تبدیل دولت آقای روحانی و باند "اعتدال" به بز قربانی و مسوول وخامت اوضاع تجلی یابد، برخی بذل و بخششهای کوتاه مدت معیشتی از جنس "رزمایش مومنانه" را هم در بر داشته باشد.

مساله دیگری که باند حاکم تعقیب می کند، تعیین تکلیف جانشینی آقای علی خامنه ای است. همانگونه که انتخاب خود او نشان داد، پاسخ به این پرسش، تابعی از توازن قوای روز است و در این نقطه در اختیار داشتن بیشترین اهرمهای قدرت می تواند تعیین کننده باشد. همانگونه که کشمکشهای مجلس "یکدست" در همان ابتدای کار نشان داد، باند حاکم حساب خود را با پارامترهای غلطی بسته است. او رویدادها را شکل نمی دهد، بلکه این جریان رویدادهاست که او را جلو انداخته و شلاق کشان از پیش می راند.

خود را نامزد ریاست مجلس کرده بود، سر بسته فاش کرد که در مجلس دهم برای پس گرفته شدن یک طرح تحقیق و تفحص، به رییس کمیسیون مربوطه ۶۵ میلیارد تومان رشوه پرداخت شده است. نه فقط سرنخهای آشکاری که در این اتهام وجود داشت و به آقای قالیباف می رسید، بلکه ابراز آن در چارچوب رقابت درون گروهی با وی، جایی برای گمانه زنی در باره هویت متهم مورد اشاره به جا نمی گذاشت. همانگونه که انتظار می رفت، این اتهام سنگین که شهردار سابق و قوه مقننه "نظام" را یکجا رسوا و بی اعتبار می کرد، به جز یک جنجال زرد رسانه ای پیامد سیاسی و قانونی دیگری در بر نداشت و تاثیر واقعی و مورد نظر آن می بایست در تقسیم سهم دسته بندیها خود را به نمایش می گذاشت.

اگر باند حاکم امید داشت که می تواند خسارات نمایش انتخاباتی را با منافع آغاز کار مجلس و جا افتادن آن جبران کند، روند انتخاب رییس مجلس آشکار نشان داد که چالش جدیدی بر سر راه یکدست سازی قرار گرفته که این بار نه در بیرون "خیمه" آقای خامنه ای، بلکه درست زیر "عمود" آن شکل گرفته است. رقابت گروهها و محفلهای قدرت از یکطرف و موقعیت ضربه خورده آقای قالیباف از طرف دیگر، امکان ایجاد یک مرکز هژمونیک گرد وی برای انتقال هر چه بیشتر و بی واسطه تر اختیارات "راس امور" به "رهبری" را بسیار دشوارتر و پروسه اش را طولانی تر می کرد. اینک آشکار شده که گماشته "رهبر"، سر کرده بی رقیب یک پیاده نظام گوش به فرمان نمی تواند باشد، بلکه فقط با سازش، باج دادن و واگذاری سهم می تواند سر کرده مشروط باشد.

هدف واقعی یکدست سازی

موقعیت ناهمگونی که گام نخست یکدست سازی قدرت به وجود آورده، افقی که این پروژه به سمت آن در حرکت است را نیز پدیدار کرده است. تردیدی نیست که دستیابی باند حاکم به نهادهای انتخابی، ساختارهای نظامی، امنیتی و اقتصادی آن را تقویت خواهد کرد. با این حال، سنگین شدن کفه ترازو به سود باند مزبور، به گونه ناگزیر به معنای ادغام قدرت حقیقی و حقوقی و تشکیل یک ساختار یکپارچه و متمرکز نیست. گروههای قدرت در باند حاکم که در طول چهار دهه حکمرانی، گرد منافع و خواسته های ویژه خود شکل گرفته و در ساختار قدرت جا افتاده اند، چه به سبب حوزه عمل خود در سیاست و اقتصاد و چه از آن رو که با یکدیگر در رقابت فرصتها و توزیع ثروت و قدرت قرار دارند، در کنش و واکنش دائمی با هم و در "بالا" از یکطرف و با جامعه از طرف دیگر بسر می برند. این ناهمگونی فقط در صورتی برطرف می شود که پایه مادی آن یعنی، سازمان موجود و حاکم سیاسی منحل گردد. فاکتور مزبور روشن می کند که روی میز باند ولی فقیه هدف زمینی تری از حل تناقض ساختاری "نظام" قرار گرفته و آن پیدا کردن مسیری برای برون رفت از بحران داخلی و خارجی است.

هر گاه به دور قبلی تلاش برای یکدست سازی در ساختار قدرت چا، نگریسته شود، خطوط موازی روشنی با دوره کنونی را می توان مشاهده کرد. در آن هنگام نیز نقطه آغاز تحول مورد نظر، تسخیر مجلس بود. در نمایش انتخابات مجلس هفتم (۱۳۸۲-۱۳۸۳) باند ولی فقیه نزدیک به ۷۰ درصد کرسیها را از آن خود کرد و ریاست آن را آقای حداد عادل، فردی از جنس آقای قالیباف، عهده دار شد. سنگر جدی نهاد ریاست جمهوری بود که در سال ۸۴ با گماشته شدن آقای محمود احمدی نژاد به تصرف باند مزبور درآمد. با این حال، تحول مطلوب در ترکیب قدرت حقوقی نیز به

رابطه اختلاس از اموال عمومی و بی حقوقی کارگران

زینت میرهائمی

به گزارش خبرگزاری‌های حکومتی، روز شنبه ۳ خرداد، به دنبال «عفو» خامنه‌ای برای آزادی و یا تخفیف مجازات «۳۷۲۱ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب» به مناسبت عید فطر، تعدادی از «محکومان امنیتی» شامل کارگران هفت تپه، تعدادی دانشجو و چند بازداشتی روز کارگر» شامل این «عفو» می‌شوند. بر اساس این خبر «رهبر» با درخواست رئیس جلال موافقت کرده است. در خلاصه خبر جمله «رهبر معظم» با عفو تعدادی از محکومان امنیتی و کارگران هفت تپه موافقت کرده است برجسته شده است.

عفو دادن خامنه‌ای مانند کار جانیکاری است که قربانی خود را با شکنجه و زور در قفسی نگاه دارد و بعد با باز کردن در قفس، بر قربانی رها شده منت بگذارد.

آزادی حق کارگران است. کارگران هفت تپه طی این سالها هزینه‌های زیادی برای گرفتن حقوق شان پرداخته‌اند. رنجهای مداوم، فقر و گرسنگی بر خانواده‌های شان تحمیل شده است. کارگرانی بودند که به دلیل فشارها دست به خودکشی زدند. فرزندان و خانواده‌هایی از آنها بر جا مانده است. رژیم باید خسارت‌های وارد شده به کارگران هفت تپه را به آنها بازگرداند و آثانی که از کار اخراج شده‌اند باید به سر کار برگردند و سرانجام خامنه‌ای باید از کارگران و خانواده‌های آنها و از خانواده تمام شهدا و زندانیان سیاسی طلب عفو و بخشش کند.

این روزها پرونده اختلاس، رشوه دادن به مقامات حکومتی و فساد مالی اسد بیگی مدیر عامل شرکت نیشکر هفت تپه و تعدادی دیگر از دستیارانش برملا شده است. وی به گرفتن یک میلیارد و پانصد میلیون دلار ارز دولتی و فروش آن در بازار آزاد متهم شده است. اسدبیگی گفته است که «۲۰۰ هزار دلار به همسر استاندار خوزستان رشوه داده است». بخور بخورهای این مدیر عامل در سایه رژیم ولایت فقیه برایش «برکت» و برای کارگران «فلاکت» بوده است. به موازات چپاولگری مدیر عامل هفت تپه، سفره کارگران هفت تپه لاغر تر شده تا جایی که به خودکشی برخی از آنها انجامید. بیدادستان رژیم، خبر «دریافت صدها هزار دلار رشوه» توسط استاندار خوزستان را «غیر قانونی» دانسته و می‌توان نتیجه گرفت که رمز گشایی از پرونده رشوه خواری و فساد اسد بیگی، جایی که به دانه درشتها می‌رسد با مانع بررسی کامل روبرو می‌شود.

هنوز جوهر عفو ملوکانه خلیفه ارتجاع به مناسبت عید فطر و تبلیغات پر دود و دم «رافت اسلامی» در تیتراهای درشت روزنامه‌های حکومتی خشک نشده که ۷۴ ضربه شلاق پیکر رسول طالب مقدم را شکافت.

روز دوشنبه ۱۲ خرداد، فعال سندیکایی شرکت واحد که در گردهمایی روز کارگر بازداشت شده بود با اجرای حکم شلاق، دو سال تبعید به خراسان جنوبی و ... با همان بدن زخمی به زندان منتقل شد. همچنان تعدادی از بازداشت شدگان روز کارگر بعد از مرخصی دوباره به زندان بازگردانده شدند.

همزمان با عمیق تر شدن شکاف در هرم قدرت، دستگاه سرکوب رژیم بدون دنده و ترمز مشغول به کار است. خامنه‌ای قصد دارد با تخته گاز، جنبش کارگری و حرکت‌های اعتراضی مردمی را نابود کند و تخت لرزان خلافتش را تعمیر کند. سرمایه‌گذاری ولی فقیه روی پاسدار قالبیاب، قاتل دانشجویان که دزدیهای کلان او مشهور است، حکایت از راهبردی انتقاصی در حکومت و تشدید بی رحمی و سرکوب در برابر مردم است. اما بیدادگری و ظلم انچنان شدت گرفته که داغ و درفش حکومت هم دیگر قادر نیست داد و خشم مردم را مهار کند و از لرزش زمین زیر پای دیکتاتوری ولایت فقیه جلوگیری کند.

وضعیت کارگران شرکت نیشکر هفت تپه را یوسف بهمنی، از کارگران نیشکر هفت تپه به خوبی ترسیم کرده است: «چهار سال است که هر دو سه ماه یک بار باید یک ماه اعتصاب کنیم و ده نفر را ببرند تا حقوق یک ماه را پرداخت کنند.»

خواسته‌های کارگران نیشکر هفت تپه عبارت است از «پرداخت موقتات مزدی، رسیدگی به وضعیت شغلی، تعیین تکلیف شرکت، بازگشت به کار همکاران اخراج شده، ابطال واگذاری شرکت به بخش خصوصی، تمدید دفترچه‌های درمانی و...».

کارگران علاوه بر فقیرتر شدن و سقوط وضعیت معیشت با محرومیت از بیمه درمانی و وضعیت بهداشتی نامناسب هم روبرو هستند. بر طبق آمار مرکز پژوهش‌های مجلس ارتجاع، ۶۰ درصد شاغلان کشور بیمه ندارند. (مشرق نیوز ۱۷ خرداد ۱۳۹۹) بر اساس داده آماری از گزارش فوق «مجموع شاغلان کشور در سال ۹۷ حدود ۲۳.۹ میلیون نفر هستند، حدود ۶۴.۵ درصد شاغلان کشور در بنگاه‌های کوچک کار می‌کنند». بر اساس قانون کار موجود شرکتها و واحدهایی که زیر ۱۰ نفر کارگر دارند شامل قانون کار نمی‌شوند. یعنی حتی ۶۰ درصد شاغلان شامل برخورداری از حداقل حقوق هم نمی‌شوند. که بدون شک زنان بخش بزرگی از این گونه شاغلان را تشکیل می‌دهند.



مرکز پژوهش‌های مجلس نرخ متوسط رشد اقتصادی از سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۸ را نزدیک به صفر درصد اعلام کرده است. اگر حتما همین عدد صفر را هم واقعی بدانیم که شواهد بر رشد منفی گواهی می‌دهند، رابطه این رشد با غارت و دزدی نجومی مشخص می‌شود. در نتیجه این وضعیت، علاوه بر آب شدن طبقه متوسط، تعداد بیشتری از نیروهای کار به زیر خط فقر مطلق رانده می‌شوند.

غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اعتراف کرد که: «حدود دو سوم جمعیت کشور به زیر خط فقر رفته‌اند.» (نود اقتصادی، ۲۶ خرداد ۹۹)

خامنه‌ای باید طلب عفو کند

خبر آزاد شدن و لغو حکم بازگشت به زندان برای تعدادی از کارگران زندانی هفت تپه و برخی از فعالان اجتماعی که با وثیقه‌های میلیاردی تومانی گروگان بودند، گرچه قطعی خبر و زوایای آن همچنان ناروشن است برای هر آزادیخواهی خوشحال کننده است. بر اساس گزارش‌های پخش شده، اسماعیل بخشی، علی نجاتی، محمد خنیفر، مرضیه امیری، عاطفه رنگریز، ندا ناجی، لیلا حسین زاده و سهیل آقازاده در میان این افراد قرار دارند.

این آزادی، قبل از هر چیز دستاورد مبارزه متحد و یکپارچه کارگران هفت تپه است. مقاومت بازداشت شدگان و همبستگی همکاران آنها، موجی از همبستگی در سراسر جهان به ویژه در میان فعالان و حامیان نیروی کار به وجود آورد.

عدم پرداخت حقوق و مزایای کاری، از عمومی ترین علت اعتراض‌های کارگری است. برخوردهای صورت گرفته از طرف مدیران، مالکان واحدهای تولیدی و حاکمیت در برابر این اعتراضها، سرکوب، اخراج و در بهترین شکل، وعده دادن به پرداخت یک ماه از حقوقهای معوقه است. حاصل این رویارویی و اعتراضها، محتاج نگاه داشتن نیروهای کار و حرکت دادن شمشیر ترس بالای سر کارگران معترض و اخراج از کار است. یک جانبه نگری حکومت در جدال طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار به طرز بسیار آشکار خود را نشان می‌دهد. در رژیم ولایت فقیه نه قانون کار موجود بلکه نقش حکومت به شکل لخت و عریان دفاع از منافع خود و کارفرمایان است. در دیکتاتوری فاسد ولایت فقیه، در بهم تنیدگی سیاست، قدرت و سرمایه، هر گونه ابزار و نهادی که سخنگوی نیروهای کار به طور مستقل باشد قابل تحمل نیست. رژیم ولایت فقیه که سیاست و قدرت را با اسلحه و نظامیگری گره زده است، بی رحمانه ترین سرکوب در مورد نیروهای کار را اجرا می‌کند. این مسلم است که در همه کشورها قدرت سیاسی حافظ منافع طبقه حاکم، یعنی سرمایه داران، است. اما در کشورهایی که کم و بیش دموکراسی وجود دارد، سندیکاها، اتحادیه‌های کارگری و جامعه مدنی، پارامترهای تعیین کننده در مبارزه طبقاتی برای تحمیل خواسته‌های نیروهای کار است. وجود سندیکاها، اتحادیه و تشکلهای نیروهای کار بستگی به میزان که نظم موجود را به چالش می‌گیرند خواسته‌های خود را تحمیل کرده و حقوق کار را به جلو می‌برند. اما در ایران، حکومت از نوع گندیده ترین شکل سرمایه داری، با مشخصات فساد، رانت خواری، زمین خواری، خودمانی سازی (خصوصی) و ... چون با خطر سرنگونی روبروست پس هر حرکتی را با امنیت خود سنجیده و برای حفظ امنیت تمام قوانینی که خود وضع کرده را هم زیر پا گذاشته و تنها سرکوب را پیش می‌برد.

بر این منظر، در اکثریت حرکت‌های اعتراضی، این شکایت سرمایه داران است که برنده جدال دو طبقه می‌شود. از شلاق زدن کارگران، حبس، جریمه های سنگین، طلب وثیقه‌های سنگین برای آزادی موقت، اخراج بعد از پرونده سازی و خارج شدن از زندان و ... شیوه‌های سرکوب حکومت است. به همین خاطر همه اعتراض‌های کارگری در خاتمه رنگ سیاسی به خود می‌گیرد. رژیم با این شیوه‌ها طی چهار دهه جنبش کارگری را در حدی نگاه داشته که سطح مطالبات آنها، حفظ وضع موجود را به چالش نگیرد. رژیم حساب می‌کند اگر نیروهای کار حقوق شان در چارچوب قانون کار موجود رعایت شود، فرصت پیدا خواهند کرد که با نگاهی بلند تر و برای دستیابی به زندگی در حد حداقل استانداردهای عادلانه مبارزه کنند.

وضعیت کارگران شرکت نیشکر هفت تپه یک نمونه بارز حمایت بی پرده حکومت از غارت و استثمار کارگران و مزدبگیران است. آنچه که بر کارگران نیشکر هفت تپه و سرنوشت این واحد تولیدی آمده است مستقیما به حاکمیت گره می‌خورد. این وضعیت نتیجه مستقیم سیاست خصوصی سازی، فامیلی سازی و خودی سازی کارخانه‌هایی از این دست است. به تازگی گذاشتن با نازلترین قیمت یا واگذار کردن اموال عمومی مردم، به نزدیکان حکومت از یک سو و از سوی دیگر دادن وام ارزی با قیمت دولتی بدون بهره و بدون ضمانت است. در این داد و ستدهای غارتگرانه تنها موردی که مهم نیست، سرنوشت کارخانه و حقوق کارگران است. در یک حکومت فاسد چشم انداز رانت خواران حکومتی، انباشت سرمایه و غارت دسترنج کارگران زندگی اشرافی و در مواردی فرار از کشور است.

۸ تیر سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف و ۹ چریک فدایی خلق دیگر

به نام مفهوم خوش پرواز در طرح آشیانه و بر عظیم کرانه ی صحرا، به نام کومه های فقر / و نعره ی آندوه گستر فاصله / و ابیات نیک مظهر شعور علیه ضرابهنگ تبعیض و جنون / به نام دروازه های مهیبه خیال، به نام کاشفان درد و کاتبان حسرت: که مثل شبنم و معبد / یا همچون عمر بی تکرار / یک اتفاق ساده اند! اما همیشه / و هنوز بر طبل حادثه می کوبند و از صبحه ها / از انبوه عقده و کینه و فریب می نویسند،

-اینان: کاشفان درد / به مانند شعله و صداقت / اهل پیکار و / گلوگاه قرون اند

اینان: کاتبان حسرت / با کاغذ و کلمه / اقوام ماتم، و نسل ارغوان را زمزمه می کنند ... می پوشانند و ناگهان! / تلاطم دروغ / در تعفن و حقارت / فرو می نشینند و صوت ستم می یوسد -

به نام دشت / دشتهای آبدی ... دشتهای شهید و شقایق و هق هق / به نام یگانه هجایی / معصوم بر بستر قابی پریشان احوال / به نام دختران شالیکار بر بوم سخاوت و عدالت / به نام آن همه قلب در مسیر نوازش / به نام پلهای قدیمی / و حلقه ی خمارگون شکوفه و / راویان خورشید / به نام خیزش مداوم کوه / به نام نان و نشاط / و خالی آه آندود سفره ها در انتشار ذهنهای سیال / به نام جهان،

که آدمی را: کتیبه ی مهر و آداب عشق می پندارد! / و به گمان اش / آدمی، حکایت بیم ناک پیله ها و قصه ی مرموز پرده هاست / و باید / با هلهله و خطابه و خنجر / سمت اهریمن و ابلیس بشتابد و در ضیافت گاه آینه، و بر آفق زار آب / غبار از تن بروید و بشوید ... تا سرانجام: موم معجزه / طنین آنداز شود / و آینده و

انقلاب / سهم هر فریاد و متن هر عطش باشد.



صفحات تاول زده، به نام تنهایی تو / و بغض فانوس در لفظ ناسور قفس / و تکاپوی سرد نسیم در نهایت تماشا، به نام پرند: پرندگانی از تبار برف و تطفه ی آتش / پرندگانی، / که شرح نگاه شان / شرم کودکان را دارد / و حوالی کوچ و مترسک / از حصار و مرگ نمی هراسند و / با لهجه ی غرور انگیز فاتحان، / سخن می گویند! / به نام نخستین انسان / به نام دریاها و نجوایی مختصر / به نام زائران شمع در گردش طوفان / به نام نفرین کنندگان خفته در خیمه های خاکستر / به نام شهری از فرزندان رُویا و خویشاوندان آشیاء،

که انگار: بر لنگر صبح / ماسیده و / میان هیچ / و هرگز / پرسه می زند / به نام گهواره های خستگی / به نام درختان شوق آمیز و سبز قام در جنگلهای دیر سال و دور دست، / به نام مادران کنک خورده به ناروا / به نام پدران بی مرز و عاصی از جنگ و نبرد بی حاصل، به نام دیوارها و طاقهای ویران شده / که شبیه عربانی این شعر مطلق: چهره ها و آوازهای گم گشته را شهادت می دهند و در ثقل جان بدل به بغض و بهت می شوند / به نام تردیدی طولانی / به نام کارگران و دهقانان و گیاهان / به نام تلخ صدا در ازدحام حقیقتی فرتوت / به نام کهنه قایقی چوبین بر ساحل پرهیاو / به نام اساطیر ...

و من: زیرا که من و اساطیر / بلوغ بتان، / و تناسخ خدایان را دیده ایم / و دوشادوش یکدیگر، تا حباب دریغ و طمع، تا آیات شیاطین و ادراک جمجمه ها سفر کرده ایم. - اکنون: باز هم / راه باید افتاد و حرفی زد / باید از رگان آشوب و اضطراب / از دقایق خشم و مصیبت و فاجعه گذشت / و شب کلاه جادو را / لپس کرد / و حتا! / با گوشههایی کنجکاو و چشمانی پرسش گر / بطالته و بیهودگیها و طلسمها را آموخت، آری: این چنین است که می توان، بر مزار اهل مکتب، مشعلی افروخت / و در فراسوی دانه های دانش، ایستاد / و از جدال چخماق و پاسخ باد / به شبعده بازان تاریخ / پی برد -

به نام اندک آرزوهای فراموش شده / به نام بیابان و بوته و سنگ آکنده از صبر / به نام جوهر وجدان / و شیپور بیدار / و موج کوب قلم / به نام توده های زخم در رویش زمان / به نام نطق بهار در کالبد نودان و بطن باغچه / به نام صخره های خزان گرفته بر دامنه های رنج و استقامت / به نام بی گناهان،

بی گناهانی که: با طعم چکامه و کفن / شعار شرافت دادند ... قصیده ی سرخ سنگر آفریدند / و رد آسارت و شکنجه و اعدام شان / از ترانه ای بر لب / تا پیش آستانه ای مسدود / پیدا و پنهان است، / به نام مقصد زادگان بی پایان / به نام مهتاب خون مرثیه پوش در کانون افسانه /

به نام صلح
پُل الوار (اوژن امیل پُل گریندل)
برگردان: امید آدینه
تقدیم به جان فدا، رفیق حمید اشرف

به نام حدیث غم بر ایاف شاخه ها و آیین جوانه ها / به نام آزادی / به نام زلال اندیشه در رنگین کمان بشر، به نام آنانی که: نمک فرسوده شان می کند / و نمک، همان اشکهاشان است / به نام رفیق / به نام زنان بی وطن بر فلات بی نشان تبعید / به نام مردان آونگ شده بر خاطرات گنگ زندان / به نام یاران لاله گون در انعکاس رعشه و بر احکام شوم وحشت،

به نام واژه: واژگانی که چونان اشکال و اعماق / بکر و پهناوراند / واژگانی که / در هیات ستارگان / بر می خیزند ... قیام می کنند / و در امتداد متروک و بیات شب / از خونین وسعت جاده های خصم / می گذرند، و وقت سحر: هنگامه ی نهال / نیاز / الفبای یک سرزمین را / بر فراز هر بام و کوچه و خیابان / می سرایند / به نام اعتراض و اعتراف از جنس سکوت / به نام خاموش سرشت برگی ناآشنا در حجم خشک آندود رودخانه / به نام قامت رقصان قاصدک در خلوت آسمان / به نام فصول / و سراسر حیوانات،

به نام لحظه ای مانا در خروش تردیقین: آن انتظار و انزوا ... آن پاکی محض و پژواک مقدس / که تعبیرش / ذات بوسه و حضور برهنگی ست / و گوئی! / ترجمان دریچه ... ایوان ... و روستا راه به تصویر می کشد / و از اندام آفتاب / و آبی آرامش خبر می دهد / به نام عطر گل در هجوم باران / به نام نرمک نازک نور / به نام خوشه چین راز / و بی شماران ریشه ی وحدت / به نام آشفته چراغی رو به زوال / و پشت به کابوس و جهل و نفرت، به نام سایه ... سایه های پرمرده و سوگوار: که پیوسته و پیوسته / از قلعه ها و شیارهای رزم / از ابعاد ممنوعه و افکار مسموم / عبور می کنند / تا معبر دژخیمان و مدار دیوها را فاش کنند و عاقبت! / پیچ پیچ نحس ظالمان / بر ورق پاره های شک و رسوایی / نقش ببند / و آن کبوتر سپیده دم، / با زبان گندم و پوشال و گلوخ / نغمه ی پیروزی و رهایی،

بخواند / به نام هزاران هزار شورش / و چندین و چند حماسه / به نام پنجره ای تاریک در آغوش دستان نیمه روشن / به نام روزنه های امید در کندوی پیام آدین طلوع / به نام پرتو خیس غروب بر عرصه ی احتمال و

رابطه اختلاس از اموال عمومی و

بی حقوقی کارگران

بقیه از صفحه ۶

شلاق خامنه ای بر بدن فعال سندیکایی،

رسول طالب مقدم

مقاومت یک مادر آلونک نشین «آسیه پناهی» در برابر ماموران رژیم به قیمت از دست دادن جانش، نمونه ای از خشمی است که سر سازگاری با حکومت فاسدان ندارد. همزمان با قتل آسیه پناهی، موج سواری رژیم و اشک تمساح ریختن برای کشته شدن یک شهروند آمریکایی و دفاع از شورشیان مردمی در شهرهای آمریکا، رذیلتانه و منزجر کننده است. رژیم نفس آسیه پناهی را به راحتی قطع کرد اما از شعار نفس کشیدن اعتراضهای برحق ضد نژادپرستی در آمریکا فرصت طلبانه و رباکارانه استفاده می کند.

شورش که علیه نژاد پرستی و تبعیض در بسیاری از شهرهای آمریکا اتفاق افتاده، اعتراضی بر حق است. می توان تصور کرد که اگر این شورشها علیه اقدامهای نژادپرستانه حکومت و ماموران آن صورت گیرد، سرکوب چه ابعاد گسترده ای خواهد داشت، همچنان که در قیام آبان سال پیش دستکم ۱۵۰۰ تن زن و مرد و پیر و جوان ایرانی با شلیک مستقیم گلوله به قتل رسیدند. سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم به دولت آمریکا گفته است: «خشونتها علیه مردم خود را متوقف کنید و بگذارید آنها نفس بکشند.» این دروغگویان دون پایه در حالی رجزخوانی برای دولت آمریکا و دلسوزی برای مردم آمریکا می کنند که آوازه جنایتهای آنان در کشتار اقلیتهای مذهبی و قومی در همه جای دنیا پیچیده است.

گروگانگیری و پرونده سازی برای دانشجویان، هر دو با یک هدف

کامران عالمی نژاد

با نگاهی به سیر صعودی تعداد دانشجویان دربند در چند سال گذشته به روشنی می توان هدف رژیم را در این پرونده سازیها درک نمود. رژیم در اولین قدم با دستگیری و به زندان افکندن مطالبه گران سیاسی، قصد ایجاد رعب و وحشت در میان دانشجویان را دارد. این را می توان مهمترین هدف رژیم قلمداد کرد.

در قدم بعدی، رژیم تلاش می کند رابطه دانشجویان با یکدیگر را توسط دستگیری و حبس افرادی که در میان دانشجویان اتوریته بیشتری دارند و در ابراز نظرات در تجمعات شهامت بیشتری بخرج می دهند، قطع کند.

در همین راستا، پرونده سازی و دستگیری دانشجویان می تواند رژیم را در رسیدن به هدف نهایی که انفعال دانشجویان و بازداشتن آنها از برپایی یا شرکت در تجمعات اعتراضی است، یاری رساند. رژیم تلاش می کند با فشار سرکوب این کج پنداری را به دانشجویان القا کند که تنها باید به فکر درس خواندن و گرفتن مدرک باشند. رژیم برای دانشجویان به صورت واضح مشخص کرده که هر دانشجویی که با نظام و حکومت اسلامی زاویه داشته باشد، جدا از اینکه برنده مدال المپیاد نجوم و اخترازی یک باشد یا نه، با پرونده سازی می تواند سالها در زندان بماند. علی یونسی و امیرحسین مرادی آخرین نمونه در این مورد هستند که رژیم این سیاست را در مورد آنها به صورت برجسته بکار برده است.

رژیم جمهوری اسلامی بعد از سالها تلاش و صرف بودجه های هنگفت از قبیل ساخت فیلم، چاپ کتاب، تحریف تاریخ مبارزاتی، ایجاد تشکلهای دانشجویی موازی و غیره ... توانسته است اعتراضات مردم و از آن جمله دانشجویان را خاموش کند، بلکه برعکس در این سالها دانشجویان، کارگران، کارمندان و ... با توسل به تجربیات گذشته و بالا بردن سطح آگاهی سیاسی خود توانسته اند در برابر حملات و سیاستهای ضد مردمی

اما طبق خبرهای منتشر شده، در سالهای اخیر معاوضه زندانیهای دو کشور به امری عادی بدل گشته است. معاوضه افرادی که در خارج از ایران به دلیل ارتکاب اعمال غیرقانونی و به طور عمد به دلیل کمک به رژیم جمهوری اسلامی در دور زدن تحریمها و یا خرید لوازم آلات ممنوعه که در مصارف نظامی و زیر ساختهای بمب اتمی به کار گرفته می شود، با افرادی که به دلایل پوچ در سیاهچالهای رژیم با خطراتی از قبیل: بیماری، خودکشی شدن و دوری از خانواده و فرزندان خویش مواجه هستند، عملی غیر انسانی و خلاف قوانین بین المللی است.

در سال ۱۳۹۴ چهار زندانی دوتابعیتی از جمله جیسون رضاییان، سعید عابدینی، امیر میرزایی حکمتی و خسروی که در ایران زندانی بودند، با هفت ایرانی که در آمریکا به اتهام کمک به رژیم جمهوری اسلامی در دور زدن تحریمهای آمریکا به زندان افتاده بودند، مبادله شدند.

آذر ۱۳۹۸ مسعود سلیمانی، استاد دانشگاه زندانی در آمریکا، با ژیا تو وانگ، شهروند آمریکایی محبوس در ایران مبادله شد.

خرداد ماه امسال سیروس عسگری و مجید طاهری دو زندانی ایرانی - آمریکایی که در آمریکا در زندان بسر می بردند، به ایران بازگردانده شدند و در قبال آن رژیم ایران مایکل وایت را آزاد کرد، اما مورد بی سابقه ای که در این تبادل زندانیان اتفاق افتاد، عقب نشینی دادستانی آمریکا در رابطه با اتهامات علی صدر هاشمی نژاد بود، در پرونده ای که به دلیل پنج فقره اتهام، احتمال می رفت که در مجموع ۱۰۵ سال حبس به همراه داشته باشد. با این حال دادستانی نیویورک تمامی اتهامات مربوطه به صدر هاشمی نژاد را پس گرفت و قرار آزادی برای وی صادر کرد.

جالب اینجاست که در تمام طول این سالها تبادل

حمله به سفارت آمریکا و "گروگانگیری" ۶۶ دیپلمات آمریکایی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ را می توان سرآغاز سیاست "گروگانگیری" در جمهوری اسلامی دانست که تا به امروز همچنان ادامه دارد. رژیم توانسته با این ترفند (مشی سیاسی) گاه از کوره راهها و تنگناهای سیاسی و منطقه ای، خود را به سلامت عبور دهد و گاه از آن به عنوان تک خال بازی به نفع خود استفاده کند.

اینکه رژیم چرا قدم در این بیراهه سنگلاخ گذاشته را باید در سیاستهای کلان آن جستجو کرد که تنها با ایجاد تنش و بحران در منطقه و دنیا می تواند ادامه حیاتش را تضمین کند.

از طرفی، با توجه به سیاستهای مخرب جمهوری اسلامی در منطقه همچنین سیاست اتمی آن، می توان به کارایی این تاکتیک برای منفعل کردن و یا زیر فشار قرار دادن کشورهای اروپایی و آمریکایی در تصمیمات انفرادی و بین المللی پی برد.



رژیم در زمانهای مختلف و بنا به وضعیت سیاسی خود در منطقه و همچنین روابط خود با دیگر کشورهای غربی و آمریکا، با دستگیری و پرونده سازی افراد مورد نظر و در نتیجه محکومیت آنها با حکمهای سنگین، سعی در بزرگ جلوه نمایاندن جرم شخص دستگیر شده دارد و به این ترتیب با فشار به کشور مورد نظر، یا دم گیر کرده خود در تله را بدر می برد و یا به امتیاز گرفتن در تصمیمات چشم امید می دوزد.

اینکه کشورهای غربی و آمریکا بر خلاف صحبتیهایی که در پشت تریبونها و صفحات روزنامه ها می کنند مباحثات با تهران را سالهاست ادامه داده اند، جای هیچ شبهه ای باقی نمی گذارد که آنها تنها در مسیر منافع ملی خود حرکت می کنند و اینکه اگر این سیاست به ضرر مردم ایران و جنبشهای مترقی و آزادیخواهانه عمل می کند، به هیچ عنوان مساله آنها نیست. اگر هم گهگاهی با معاهدات و قراردادهای بین المللی فشاری به رژیم وارد می آورند، فقط قصد تغییر سیاست جاری در نظر آنهاست و نه یک تغییر پایدار. این را مردم ایران در قیامهای گذشته به طور عینی تجربه کرده اند.

بنا به اطلاعات غیر رسمی، تعداد ۱۵ زندانی دوتابعیتی و یا خارجی در ایران زندانی هستند که جملگی آنان به اتهامهای واهی و یکسانی (جاسوسی و یا همکاری با دول متخاصم) از طرف قوه قضاییه جمهوری اسلامی به حبسهای طولانی مدت محکوم شده اند. این افراد دارای ملیتهای متفاوتی از قبیل: آمریکایی، انگلیسی، اتریشی، استرالیایی، فرانسوی و سوئدی می باشند.

سیامک نمازی، کابلی مور گیلبرت، انوشه آشوری، جولی گینگ، مارک فیرکین، نازنین زاغری، ارس امیری، احمدرضا جلالی و کامیل احمدی تنها چندین تن از دهها نفری هستند که در ایران بازداشت و زندانی شده اند.

حسن عباسی در اواخر سال ۹۸ در یک سخنرانی، از درآمدزایی میلیون دلاری سپاه پاسداران از طریق فروش گروگانها صحبت کرد. گرچه صحبتهای این تندروی اصولگرا بلافاصله از طرف سپاه پاسداران تکذیب شد،



رژیم تاب آورده و با اعتراضات پی در پی رژیم را با عقب نشینی و یا شکست مواجه کنند.

علی یونسی و ده ها نفر دیگر از زندانیان عادی و سیاسی، در زندانهای رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه بر اثر ابتلا به ویروس کرونا در معرض خطر جان باختن قرار دارند. رژیم به عمد برای زندانیان هیچ تسهیلات نه برای پیشگیری و نه برای مبتلایان به ویروس کرونا در نظر نمی گیرد. قصد رژیم به روشنی حذف زندانیان سیاسی به این طریق است.

زندانیان دو کشور در حالی به انجام رسیده است که همیشه دو طرف از عدم هماهنگی و رایزنی در این موارد صحبت می کنند.

در راستای سیاست گروگانگیری، می توان به پرونده سازی و دستگیری دانشجویان داخل کشور اشاره کرد. از آنجا که رژیم یکی از کانونهای اعتراضات، جنبشها و قیامهای سالهای گذشته را به درستی دانشگاه و دانشجویان ارزیابی می کند، لذا دست به سرمایه گذاری بیشتری در این مسیر می زند.

رویدادهای هنری ماه (خرداد ۹۹)

فتح الله کیائیهها

در رادیو در جواب پرسشی در این باره که چرا این جنگ تنها گریبان فقرا را گرفته، به سادگی می‌گوید: "اغلب فقرا هستند که درگیر مواد مخدرند و برای همین هدف عملیات ما شده‌اند."

جشنواره جهانی فیلمهای مستند "شفیلد"، (Sheffils.Doc.Fest) که امسال آنلاین برگزار شد، با نمایش فیلم اسونگ تصاویر دهشتناکی از مانیل پایتخت فیلیپین ارائه می‌دهد؛ جایی که اجساد کشته شدگان در گوشه خیابان به تصویری معمول از زندگی روزمره بدل شده است. طی دو سال، بیش از بیست هزار نفر توسط لباس شخصی‌هایی که فیلم می‌گوید به طور مستقیم وابسته به دولت هستند، در خیابانها به قتل رسیده‌اند.

فیلمساز که به نظر می‌رسد فیلم را طی مدتی طولانی تصویربرداری کرده، موفق می‌شود همزمان با کشف یک محل مخفی نگهداری قربانیان برای باج‌گیری، در آنجا حضور داشته باشد: تعدادی در یک جای تاریک محبوس شده‌اند و برای آزادی شان باید مبلغ زیادی باج بدهند یا به جرم ارتباط با مواد مخدر برای سالهای طولانی به زندان بروند. عجیب این که پس از یافتن این افراد، پلیس آنها را دوباره دستگیر می‌کند تا به زندان عمومی بفرستد. همزمان، فیلمساز که خود فعال مدنی است، یک تظاهرات بزرگ علیه رئیس جمهوری، رودریگو دوترته، را ثبت و ضبط می‌کند که در آن تظاهر کنندگان به طور مشخص وی را مسوول این قتلها معرفی می‌کنند و با شعار علیه او، عکس بزرگش را به آتش می‌کشند.

اسپایک لی راوی تجربه تلخ سیاهان در جنگ ویتنام



"اسپایک لی"، کارگردان آمریکایی، در آخرین فیلم خود به نام "۵ خون" (Da 5 Bloods) به جنگ ویتنام و نگاه سیاهپوستان ایالت متحده به این تجاوز نظامی پرداخته است.

موضوع تازه ترین اثر کارگردان "کار درست را بکن" (Do the Right Thing) با رویدادهای اخیر آمریکا، از جمله کشته شدن جورج فلویید و اعتراضهای پس از آن بی ارتباط نیست. کارگردان ۶۳ ساله آمریکایی تاکید می‌کند که با "۵ خون" قصد دارد به مخاطب نشان دهد تا چه حد تصویری که از نقش سیاهپوستان در جنگ ویتنام و به طور کلی زندگی در جامعه آمریکا ارائه می‌شده، ناقص بوده است.

او در این اثر علاوه بر یادآوری شمار بالای سربازان سیاهپوستی که در جنگ ویتنام کشته شدند، به تاثیر روانی این تجاوز نظامی بر سربازان و جامعه آمریکا نیز توجه کرده است. اسپایک لی در مورد خاطراتش از دوران جنگ ویتنام می‌گوید: "جنگ ویتنام اولین جنگی

بقیه در صفحه ۹

سینما

قیل از آنکه بر زبان آورد، راه افتاده بود و

ترسش ریخته بود

مبارزه علیه تبعیض نژادی "بر باد رفته" را متوقف کرد



شرکت HBO، از بزرگترین عرضه‌کنندگان آنلاین فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی، روز چهارشنبه ۲۱ خرداد اعلام کرد که به طور موقت عرضه فیلم "بر باد رفته" را متوقف خواهد کرد تا در آینده یک پیش زمینه تاریخی به آن بیفزاید.

فیلم "بر باد رفته" محصول سال ۱۹۳۹ و برنده هشت جایزه اسکار به دلیل ارائه تصویری رمانتیک از برده‌برداری در ایالت‌های جنوبی و جنگ داخلی آمریکا مورد انتقاد قرار گرفته است.

اعتراضهای گسترده به تبعیض نژادی و خشونت پلیس در آمریکا که از حدود دو هفته پیش و در پی کشته شدن "جورج فلویید" هنگام بازداشت پلیس آغاز شد، شرکت‌های فیلم و سرگرمی را وادار کرده است که از نظر مضامین نژادی محصولات فعلی و گذشته خود را بازبینی و با فضای جدید انطباق دهند.

"جان ریڈلی"، کارگردان سیاهپوست آمریکایی، در مقاله ای که در ستون دیدگاههای روزنامه "لس آنجلس تایمز" چاپ شد، از شرکت "وارنر مدیا" خواست که فیلم "بر باد رفته" را حذف کند. او در بخشی از مقاله خود نوشته است: "این فیلم از ایالت‌های جنوبی آمریکا در دوران جنگ داخلی یک تصویر رمانتیک ارائه می‌دهد؛ تصویری بسیار نجیب‌تر از آنچه که واقعا بود. موضع آن ایالت‌ها در حقیقت شورش مسلحانه برای جدا شدن از آمریکا و حفظ حق مالکیت و خرید و فروش انسانها بود."

سنگفرشهای خونین در مانیل



"اسونگ" (Aswang) روایتی خونین و دهشتناک از آنچه است که زیر عنوان مبارزه با مواد مخدر در خیابانهای مانیل می‌گذرد. این فیلم برایمان بازگو می‌کند که مانیل جایی است که در آن سران قاچاق مواد مخدر در امان هستند و تنها فقیرترین قشر جامعه قربانی حکومت می‌شود. در صحنه ای از فیلم، رئیس پلیس



از ماهی سیاه کوچولو (صمد بهرنگی) تا فرزند کمانگر راهی است سخت و دهشتناک اما پر از نور و روشنایی و شادابی و هنر زندگی و آن یعنی هنری که ره و رسم آزادگی و رهایی را نوید می‌دهد و می‌پروراند. "همه اش که نباید ترسید، راه که بیفتیم ترسمان می‌ریزد."

تیرگی خاک را پس زدن، بی‌هوایی را جنگیدن و تاریکی را به سمت نور راه یافتن، رمز حیات است و هنر زیستن و خویش را ارتقا دادن و تکثیر کردن. حیات با این هنر آغاز می‌شود، با هنر پویایی و شکوفایی امتداد می‌یابد و هنرمندانه و خلاقانه افکار متعالی را پرورش می‌دهد و تکثیر می‌کند که رمز و راز ماندگاری و جاودانگی اش می‌شود.

هشتاد یکسال پیش در چنین روزهایی روستای چرنداب تبریژ، شاهد شکوفایی جوانه ای نازک و نورس بود که قرار بود سقف نویی بر دنیای آموزش و پرورش و هنر و ادبیات مقاومت این مرز و بوم استوار سازد. این جوانه هنوز هجده ساله بود که اولین پیش لرزه ها را بر زمین نازا و سترون آموزش، هنر مبارزه و ادبیات له شده در زیر دست و پای خون آلود کودتایی ننگین و نکبت زا و سکون و سکوت و ناامیدی حاصله از آن پدید آورد.

بله ماهی سیاه کوچولو در برکه کوچک چرنداب بدنیا آمده، رشد کرده و اینک می‌رفت تا شاخ در شاخ گوزنهای جوان بر دل تاریکی لرزه انداخته و نوای خوش آهنگ زندگی، آزادی و رهایی را در جنگل سرد و عبوس، سرود خوان شود.

ماهی سیاه کوچکی که در تمام طول راه و با همه مراتبها و سختیهایش، لحظه ای متوقف نشد و توانست خویش را در شکل و فرم چریکهای فدایی خلق شاخه تبریژ و ماهیهای سرخ دیگری در گوشه و کنار این سرزمین، همچون فرزند کمانگر (ها) تکثیر کند. "یک نور هر چقدر هم که ناچیز باشه، بالاخره روشناییه."

و هنر مبارزه، نور کم سوی ماهی سیاه کوچولوی ما را چنان بر افروخت و فروزنده کرد که در گذر سالها، ماهیان سرخ دیگری در پرتو شفاف و جاودانه اش ره و رسم زندگی کردن، عشق ورزیدن و مبارزه کردن را فرا گرفتند. ماهیان سرخی که پرواز بر فراز دار را بر نکبت زندگی ای زمینگیر شده در گندابهای هرزگی و شکمبارگی ترجیح داده و مرگشان خود فراتر از زندگی درخشید.

زادروز این معلم آزاده روستاهای میهن را به همه ی آموزگاران روستایی در گوشه گوشه این سرزمین ستم زده و اطراف و اکناف جهان و هر جایی که ماهی سیاه کوچولویی قصد دریا می‌کند و بی‌هراس از سختیها و مراتبها دل به نوای امواج بنیان برافکن و تغییر دهنده اش می‌سپارد، خجسته باد می‌گوییم.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۷

بود که به خانه آمریکایی ها راه یافت و من اخبار آن را تماشا می کردم. من در این فیلم در واقع به آنچه دیدم پرداخته ام. من آن موقع به اندازه کافی بزرگ شده بودم تا بفهمم ماجرا از چه قرار است."

ده روز با سینمای ایران



وبسایت جشنواره هنری برلین، یازده فیلم از تاریخ سینمای ایران را به صورت آنلاین پخش کرد؛ مجموعه فیلمهایی که با هماهنگی و مدیریت آفسون مشیری، تهیه کننده آلمانی-ایرانی گردآوری شده و تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در پنج دهه گذشته را به تصویر می کشد.

برگزارکنندگان این جشنواره در معرفی آن می نویسند: "مردم ایران به طور دائمی با پرسش مقاومت یا مهاجرت روبرو هستند. این سوال از مدتها پیش در سینمای ایران که به پیشرو و محبوب بودن شهرت دارد، بازتاب یافته است. ما با معرفی آنلاین ۱۰ روز سینمای ایران"، نگاهی به این سینما می اندازیم."

برنامه جشنواره برلین که "ده روز با سینمای ایران" نام داشت به دو بخش تقسیم شده بود: "واقعیت‌های تبعیدی" یا فیلمهای بلند داستانی و مستند و "مبارزه یا پرواز" یا فیلمهای کوتاه که تمرکز آنها بیشتر بر ارائه تصویری از زندگی روزمره ایران و تلاش مردم برای غلبه بر مشکلات کوچک و بزرگ زندگی و همچنین تلاش برای آزادی در سایه دخالت‌های حکومتی داشت. فیلمهای بلند این جشنواره عبارت بود از:

یک اتفاق ساده - اولین فیلم بلند سهراب شهید ثالث / بانوی اردبیهشت - ساخته رخشان بنی اعتماد / روزی که زن شدم - مرضیه مشکینی / هشتی تهران - کاری از فیلمساز برلینی دانیل کاتر / فریاد رو به باد - کاری از سیاوش جمالی و عطا مهرداد / تمارض - فیلمی به نویسندگی و کارگردانی عبد آبیست / هجوم - ساخته سهرام مکرری.

فیلمهای کوتاه این جشنواره شامل اینها می شد: فالگوش - محمدرضا فرزاد / کشتارگاه - ساخته بهزاد آزادی / حیوان - برادران دوقلوی بهام و بهرام آرک / تنازع - مسعود حاتمی.

کرونا مراسم اسکار ۲۰۲۱ را عقب انداخت

آکادمی اسکار اعلام کرد به خاطر همه گیری ویروس کرونا تصمیم گرفته است این مراسم را ۲۵ آوریل ۲۰۲۱ / ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ برگزار کند. مراسم اسکار قرار بود ۲۸ فوریه ۲۰۲۱ / ۱۰ اسفند ۹۹ برگزار شود. مهلت ارسال آثار شرکت کننده در این رقابت نیز از ۳۱ دسامبر امسال به آخر فوریه سال آینده موکول شده است.

"دیوید روبین"، رییس آکادمی اسکار، در بیانیه ای گفت: "بیشتر از یک قرن است که فیلمهای سینمایی نقش مهمی در آرامش بخشیدن، انگیزه دادن و تفریح ما در سیاه ترین دوران ایفا کرده اند ... امسال هم همین

طور است. امید ما این است که با تمدید مهلت ارسال آثار، انعطاف لازم را برای اتمام تولید و اکران فیلمها در اختیار فیلمسازان قرار داده باشیم. (تیترا از جنگ خبر)

ادبیات

آمرتیا سن، فیلسوف و اقتصاددان، برنده جایزه صلح ناشران آلمان شد



جایزه صلح ناشران آلمان امسال به "آمرتیا سن"، اقتصاددان و فیلسوف هندی، اهدا می شود. این اقتصاددان و فیلسوف برجسته که برنده جایزه نوبل اقتصاد نیز هست، سابقه تدریس در دانشگاههای دهلی، استنفورد، برکلی، آکسفورد و کمبریج را از دهه ۶۰ میلادی در کارنامه خود دارد و از سال ۲۰۰۴ به عنوان پروفیسور در دانشگاه هاروارد مشغول تدریس و تحقیق است.

در بیانیه اتحادیه ناشران و کتابفروشان آلمان آمده است، سن برای چندین دهه به موضوع عدالت جهانی پرداخته و در این عرصه از پیشگامان است. هیات داوران جایزه صلح ناشران آلمان، فعالیتها و آثار این فیلسوف هندی را در مبارزه با نابرابری اجتماعی به ویژه در دوران کنونی دارای اهمیت دانسته است.

هیات داوران می گوید، از محوری ترین اندیشه ها و خواسته های سن این است که در سنجش رفاه اجتماعی نه تنها معیار رشد اقتصادی، بلکه معیار امکان پیشرفت و رشد به ویژه برای طبقات ضعیف هم در نظر گرفته شود.

مهمترین آثار آمرتیا سن به فارسی نیز ترجمه شده است. از این ترجمه ها می توان برای نمونه به کتابهای "برابری و آزادی"، "اخلاق و اقتصاد"، "توسعه به مثابه آزادی" و "هویت و خشونت: توهم تقدیر" و "اندیشه عدالت" اشاره کرد.

با جایزه ۲۵ هزار یورویی صلح، اتحادیه کتابفروشان و ناشران آلمان هر ساله از شخصیت‌های بین المللی در عرصه ادبیات، دانش یا هنر که با آثار و فعالیت‌های شان به تحقق ایده صلح در جهان کمک می کنند، تقدیر می کند.

سال گذشته "سیاستیائو سالگادو"، عکاس، نقاش و فعال محیط‌زیست برزیلی، برنده این جایزه شد.

مشاهدات جان بولتون، ترامپ را به چالش می کشد

جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی کاخ سفید، در کتاب تازه خود اتهامات شگفت انگیزی را به رییس سابقش، دونالد ترامپ، وارد کرده است. او در کتاب خود با نام "اتاقی که در آن اتفاق افتاد" به شرح خاطرات خود از دوران خدمتش در کاخ سفید پرداخته است. این کتاب قرار است اواخر این ماه منتشر شود و به تازگی چکیده ای از آن در چند رسانه منتشر شده است. هرچند تا زمان انتشار کتاب حدود دو هفته باقی مانده، اما بر اساس چکیده هایی که روزنامه های وال استریت ژورنال، نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شبکه خبری سی ان ان منتشر کرده‌اند، بولتون یک الگوی رفتاری



فساد را به طور دائم در ترامپ مشاهده کرده که همیشه سعی داشته از قدرت ایالات متحده و نفوذ این کشور بر دیگر کشورها در جهت منافع شخصی خود بهره ببرد. در کتاب خاطرات بولتون از جمله آمده که ترامپ حاضر نشده در رابطه با سی امین سالگرد کشتار میدان "تیان آن من" (۱۹۸۹) بیانیه ای صادر کند و به بولتون گفت: "این مربوط به ۱۵ سال پیش است (کشتار تیان آن من ۳۰ سال قبل رخ داد) چه کسی به آن اهمیت می دهد؟ من سعی دارم [با آنها] معامله کنم. این را نمی خواهم." بولتون همچنین نوشته است ترامپ تابستان گذشته در جلسه ای در نیوجرسی با انتقاد از خبرنگاران گفته بود "اینها باید اعدام شوند. آنها نفرت انگیزند."

دولت ترامپ چهارشنبه شب ۲۸ خرداد / ۱۷ ژوئن در شکایت فوری به مقامهای قضایی خواهان توقف موقت انتشار و پخش کتاب شد. ترامپ، همچنین بولتون را یک "احمق کسالت آور" و "برزخی" که تنها دلش می خواست به جنگ برود توصیف کرد.

"سایمون و شوستر"، ناشر کتاب بولتون، با انتشار بیانیه ای تلاش برای توقف انتشار کتاب را اقدامی سبکسرانه و با انگیزه های سیاسی خواند که راه به جایی نمی برد. به گفته انتشارات سایمون و شوستر صدها هزار نسخه از کتاب در سراسر آمریکا و جهان توزیع شده و آماده است روانه کتابفروشیها شود.

دستگیری نویسنده و منشی هیات دبیران کانون نویسندگان ایران



آرش گنجی، نویسنده، مترجم و منشی هیات دبیران کانون نویسندگان ایران یکشنبه ۲۵ خرداد در جلسه رسیدگی به اتهاماتش بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

نیروهای امنیتی یکم دی سال گذشته این نویسنده را در خانه اش دستگیر کردند. او پس از نزدیک به یک ماه بازداشت، با قرار وثیقه ۴۵۰ میلیون تومانی تا پایان مرحله دادرسی به صورت موقت آزاد شد. محمد مقبسه، قاضی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران اما در دادگاه روز یکشنبه قرار وثیقه گنجی را به سه میلیارد تومان افزایش داد.

جمهوری اسلامی، این نویسنده و مترجم را به "عضویت و همکاری با گروهک ضد نظام"، "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" و "فعالیت تبلیغی علیه نظام" متهم کرده است.

بقیه در صفحه ۱۰

رویدادهای هنری ماه

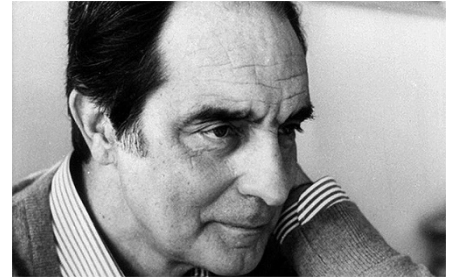
بقیه از صفحه ۸

علاوه بر او، رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن، سه عضو کانون نویسندگان هم در سال گذشته محاکمه و به حبس محکوم شدند. دادگاه انقلاب این سه تن را در مجموع به ۱۵ سال و شش ماه زندان محکوم کرده است. محکومیت خندان مهابادی و آبتین هر یک شش سال و باژن سه سال است.

"معاشقه یک چریک"؛ انتشار داستانی منتشر

نشده از ایتالو کالوینو

به تازگی داستان "معاشقه پیش از نبرد" نوشته "ایتالیو کالوینو"، نویسنده مشهور ایتالیایی و از بزرگترین



نویسندگان جهان در قرن بیستم، برای اولین بار و پس از گذشت ۷۳ سال از نگارش آن، در ضمیمه ادبی روزنامه ایتالیایی "لاریپولیکا" منتشر شده است.

کالوینو این داستان را پس از پایان جنگ جهانی دوم و تقریباً همزمان با نگارش داستان بلند "کوره راه لانه های عنکبوت" نوشت که به عنوان اولین کتابش در سال ۱۹۴۷ منتشر شد. او از همان انتشار اولین رمانش، مرزهای ادبیات را درنوردید و شهرتش به خارج از ایتالیا رسید.

داستان "معاشقه پیش از نبرد" درباره یک عشق تابستانی است میان "ایتلیو"، شخصیت مرد داستان که قصد دارد تفنگ به دست بگیرد و راهی یک جنگ پارتیزانی شود و "واندا"، یک دختر زیبای ایتالیایی. ایتالو کالوینو در جریان جنگ جهانی دوم، به تیپ "گریبالدی" (کمونیستهای ایتالیایی) متعلق به جنبش مقاومت ایتالیا پیوسته بود که در سال ۱۹۴۳ تشکیل شد. داستان "معاشقه پیش از نبرد" بر اساس همین تجربه نویسنده شکل گرفت و نماینده دوره ابتدایی از سیر نویسندگی کالوینو است که در آن دوره، به تئورالیسم گرایش داشت.

او در این داستان در واند، وعده یک زندگی آرام، ازدواجی مطمئن و تحسین و حتی حسادت دوستانش را می بیند. اما این احساس در طول داستان، در حال جنگ با یک آرمان است؛ نیاز به ایفای نقش در تاریخ که مدام در درون ایتلیو بیشتر می شود.

کالوینو به عنوان نویسنده این داستان، از طریق یک دیالکتیک پیوسته میان امیال متضاد قهرمان داستان، خواننده را در تردیدها و تاملات او غرق می کند.

هنرهای تجسمی

تصویر کرونا بر خشتهای تیموریان

گویا تاریخ را تنها تاریخ نگاران نمی نویسند. نقش هنرمندان در ثبت جزئیات رویدادهای تاریخی همیشه برجسته بوده است.

عبدالناصر صوابی، مینیاتوربست هراتی، از آغاز دوره قرنطینه به علت شیوع کرونا، سعی کرده لحظه هایی از زندگی و مبارزه مردم با کرونا را در تابلوهای کوچک و ظریف مینیاتور به تصویر بکشد. آقای صوابی این نقشها و تصویرهای ظریف را نه بر تابلوهای عادی، بلکه بر



سطح خشتهای فروریخته متعلق به بناهای تاریخی دوره تیموری در قرن نهم هجری در هرات نقاشی می کند. کار هنری بر روی خشت، دستکم در هرات که پیشینه ای دراز در هنر مینیاتور دارد، به صورت یک مجموعه بی سابقه است. نام این مجموعه "خشتهای طلایی" است که لحظه های از یک دوره تاریک (شیوع کرونا) در آن ثبت شده است.

آقای صوابی می گوید: "اینها ما را به نوعی به تاریخ گذشته مان وصل می کند. گذشته را به ما یادآوری می کند تا جان بگیریم. از جانبی دیگر این آثار می تواند به نسلهای بعدی کمک کند تا بتوانند با چنین دوره بحرانی آشنا شوند و بدانند که ما چنین روزهای سختی را سپری کردیم."

(منابع: جنگ خبر، رادیو فردا، دویچه وله، بی بی سی، رادیو زمانه، یورونیوز)

نگاهی به شورش مردم مشهد

در خرداد ۱۳۷۱

بقیه از صفحه ۱۱

روزنامه خراسان که بیشترین اخبار ضد و نقیض را در مورد شورش ۷۱ منتشر کرده بود بعد از مدتها در تحلیل اتفاقات خرداد به ماجرای آشوب چهارشنبه سوری اشاره کرده و می نویسد ما باید نطفه رفتار آشوبگران را در همان چهارشنبه سوری خفه می کردیم

علی جنتی سالها بعد در مصاحبه ای به بازگویی اتفاقات خرداد ۷۱ پرداخت و تلویحاً حق را به مردم معترض داد. او بر خلاف گزارشهای آن روزهای روزنامه خراسان که هم خبر تخریب منزل کارگران را تکذیب کرده بود هم کشته شدن دو دانش آموز را کار «منافقان» اعلام کرد، تمام ماوقع را تقریباً چنان که بود شرح داد و گفت بعد از تخریب، مردم ماشین شهرداری را آتش زدند و نیروی انتظامی به دانش آموزان شلیک کرد. حتی به نقل از فلاحیان گفت؛ بین بازداشتها حتی یک نفر وابسته به گروهکها نبود و حتی بعضی از بازداشت شدگان اعضای خانواده کشته شدگان جنگ و مجروحان آن بودند.

سعید امامی معاون وزارت اطلاعات در سال ۷۵ نیز گفت: کسی آمده یک پولی داده یک تکه زمینی را گرفته یکدفعه می پند آمده اند بالای سرش تا زمین را خراب کنند. مطمئناً اعتراض خواهد کرد یعنی بعضی از اعتراضات، اعتراضاتی است که ما باید بپذیریم.

علی جنتی بعد از شورش خرداد ماه مشهد استعفا داد و چندین نفر از نیروی انتظامی هم توبیخ شدند و آمار ۶ کشته از مأموران هم ارائه شد اما از کشته و زخمی شدگان مردم شورش سخن به میان نیامد و هرگز از آن دو دانش آموز کشته شده یاد نمی شد و پرونده بسته شد.

رویدادی که می توانست هرگز رخ ندهد، به دلیل بی توجهی به خواسته به حق مردم تهیدست و کارگرانی که صاحبان اصلی انقلاب ۵۷ بودند، چنان زخمی به صورت حاشیه نشینان مشهد زد که شاید هرگز بهبود نیابد.

حکومت بارها و بارها همین سناریو را برای اینگونه اعتراضات به کار برده و نه تنها مقصران واقعی محاکمه نشدند بلکه مثل همیشه بازنده مردم ستدیده بی پناه شدند.

ارتقای قالبیاف

نماد یک تنگنای سیاسی

منصور امان

رژیم ولایت فقیه در فینال "مبارزه با فساد" خود، سکان قانونگذاری را به دست یک دزد و یاغی پیشانی سفید سپرده است. گمردن پاسدار محمد باقر قالبیاف به راس قوه مقننه "نظام" با وجود ناخنک شدن کوس رسواییهایش بر سر هر کوی برزن، انتخابی ناگزیر است که فشار دو نیرو از بیرون، آن را به پیش رانده و به گونه جبری به این نقطه رسانده است.

نیروی مرکزی این روند، ضرورت تحول در آرایش حاکمیت است؛ امری که خیزشهای رشد یابنده توده ای از یکسو و فشار فزاینده و کمرشکن آمریکا از سوی دیگر آن را به "نظام" تحمیل کرده است. راه حلهای حاکمان کشور برای چیرگی و خاموش کردن دیگ انفجاری جامعه بی نتیجه مانده و همزمان ترفندهای آنها به منظور مدیریت درگیری با آمریکای آقای ترامپ بدون تأثیر بوده است.

در بن بست این دو بحران کانونی و ثابت که با سریالی از بحرانهای دیگر در ابعاد کوچک تر همراهی می شود، گردانندگان چا راه برون رفت را تمرکز در "بالا"، کوتاه کردن مسیر تصمیم گیری و اجرا و کنار گذاشتن تشریفات دست و پاگیر "جمهوری" از دکوراسیون استبداد مذهبی می جویند. برای یک رژیم بحران زده که از نظر ساختاری رفرف پذیر نیست و رویکردها و سیاستهایش به موجودیت آن گره خورده، راه حل بهتری از چنگ زدن به زور و قهر به منظور حفظ تعادل در برابر توفان تغییرات ضروری وجود ندارد.

در این نقطه نهاد نظامی و امنیتی "نظام" کارکرد مهم تری از آنچه که داشت می یابد و به دستگاه اجرایی و ظرف انگاشت جدید آن تبدیل می شود. این نهاد که تا پیش از این به مثابه نیروی ضربت و پشتیبان دستگاه ها و نهادهای رسمی پا به صحنه می گذاشت، اکنون خود به تدریج به جای آنها نشاندن می شود تا مضمون قهری، پادگانی و امربرانه سازماندهی و تصمیم گیری را به ساختارهای قدرت حقوقی تزریق کرده و آن را به شکل غالب مدیریت بحرانها و اداره امور درآورد.

یک سرکرده نام و نشان دار نیروی سرکوب، بی تردید خوش ظاهرترین نامزد برای ریاست سیرک پارلمان و باور پذیر کردن "جمهوری" نیست، اما تنگنای "نظام" نه امکان ادامه بازی و مانور به شیوه پیشین را می دهد و نه ساختار آن برای تغییر ریل، گزینه سیاسی دیگری جز نیروی نظامی و امنیتی در اختیار دارد.

نیروی جانبی که نقشی نه چندان کم اهمیت در روند پرتاب پاسدار قالبیاف به راس قوه مقننه بازی می کند، نهادینگی فساد حکومتی به گونه ای است که به بخشی از کارکرد و ویژگی عادی حاکمیت و اعضای آن بدل گردیده. استحکام مناسبات شکل گرفته بر پایه غارت، سوواستفاده، کج دستی، رشوه، کلاهبرداری، زورگیری و جز آن را هیچ شاهدهی بهتر از ارتقای مقام آقای قالبیاف گواهی نمی دهد؛ تبهکاری که به اندازه وزن خود پرونده رسمی و غیر رسمی، باز و مسکوت فساد مالی انباشت کرده است و با این حال با دف و سنخ و هلهله به رده بالاتری از تصمیم گیری و دسترسی به منابع ثروت و قدرت اسکورت می شود.

آقای قالبیاف فقط روند مسلط ساختن ارگان چکمه پوش را بر نهادهای انتخابی رژیم مالاها نمایندگی نمی کند؛ او نماد تنگنای سیاسی و ساختاری "نظام" از یکسو و درجه رشد فساد در آن از سوی دیگر هم هست. گرد این میز خالی، قمار بزرگ آقای خامنه ای و تیم اش جریان یافته است.

فراسوی خبر... شنبه ۱۰ خرداد

نگاهی به شورش مردم مشهد در خرداد ۱۳۷۱

آرش



زمانی که گفته شد برای تعدیل اقتصادی فرودستان له خواهند شد، نظامی که برای برقراری حکومت جهانی مستضعفان روی کار آمده بود، از نگاه مردمی که انقلاب کرده بودند دوگانه به نظر می رسید. کمی بیش از یک دهه از روی کار آمدن حکومت جدید نگذشته بود که فشارها با تورم پنجاه درصدی بر کرده محرومان افزون گشت و مردم محروم و کوخ نشینان که قرار بود صاحبان اصلی انقلاب باشند آرام آرام فهمیدند که در بر پاشنه سابق می گرد و سهم آنها در برنامه تعدیل اقتصادی همانا له شدن و نابود شدن است و از این دیگ جوشان توسعه اقتصادی آبی برای آنها گرم نخواهد شد که هیچ، اولین قربانیان هم کسی جز بی چیز ماندگان و دورافتادگان از منابع قدرت و ثروت

نخواهد بود. پس آنقدر خشم و نالیدی در وجود مردم تهیدست موج می زد که منجر به شورشی در نقاط مختلف کشور شود، به خصوص در مشهد که یکی از بزرگترین مناطق حاشیه نشین کشور را دارد و پایتخت قدرتمند مذهبی ایران است.

در خرداد ۱۳۷۱ یکی از بزرگترین شورشیهای تاریخ ایران در مشهد صورت گرفت آنقدر سریع و غیر قابل کنترل که گویی کبریتی به انبار بنزین افتاده باشد.

هزاران نفر از مردم منطقه طلاب و طهری شورشگران آن شب دود و آتش شدند. مناطقی که اکثریت مردم آن همیشه از یاوران اصلی حکومت به حساب می آمدند و چه در جنگ هشت ساله، چه در تظاهرات و چه در انتخابات نیروی بدنه نظام بودند. اختلافی که از مشکل چندین ساله بین شهرداری و مردم بلوار طهری دوم بر سر مجوز ساخت آونکهای کارگری لاینحل مانده بود با حضور ماموران بی رحم و بی کفایت شهرداری به قصد تخریب ساختمانهای بی مجوز و مقاومت مردم به سرعت ماشه یک جنگ تمام عیار چکانده شد. در کشاکش بوجود آمده و در ساعتی که نمایندگان مردم اراضی «بالندر» و مقامات شهرداری مشغول مذاکره بودند در روستای «رده» اتفاقی دیگر رقم می خورد.

مردم یادشان نرفته بود که با وعده همه را صاحبخانه می کنیم، بخصوص کارگران و محرومان که رفاه آنها هدف اصلی انقلاب معرفی شده بود، به مبارزه با نظام پادشاهی پرداخته و کشته ها تقدیم کرده بودند، اکنون به جای اقدامات نظام برای بهتر شدن زندگی شان، بولدورها و ماموران شهرداری را می دیدند که با حکم تخریب به جنگ با حاشیه نشینان آمده بودند.

با شروع تخریب، مردم خشمگین بر سر ماموران ریخته و جهت حفظ سر پناه خود با آنها درگیر شدند و کار به آتش زدن ماشین شهرداری رسید و ماموران شهرداری از نیروی انتظامی کمک خواسته و آنها هم روبروی مردم ایستادند.

با تعطیلی مدارس و هجوم دانش آموزان به صحنه درگیری و هو کردن ماموران، شلک گلوله بر تن دو نفر از دانش آموزان نشست. خون جلوی چشم مردم کشته

داده را گرفت و جنازه بر دست به سوی میدان شهدا و ساختمان شهرداری حرکت کردند و بر سر راه طولانی خود هر چه تعلق به حکومت داشت و نداشت به آتش کشیده شد،

کلانتری طلاب خلع سلاح شد و اسلحه ها بین مردم توزیع گردید.

در این میان نیروی انتظامی نه قدرت مقابله با سیل مردم را داشت نه دستوری. جمعی به میدان شهدا رسید و صدای رگبار گلوله ها تداعی میدان جنگ می کرد. نیروی انتظامی حتی نتوانسته بود مردم عادی و رهگذران را با هشدار یا اخطار متوجه اتفاقات پیش رو کند.



یکی از شاهدان آن شب روایت می کرد که: از خیابان سعدی به طرف شهدا در حال حرکت بودم که دیدم یک مینی بوس به سرعت از طرف شهدا به طرف خیابان ارگ در حال فرار است. دو مامور نیروی انتظامی در خیابان مشغول تردد بودند و من احساس کردم مردم ماجرای رخ می دهد اما ماموران نگران در سکوت، مردم را تماشا می کردند. من کم کم به میدان شهدا نزدیک می شدم که ناگهان کسی مرا به داخل یکی از فروشگاههای سم فروشی پرتاب کرد و با من عده زیادی وارد فروشگاه شدند. همان لحظه مردم را می دیدم که خود را داخل جویهای کنار خیابان می انداختند. کرکه ها پایین کشیده شد و صدای رگبار بی امان وحشت را به همه حاکم کرده بود. من زیر میز فروشگاه پناه گرفته بودم. نمی دانم چند دقیقه گذشت که کرکه ها بالا رفت و ما بیرون آمدیم... همه جا تاریک شده بود و فقط شعله های سرکش آتش در حال بلعیدن خیابان بود. من از یکی از کوچه های پشت شهرداری فرار کردم اما در آن کوچه های تنگ و قدیمی به هر جا می گریختم مواجه با آتش می شدم طوری که دیگر امید نجات را از دست داده بودم. بعد از یک ساعت توانستم از یک کوچه به میدان دروازه قوچان پرسم و از آنجا میدان شهدا و خیابان را غرق در دود و آتش تماشا کنم و بعد هم از مهلکه فرار کنم.

اگر پلیس در خیابان ارگ به مردم کوچکترین اخطاری داده بود افراد زیادی مانند راوی ما جان شان به خطر نمی افتاد.

حرکت شورشیان تا ساختمان دادگستری ادامه داشت. دهها اتوبوس و اتومبیل شهرداری نابود گردید و فروشگاههایی طعمه آتش و غارت شد. هر کس هر چه به دستش رسیده بود برداشته بود که البته به طور طبیعی همیشه کسانی هستند که از اعتراضات به حق مردم استفاده نابجا برده و با خشونت و خونریزی و غارت، جهت برپایی چوبه های دار، بهانه به دست سرکوبگران می دهند.

از ساعت ده شب نیروهای سپاه و حزب اللهیها با فراخوان رادیو و تلویزیون به خیابانها ریختند و با

دستگیری ۸۰۰ نفر از مردم شورشی کنترل شهر را بدست گرفتند. از تعداد واقعی کشته شده ها کسی خبری نداشت و هنوز هم کسی نمی داند که چه تعداد از فرودستان بی نام و نشان در آن شب جان باختند.

روز بعد مردم از تمام مناطق مشهد به تماشای خیابانهای محل درگیری روانه شدند و از وسعت آتش سوزیها و ویرانیها حیرت زده شدند.

بعد از سرکوب، استاندار با گره زدن زلف شورش به انگشت «منافقان و عوامل آمریکا و صهیونیسم» سناریوی همیشگی تحرک دشمن بیگانه را تکرار کرد و چند تظاهرات حکومتی در تقبیح عمل «اراذل و اوباش و سرسپرده بیگانه» به پا شد که در آن خواهان مجازات سریع عاملان شورش شدند و دادگاه انقلاب به سرعت حکم اعدام چهار نفر را اجرا کرد.

اندک اندک ناقدان به سخن آمدند که عامل اصلی شورش بی تدبیری شهرداری و بی کفایتی نیروی انتظامی بوده و شورشگران هم اکثرا جوانهای بیکار طبقه «مستضعف» بودند که خواهان سهم خود از سفره انقلاب حتی به اندازه لقمه نانی شده بودند.

یک موضوع مهم در این میان به غفلت گذشت، چهارشنبه سوری سال ۷۰ اتفاقاتی در بلوار وکیل آباد رخ داد و سرکوبی شدید انجام شد که شاید بی ربط به خشم و انتقام جویی مردم در خرداد ۷۱ نبود. از حدود سال ۶۷ متمولان و خانواده های سطح بالای مشهد برای برگزاری جشن چهارشنبه سوری به انتهای بلوار وکیل آباد می رفتند و جشن و پایکوبی، بدون هیچ دخالتی از طرف پلیس، برپا می کردند. در سال ۶۹ برگزاری جشن دیگر همگانی شده بود و به خصوص از محله های پایین شهر همه به طرف بلوار وکیل آباد روانه می شدند. اما از اواسط برنامه جوانان که با رقصهای دسته جمعی بلوار را بسته بودند، با تشویق و یا تهدید سرنشینان اتومبیلها به پیاده شدن و شرکت در مراسم رقص، مشکلاتی پیش آمد که برای رفع آنها بدون تذکر یا هشدار در سال ۷۰ نیروهای امنیتی و انتظامی در کمین نشستند و زمانی که بلوار دوباره بسته شد و این بار شدیدتر از سال پیش درگیری بین خانواده ها و جوانان شروع شد، ناگهان حمله نیروهای سرکوب آغاز گردید. یکی از شاهدان عینی تعریف می کرد که: با خانواده کنار بلوار ایستاده بودیم و آتش بازی و رقص جوانان را تماشا می کردیم و افرادی را دیدیم که روی کاپوت ماشینها می زنند و خانواده ها را دعوت به پیاده شدن و شرکت در رقص می کردند که ناگهان ماموران ریختند و بی مهلبا از یک کنار همه را مورد ضرب و جرح قرار می دادند. من خانواده ام را پشت دیوار شکسته ای پنهان کردم و به چشم خود ماموری را دیدم که با زنجیر به سر و روی مردم می کوبید. بلواری که سراسر اتومبیل و مردم آن موج میزد به زودی در سکوت فرو رفت. ما ساعتی پشت دیوار پناه گرفته بودیم و بعد از اینکه مطمئن شدیم خبری نیست به طرف بلوار راه افتادیم که توجه مان به یک نیشان وانت که مخصوص حمل بار، برزنت کشیده بود جلب شد. آهسته جلو رفته و با بالا زدن گوشه چادر برزنت شاید نزدیک به سی جوان ترسیده و وحشتزده را دیدیم که در زیر برزنت پنهان شده و دعوت به سکوت می کردند. در راه برگشت به خانه چهار ماشین نیروی انتظامی که جوانان یا به آتش کشیده بودند یا شیشه های شان را خورد کرده بودند را دیدیم. بعد از عید، روز شش فروردین فقط به تعداد ۲۸ نفر دستگیر شده اشاره شد.

بقیه در صفحه ۱۰

دانشگاه در ماهی که گذشت (خرداد ۹۹)

کامران عالمی نژاد

ادامه حبس علی یونسی و امیرحسین مرادی، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف



با وجود گذشت نزدیک به ۶۰ روز از بازداشت علی یونسی و امیرحسین مرادی، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، همچنان آنها بدون برگزاری دادگاه در زندان به سر می‌برند.

ادامه بازداشت یونسی، برنده طلای المپیاد جهانی نجوم، در حالی است که گروهها و فعالان حقوق بشری و دانشجویی درباره ادامه بازداشت و شرایط نگهداری او ابراز نگرانی می‌کنند.

پیشتر عفو بین الملل در فراخوانی از امکان قرار داشتن این دانشجوی جوان در معرض شکنجه ابراز نگرانی کرده بود.

"مایکل بیج"، معاون امور مربوط به خاورمیانه در دیده بان حقوق بشر، نیز از مقامات ایران خواسته که علی یونسی و امیرحسین مرادی را هرچه زودتر آزاد کنند یا با شفاف سازی اتهام آنها، دادرسی عادلانه شان را تضمین کنند.

برخی دانشجویان و فعالان حقوق بشری هم با امضای طومارهایی درخواست آزادی آنها را مطرح کرده اند.

یونسی، دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف، همزمان با مرادی، دانشجوی فیزیک این دانشگاه، شامگاه آدینه ۲۲ فروردین ماه از سوی مأموران امنیتی سپاه پاسداران و با ضرب و شتم بازداشت شد.

سخنگوی قوه قضاییه در اردیبهشت ماه گفته بود مرادی و یونسی به "گروه های ضد انقلاب" وصل شده بودند و به دنبال انجام اقدامات خرابکارانه بودند. اعضای خانواده یونسی این اتهامات را رد و "داستان سازی" عنوان کرده اند.

این دو دانشجوی زندانی در مدت بازداشت خود به غیر از چند تماس تلفنی کوتاه، از داشتن حق و کیل و ملاقات با خانواده خود محروم بوده اند.

علی یونسی در زندان به کرونا مبتلا شده است



برادر علی یونسی، دانشجوی بازداشت شده، روز پنجشنبه خبر داد برادرش پس از نزدیک به دو ماه از انفرادی به سلول جمعی منتقل شده است، ولی در دوران انفرادی به ویروس کرونا مبتلا شده است.

بقیه در صفحه ۱۳

خوابگاه خرازی، دو نفر ساکن خوابگاه کوثر، دو نفر ساکن خوابگاه کرمانی و میلاد، یک نفر از خوابگاه میرباقری و دو نفر از کارکنان این خوابگاه ها هستند.

محکومیت دانشجوی بازداشت شده در اعتراضات آبان به زندان و شلاق



دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی روز آدینه ۹ خرداد بدون برگزاری جلسه، حکم شش ماه حبس تعلیقی، ۷۴ ضربه شلاق و رونویسی از سه کتاب "سپرک فلافل فروش"، "پای که جا ماند" و "سه دقیقه در قیامت" را برای علی نانویی، فعال دانشجویی تایید کرد. اتهام این دانشجو شرکت در تجمع ۲۷ آبان دانشگاه تهران عنوان شده است.

علی نانویی، دانشجوی دانشگاه تهران، در جریان اعتراضات سراسری آبان ماه در روز دوشنبه ۲۷ آبان و همزمان با تجمع دانشجویان در دانشگاه تهران، هنگامی که قصد خروج از دانشگاه را داشت، همراه دهها دانشجو دیگر بازداشت شد.

احضار ملیکا قراگزلو، فعال دانشجویی به کمیته انضباطی



ملیکا قراگزلو، دانشجو و دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه، به اتهام "شرکت در تجمع غیرقانونی دانشگاه" و "بدحجابی" به کمیته انضباطی احضار شد.

کانال تلگرامی انجمن اسلامی این دانشگاه روز شنبه ۱۰ خرداد، با اعلام این خبر نوشت او "در این تجمع حضور نداشته" و "هیچ مدرکی دال بر حضور این دانشجو در تجمع خودجوش دانشگاه علامه موجود نیست".

همچنین این انجمن تاکید کرد که احضار قراگزلو به کمیته انضباطی، "برخلاف شیوه نامه انضباطی دانشجویان، به صورت تلفنی بوده و هیچ ابلاغ کتبی صورت نگرفته است".

ملیکا قراگزلو نیز در صفحه توئیترش نوشت: "وقتی گفتم من روز تجمع نبودم، گفتند حالا برای [شرکت در] تجمعی قبل بیا!"

"کمیته دانشمندان نگران": علی یونسی و امیرحسین مرادی را فوراً آزاد کنید



"کمیته دانشمندان نگران" (The Committee of Concerned Scientists)

در نامه ای به ابراهیم ریسی، رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، درباره وضعیت علی یونسی، دانشجوی بازداشتی دانشگاه صنعتی شریف، اعلام نگرانی کرد.

در این نامه با اشاره به دلایل نامعلوم بازداشت علی یونسی تاکید شده که به گفته خواهر این دانشجو، او هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی قرار گرفته است.

کمیته دانشمندان نگران همچنین به بازداشت امیرحسین مرادی، دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه شریف، اشاره کرده و خواهان رعایت حقوق انسانی دانشمندان و دانشگاهیان از جمله دانشجویان شده است. در بخشی از این نامه آمده: "ما این دو دانشجوی جوان را به عنوان همکاران خود در نظر می‌گیریم. اگر توجیه قانونی مشروعی برای بازداشت آنان وجود ندارد، حکومت ملزم است که آنان را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کند".

این سازمان مستقل بین المللی، متشکل از دانشمندان، فیزیکدانان، مهندسان و دانشگاهیان متعهد به حمایت و ارتقای حقوق بشر و آزادی علمی در سراسر جهان، از قوه قضاییه ایران خواسته درباره دلایل بازداشت این دو دانشجوی نخبه توضیح دهد و با اشاره به ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به حکومت ایران یادآوری کرده که زندانی کردن یا بازداشت خودسرانه طبق این میثاق ممنوع است.

ابتلای ۹ دانشجو و کارمند دانشگاه پزشکی اصفهان به کرونا



تست PCR از ۱۲۰ نفر از دانشجویان و کارکنان ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد که در پی آن مشخص گردید ۹ نفر از آنها به ویروس کرونا مبتلا شده اند.

براساس اطلاعات شورای صنفی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دو نفر از این دانشجویان ساکن

مرجان عزیز

بی خبر و نابهنگام رفت!



با اندوه فراوان بانو شهلا صافی ضمیر (مرجان) ما را ترک کرد. او پس از یک عمل جراحی دچار ایست قلبی شد و این عارضه سخت و نابهنگام به او فرصت نداد تا باردیگر «رویش ناگزیر جوانه ها» و «بنفشه در ۲۰۹» را برای میلیونها ایرانی بخواند. بدون تردید مرجان یکی از هنرمندان پرکار و محبوب ایران زمین با دهها کار هنری است. او با بازی در بیش از ۳۰ فیلم نام خود را به عنوان یکی از ستارگان با استعداد و درخشان سینمای ایران به ثبت رساند. زنده یاد مرجان با صدای دلنشین خود ترانه های بسیاری اجرا کرده که معروف ترین و زیباترین آن «کویر دل» است که پیش از انقلاب پخش شد.

به گمانم مهمترین و مردمی ترین عمل مرجان، ورود او و همسر هنرمندش، آقای فریدون ژورک به مبارزه علیه استبداد دینی و برای آزادی بود. هزینه این تصمیم جسورانه برای هر دو، زندان و شکنجه بود. مرجان و همسرش از اوایل سال ۱۳۵۹ به جمع هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران پیوسته بودند. مرجان در ۱۶ تیر ۱۳۶۱ بازداشت و تحت شکنجه قرار گرفت. مرجان همراه با ژورک پس از ۱۷ سال ایران را ترک کرد و در اولین فرصت هردو به مقاومت سازمانیافته مردم ایران پیوستند. زنده یاد مرجان تا پایان عمر پربارش در مبارزه برای سرنگونی استبداد مذهبی و تحقق آزادی پایداری کرد.

مرجان مهربان؛ «رفتی و بی تو دلم پر درد»، هرگز نام و یاد و مبارزه بیگیت فراموش نخواهد شد. با اندوه فراوان فقدان بانو شهلا صافی ضمیر (مرجان) را به خانواده و آشنایان او، به ویژه به دوست عزیز فریدون ژورک، به جامعه هنرمندان ایران زمین، به فعالان جنبش مقاومت مردم ایران و به تمام آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع
شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۹ - ۶ ژوئن ۲۰۲۰

عباس موسوی، رییس دانشگاه علوم پزشکی، مازندران ابتلای دستکم ۹ تن از دانشجویان به کرونا را تایید کرد و گفت که این دانشجویان هم اکنون قرنطینه شده اند و امتحانات حضوری این دانشگاه نیز لغو شده است. مقام مزبور گفت: «آزمایشهای تشخیصی ابتدا از دانشجویان دختر این دانشگاه انجام و مشخص شد سه نفر از این دانشجویان به کرونا مبتلا هستند و سپس از دانشجویان پسر ساکن در خوابگاه آزمایش گرفته شد که نتیجه آزمایش شش نفر آنها هم مثبت بود.»

وی افزود: «بعد از دستور بازگشایی دانشگاه ها در هفدهم خرداد ماه، یک سوم دانشجویان دانشگاه مازندران برای کارهای عملی و آزمایشگاهی به صورت نوبتی در دانشگاه حضور پیدا می کردند.»

رییس دانشگاه علوم پزشکی مازندران مدعی شد که با توجه به ضدعفونی کردن دائمی خوابگاه و فاصله زمانی که از ورود این دانشجویان به خوابگاه و استان مازندران گذشته، احتمالاً ویروس کرونا از جای دیگری به آنها سرایت کرده است.

موسوی افزود: «در حال حاضر همه ۹ دانشجوی مبتلا به کرونا بدون علامت و در قرنطینه هستند و مشکل خاصی از نظر درمانی نیز ندارند اما با توجه به نگرانی دانشجویان و درک این موضوع که اکنون موقعیت مناسبی برای ادامه امتحانات نیست، فعلاً همه امتحانات حضوری دانشگاه مازندران لغو شده است.»

گزارشها درباره قتل یک دانشجوی بازداشتی در اداره اطلاعات کرمانشاه



سازمان حقوق بشری هه نگاهو خبر داد که خلیل مرادی، دانشجوی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، زیر شکنجه در بازداشتگاه اداره اطلاعات جان سپرده است.

این سازمان این خبر را به نقل از «منابع مطلع» نزدیک به خانواده او اعلام کرده است.

بر اساس این گزارش، خلیل مرادی ساکن جوانرود و دانشجوی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه بوده که ۹۷ ماه به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف جمهوری اسلامی بازداشت شده است.

خانواده خلیل مرادی در این مدت از وضعیت او اطلاع نداشته اند و ماه گذشته با پرداخت وجهی به یکی از مقامهای دولتی مطلع شدند که فرزندشان با اتهامات نامشخص در بازداشت اداره اطلاعات شهر کرمانشاه است.

با این حال اداره اطلاعات کرمانشاه روز پنجشنبه به خانواده او اعلام کرده که «فرزندشان در یک سانحه رانندگی جانش را از دست داده است.»

(منابع: رادیو فردا، ایسنا، ایران اینترنشنال، کانال تلگرامی انجمن اسلامی دانشگاه علامه، دویچه وله، ایرنا)

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

رضا یونسی در توییتی نوشته است: «روز گذشته و بعد از بیش از دو و نیم هفته تلفن زد و گفت به دلیل ابتلا به کرونا و حال جسمی نامساعد هفته پیش نتوانسته بوده تلفن بزند (با وجود اینکه اجازه تلفن داشته). سه روز پیش و بعد از ۵۹ روز انفرادی، به سلول کوچکی منتقل شده که در آنجا همراه با ۷-۸ نفر دیگر در بازداشت هستند.»

ضرب و جرح استاد دانشگاه استرالیایی در اوین



روزنامه «تایمز» روز چهارشنبه ۲۸ خرداد در تازه ترین گزارش خود در باره وضعیت «کاپلی مور گیلبرت»، شهروند استرالیایی زندانی در ایران، اعلام کرد که مقامهای زندان اوین پس از آن که متوجه شدند این استاد دانشگاه استرالیایی یک گروه سرود اعتراضی در زندان تشکیل داده است، پس از دادن مواد مخدر او را مسموم کرده و مورد ضرب و جرح قرار داده اند.

بنا بر این گزارش، کاپلی مور گیلبرت که در میان زندانیان زندان اوین به چهره مقاومت زندانیان در زندان مخوف اوین شناخته شده است، توسط نگهبانان زندان اوین مورد بدرفتاری جسمی شدید قرار گرفته و احتمالاً به دستور رییس زندان و به منظور «مطیع کردن» او، به وی مواد مخدر داده شده است.

در این گزارش به نقل از یک منبع مطلع اعلام شده که پس از این ضرب و شتم، روی بدن کاپلی مور گیلبرت کبودیهای شدیدی دیده شده و به دلیل به وجود آمدن جراحاتی در دست و بازویش تحت مداوا قرار گرفته است. این فرد مطلع همچنین وضعیت جسمی این استاد دانشگاه را ضعیف و در حالت بیهوشی عنوان کرده است. خانم دکتر کاپلی مور گیلبرت که همزمان شهروند استرالیا و بریتانیا است، استاد دانشگاه ملبورن و کارشناس امور خاورمیانه با تمرکز بر کشورهای حوزه خلیج فارس است. وی پاییز سال ۱۳۹۷ به اتهامات «امنیتی و جاسوسی» در ایران بازداشت شده است.

ابتلای ۹ دانشجوی ساکن خوابگاه دانشگاه مازندران به کرونا



شورشیان دیجیتال در مکزیک

زاپاتیستها در مکزیک در مبارزه خود از دانش و رسانه های دیجیتال استفاده می کنند. این را می توان در بحران کرونا نیز مشاهده کرد
آمریکا ۲۱ // برگردان: بابک

زاپاتیستها از طریق نشستهای بین المللی مانند "علوم در خدمت بشریت" که در بالا به آن اشاره شد، می



خواهند با یافته های علمی آشنا شوند و آنها را درک کنند و همزمان پیرامون رابطه بین شرایط زیست محیطی و قابل استفاده کردن آن برای انسان به بحث بنشینند. منظور آنها این است که علم فقط در یک جامعه عادلانه می تواند در درازمدت برای افراد آن موفقیت به ارمغان بیاورد و اینکه مناسبات سرمایه داری و پیروی تحقیقات علمی از مکانیسمهای بازار، دشمن علم است. گرایش ضد سرمایه داری زاپاتیستها در نقل قول دیگری از گالتانو در سال ۲۰۱۸ به روشنی بیان شده است:

"آنچه ما در سطح جهانی می بینیم، اقتصاد غارتگری است. سیستم سرمایه داری با فتح قلمروها به پیش می تازد و هر کجا را که می تواند، نابود می کند و به موازات آن یک ستایش مصرف نیز جریان می یابد. در حقیقت اما در پس مصرف ستایی یک استثمار بیرحمانه و غارت وحشیانه بشریت وجود دارد که در تولید مدرن کالا بی واسطه به چشم نمی آید. دستگاهی که تمام خودکار و بدون دخالت انسان، کامپیوتر یا تلفن همراه تولید می کند، با پیشرفت علمی و فنی به وجود نیامده، بلکه از طریق غارت منابع طبیعی (تخریب ناگزیر/ جمعیت زدایی و بازسازی/ تجدید سازمان قلمروها) و از طریق برده سازی غیر انسانی هزاران سلول کوچک، خرد و متوسط استثمار کار بشر بدان دست یافته شده است. سیستم در روند رشد خود "کشف" کرد که کالاهای جدید ظاهر می شوند و این کالاها در قلمرو مردم بومی قرار دارد: آب، زمین، هوا، تنوع زیستی. هر آنچه که هنوز تخریب و منته نشده در قلمرو مردمان بومی است و به آن حمله ور می شوند. زمانی که سیستم در جستجوی بازارهای جدید و تسخیر آنهاست، آنگاه فقط بازارها نیستند که برای مصرف، خرید و فروش کالا به کار می آیند، بلکه و مهمتر از همه، سیستم در جستجو و تلاش برای تصرف قلمروها و خلقهاست."

این تجزیه و تحلیل از پتانسیل مخرب علم و فناوری سرمایه داری، تجزیه و تحلیل کارل مارکس را به ویژگیهای روز و به ویژه زاویه زیست محیطی کنش سیستم سرمایه داری مانند بهره برداری از منابع "سرزمینهای بومیان" همچون "آب، خاک، هوا و تنوع زیستی" گسترش می دهد. علیه این تهاجم، مردم بومی که زاپاتیستها از جمله آنها هستند، قیام کردند، گالتانو می گوید: "اما اگر به پایین نگاه کنیم، شاهد شورش و مقاومت هستیم."

"چریک سایبری؟"

رویکرد باز زاپاتیستها در برابر علم خود را همچنین در کاربرد فشرده از رسانه های دیجیتالی نشان می دهد که آنها برای اهداف خود استفاده می کنند، بدون آنکه بقیه در صفحه ۱۵

و نواستعماری دولت مکزیک دست به قیام زدند و یک منطقه خودمختار جایگزین ایجاد کردند که با خودمدیریتی، دموکراسی پایه ای، مالکیت و توزیع جمعی، برابری جنسیتی و استفاده پایدار از طبیعت شاخص می شود. زاپاتیستها مدت بسیار کوتاهی پس از قیام، خود را به یک شبکه دیجیتالی تجهیز کردند. به این ترتیب داستانهایی در باره معاون فرمانده مارکوس و اطلاعات مربوط به شیوه سازمانیابی دموکراتیک و توده ای آنها توانست پخش شود. این امر باعث ایجاد شبکه ای فراملی متشکل از سایر جنبشهای رهایی بخش و سازمانهای غیر دولتی در مکزیک و سراسر جهان شد. شکل سازمانی و هدفهای زاپاتیستها آنها را به عنوان یک جنبش رهایی بخش به الگویی برای بسیاری از جنبشهای اجتماعی فراملی مانند جنبش ضد جهانی سازی، نشستهای آنلاینی علیه جلسات ۲۰G، جنبش گمنامها، جنبش بازپس گیری خیابانها، فوروم سائوپاتولو و دیگران تبدیل کرد.

پذیرش علمی

اگرچه زاپاتیستها به طور عمدۀ افرادی با منشای بومی هستند که تا حدود زیادی از زندگی اجتماعی در مکزیک کنار گذاشته شده اند و اقدامات آنها بیشتر مبتنی بر دانش سنتی تجربی است، اما علاقه زیادی به علم به عنوان شکل عینیت بخشیدن به شناخت جهان نزد آنها وجود دارد که می کوشند آن را با دانش تجربی ترکیب کنند. معاون فرمانده "گالتانو" (Galeano) سخنگوی سابق و فرمانده کل EZLN که تا سال ۲۰۱۴ به نام "معاون فرمانده مارکوس" خوانده می شد (۱)، دانشی که در جوامع زاپاتیستها ارتباط برقرار می کند را "کیمیگری" می نامد و آن را نقطه مقابل "شبه علم" در جامعه سرمایه داری می داند.

او در کنفرانس علمی بین المللی "علوم در خدمت بشریت" (۲۰۱۷) در چیپاس گفت که "کیمیگری" برای علم تلاش می کند و بر خلاف شبه علم، در اساس ترکیبی از حقایق و دانش مبتنی بر دانش سطحی تولید نمی کند. شبه علم به علم نزدیک نمی شود، بلکه از آن فاصله می گیرد و آن را به بدترین دشمن خود و به گونه موفقیت آمیزی به بحران تبدیل می کند. شبه دانش یک توضیح جایگزین از واقعیت ارائه نمی کند (مانند ادیان)، بلکه استدلالی است که جایگزین تفکر علمی می شود و مهمترین نبرد در جامعه رسانه ای یعنی کسب مقبولیت را به سود خود رقم می زند. شبه دانش در جهت ارایه استدلال برای ایمان، امید و نیکوکاری تلاش نمی کند، بلکه توضیحی با ساختار منطقی عرضه می کند که ذهن را گول می زند. به زبان ساده، شبه علم یک کلاهبرداری است، یک شارلاتان بازی که در دانشگاه به وفور پیدا می شود. در مقابل، کیمیگری قصد دارد تا خود را آزاد کند، خود را شفا بخشد، خود را از انگل عناصر غیرعلمی بزداید."

پیام معاون فرمانده گالتانو این است که علم در سرمایه داری، به عبارت دیگر "شبه دانش"، فقط قادر است جهان را به صورت بسیار محدود توضیح دهد، زیرا دانش سلطه را نمایندگی می کند. زاپاتیستها در مقابل در تلاشند تا در یک سازمان اجتماعی آنلاینی که زندگی خوب برای همه و استفاده پایدار از طبیعت را در مرکز توجه قرار می دهد، دیدگاه خود از جهان که تاکنون به طور عمدۀ مبتنی بر دانش تجربی و الگوهای توضیحی اسطوره ای بوده را علمی سازند.

EZLN (ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستها) در ۱۶ مارس ۲۰۲۰ (۲۶ اسفند ۹۸) مرزهای مناطق تحت اداره خودمختار در ایالت "چیپاس" (Chiapas) را به دلیل خطر شیوع ویروس کرونا مسدود کرد. زاپاتیستها در بیانیه خود نوشتند که آنها "تهدید علمی اثبات شده برای زندگی بشر" را تایید و خود را برای مقابله با آن آماده می کنند.



همزمان، آنها دولتها را به دلیل سوءاستفاده از ویروس برای حمل درگیریهایی سیاسی مورد انتقاد قرار دادند و نبود "هرگونه اطلاعات صحیح و کافی درباره میزان و شدت سرایت" را زیر ضرب بردند. این رویکرد، علامت مشخصه زاپاتیستها است: آنها از یکسو دریافتهای علمی را می پذیرند و از طرف دیگر، به ابزار سازی سیاسی و استفاده نادرست از آن انتقاد می کنند. زاپاتیستها همچنین دریافتهای علمی را با مبارزه خود علیه سیستم اقتصادی نولیبرال ترکیب می کنند. در درک آنها دانش و مبارزه علیه سیستم در پیوندی جدایی ناپذیر با یکدیگر قرار دارد.

بر خلاف اکثر دولتهای جهان که می خواهند به وسیله محدود کردن تماسهای اجتماعی با کرونا مبارزه کنند، زاپاتیستها در چیپاس محرومان را فرامی خوانند که "ارتباطهای انسانی خود را از دست ندهند و آنها را به ادامه مبارزات اجتماعی و نبرد علیه استثمار و زن کشی تشویق می کنند." کمیته مخفی انقلابی بومیان، فرماندهی کل EZLN، در بیانیه ۱۶ مارس خود تاکید کرد: "به خاطر کشته شده ها و زندانیان و مفقودان، نبرد و دفاع از سرزمین و "مادر زمین" باید پی گرفته شود." با توجه به اینکه زاپاتیستها مناطق تحت اداره خود را مسدود کرده اند، به نظر می رسد که فراخوان آنها به مردم مکزیک و سراسر جهان برای حفظ تماس و ادامه مبارزه متناقض باشد، اما اگر بقیه متن خوانده شود، این تضاد به سرعت برطرف خواهد شد: EZLN توضیح می دهد که ارتباط و مقاومت می تواند به شیوه های گوناگون ایجاد و یا انجام شود و بنابراین نباید به خاطر خطر ویروس کنار گذاشته شود. در این بیانیه آمده است: "کلمه و گوش فرا دادن - با قلب - از راههای مختلفی می گذرد، اشکال متنوع بسیاری دارد، تقویمها و جغرافیاهای بسیار را در خود برای رسیدن به یکدیگر و یافتن یکدیگر گرد آورد."

سوال این است که منظور زاپاتیستها از "روشهای مختلف" و "اشکال مختلف" که شامل "بسیاری از تقویمها و جغرافیها" (از نظر زمان و مکانی) است، چیست؟ به این سوال باید با نگاه به سازمان اجتماعی جوامع زاپاتیستا، نگرش آنها به علم و دیجیتالیزیشن شدن پاسخ داده شود.

زاپاتیستها

زاپاتیستها یک گروه شورشی به طور غالب از مردم بومی هستند که در سال ۱۹۹۴ علیه سیاستهای دولت نولیبرال

شورشیان دیجیتال در مکزیک

بقیه از صفحه ۱۴

خطرات مرتبط با آن را نادیده بگیرند. اصطلاح "چریک سایبری" اغلب در EZLN استفاده می شود، اما زاپاتیستها شبکه های دیجیتال را هک نمی کنند، بلکه از همان اوان شبکه های دیجیتالی خودشان را راه اندازی کردند و آن را به عنوان ابزاری در مبارزه برای ایجاد یک جامعه آلترناتیو به کار بردند. این واقعیت، اصطلاح "نخستین چریک جامعه اطلاعاتی" را که جامعه شناس اسپانیایی، "مانوئل کاستلز" (Manuel Castells) در توصیف آنها به کار برد، توجیه می کند؛ چرا که زاپاتیستها از این واقعیت که اینترنت بر پایه مشارکت و مداخله گری بنا شده، سود می برند؛ کاربر همچنین یک مداخله گر است. بخش جدایی ناپذیری از موفقیت رسانه ای زاپاتیستا در "جنگ" کلمات، تصاویر و داستانهای سرشار از تخیل، ارسال و به اشتراک گذاری محتوی نهفته بود. این واقعیت که توسعه صنعت رایانه باعث ایجاد سیستم نرم افزارهای رایگان و اشتراکی توسط کاربران شد که می توانست از دایره کنترل دولت بگریزد، تاثیر مثبتی در این روند داشته است.

از آنجا که در استان چیاپاس در زمان قیام زاپاتیستا تقریباً دسترسی به اینترنت وجود نداشت، اخبار آن در دوره پس از سال ۱۹۹۴ با دست نوشته شده و برای هواداران خارجی ارسال می شد که آنها به صورت آنلاین پخش و منتشر می کردند. برای این منظور، زاپاتیستها در شبکه هواداران به نام "لا نتا" (La Neta) با سازمان غیر دولتی "چی تاک" (Chilta)، مرکز حقوق بشر "فری بارتولومه د لا کاسا" (Fray Bartolomé de las Casas) و "مرکز تحقیقات اقتصادی و اجتماعی" (Research Center for Economic and Social) در پیوند قرار گرفتند. بعدها دیگر پشتیبانان و گروههای همبستگی شکل گرفتند که لیستهای ایمیل ایجاد می کردند و برای جلب همبستگی از بیرون، اقدامات محلی برای زاپاتیستها سازمان می دادند.



زاپاتیستها از همان اوایل وب سایت خود را داشتند که شامل کلیه اطلاعیه ها، اقدامات و بیانیه ها، حملات ارتش مکزیک و شبه نظامیان، نشستهای بین المللی (به عنوان مثال جنبش زنان، همایشهای علمی و هنری) و گسترش و تجدید سازمان مناطق زاپاتیستا بود. اولین وب سایت EZLN در سال ۱۹۹۴ توسط "جاستن پاولسون" (Justin Paulson)، دانشجوی نگراسی، از طریق وب سرور کالج سوارتمور (Swarthmore) در پنسیلوانیا راه اندازی شد.

به این ترتیب، وب سایت زاپاتیستها یک سال زودتر از وب سایت روزنامه مکزیک "لا جورنادا" (La Jornada) و حتی دو سال پیش از راه اندازی وب سایت دولت مکزیک راه اندازی شد که این امر سازمان

بومیان را یک گام تکنولوژیک و همزمان یک گام شبکه ای از دولت مرکزی جلوتر انداخت. در سال ۱۹۹۷ معاون فرمانده مارکوس در مصاحبه ای با جامعه شناس فرانسوی "ایون لو بو" (Yvon Le Bot) گفت: "اینترنت" فضایی جدید است، یک نوآوری که آنقدر جدید بود که هیچکس فکر نمی کرد یک چریک بتواند به طرفش برود. اینترنت شاهراه اطلاعات است، سرزمینی که هیچ ارتشی آن را اشغال نکرده بود."

حمله به ساختارهای دیجیتالی

در این میان و از جمله همانگونه که اسناد محرمانه آژانس امنیت ملی (NSA) منتشر شده توسط "ادوارد اسنودن" در سال ۲۰۱۳ فاش کرد، این "شاهراه" استفاده گروههای مقاومت همچون "ایندی مدیا" (Indymedia) را با مشکل روبرو ساخته. اسناد مزبور نشان می دهد که پلانترها و کنسرنهای بزرگ اینترنتی مانند گوگل، فیس بوک، مایکروسافت، اسکایپ، یوتیوب و اپل اطلاعات کاربران خود را به دولت آمریکا منتقل می کنند.

زاپاتیستها هم آماج این تهاجم قرار گرفته اند. حمله یاهو به صفحات اینترنتی EZLN در جریان یک حرکت شبکه ای و اتحاد عمل یک هفته ای به نام "کمپین دیگر" در سال ۲۰۰۶، برای ایجاد جنبش توده ای بیرون پارلمانی با شرکت زاپاتیستها و دیگر جنبشهای اجتماعی در سراسر مکزیک، یک نمونه از تهاجم یاد شده است. یاهو از جمله سعی کرد با حذف لیستهای مهم ایمیل، در این پروژه خرابکاری کند. وب سایتهای مرتبط با زاپاتیستها بارها و بارها توسط پلانترها یاد شده به عنوان "خطرناک" طبقه بندی شده و یا از کار انداخته می شود. ریشه چنین حملاتی، هراس از آن است که گروههای منتقد سرمایه داری با اینترنت به رسانه ای دست یافته اند که به وسیله اش می توانند در برابر جهانی سازی نولیبرال یک مقاومت جهانی را سازمان دهند. وب سایت "سیستم آموزش مستقل شورشیان" در سال ۲۰۱۰ در باره این مشکل نوشت: "مهم است که پیوند با وب سایتها سایر سازمانها و گروه های دیگر را بهبود بخشیم تا بر محاصره کامپیوتری که قدرتهای بزرگ همیشه ما را در معرض آن قرار می دهند، غلبه کنیم."

همه آنهایی که می خواستند از فناوری دیجیتال در شکل رهایی بخش استفاده کنند، مجبور شدند با افزایش کنترل توسط دولت و سرویسهای مخفی، بارها و بارها با چالشهای جدیدی روبرو قرار بگیرند و به فضای دیجیتالی نه تنها به عنوان یک فضای شبکه سازی، بلکه چونان میدانی برای مبارزه نیز بنگرند. با این هدف، نسخه سایبرنتیک "از نشست بین المللی هنرمندان، کامپ آرت ۲۰۱۷" (Comp-Arte 2017) برگزار شد که سعی می کرد هنر و جنبشهای دیجیتالی مانند ابتکارات منبع باز یا فمینیسم سایبری را گردهم آورد. زاپاتیستها در فراخوان خود برای برگزاری این همایش، این پرسشها را طرح کردند: "آیا اینترنت دیگری، یعنی یک شبکه دیگر، ممکن است؟ آیا می توان در آنجا جنگید؟ یا اینکه این محل، پیشتر بی سروصدا اشغال شده، تصرف شده، از کار انداخته شده و غیره؟ آیا آنجا مقاومت و شورش نمی تواند وجود داشته باشد؟ آیا اینترنت یک فضای تسلط، رام سازی، هژمونی یا یکدستی است یا جایی برای بحث، برای مبارزه؟ آیا می توانیم از یک ماتریالیسم دیجیتال صحبت کنیم؟"

مقاومت شبکه ای شده

پاسخ جمعی کنفرانس Comp-Arte، تایید امکان و موجودیت مقاومت و شورش در "جغرافیای شبکه" بود. در مجله اینترنتی "دس اینفورمونوس" (Desinformemonos) که نزدیک به زاپاتیستها است، این نظریه مطرح شد که اگرچه اینترنت "فضایی

برای سلطه، هژمونی و همگن سازی" است، اما "درست به این دلیل که اینترنت متمرکز و سلسله مراتبی است، در فضای داخلی آن مبارزه و مقاومت در برابر سلطه، هژمونی و همگن سازی وجود دارد."



بحران کرونا بار دیگر نشان داد که چگونه می توان از این فضاها استفاده کرد. از هنگام ایجاد جوامع محلی زاپاتیستی، حرکتهای مختلفی از سوی سرکوب شدگان و محرومان صورت گرفته است که از این جمله می توان به فراخوان سازمان جمعی "هماهنگی کلانشهرهای ضد سرمایه داری و ضد انباشت" (Coordinación Anticapitalista y Metropolitana) در ۲۸ مارس ۲۰۲۰ برای برگزاری "روز جهانی برای زندگی" بود که از طریق هشتم "EL Encierro No Me Calla" (فرنظینه مرا ساکت نمی کند) با شبکه های اجتماعی در پیوند قرار گرفت. این شبکه از فعالان برای "برای شرکت در فعالیتهای موسیقیایی، تئاتر، رقص و آواز، شعر، سینما، نقاشی، عکاسی، مستند سازی، کتابخوانی، تجزیه و تحلیل، بحث و گفتگو، تأمل، کنفرانس" دعوت کرده تا به این وسیله بر سر دولتهای بی کفایت دنیا فریاد بکشند که با وجود همه گیری، ما هنوز برای زندگی و علیه سرمایه داری مرگ آفرین و پدرسالاری می جنگیم. به گفته فراخوان: "این فعالیتهای می تواند به صورت دیجیتالی از پلانترها و شبکه های اجتماعی شما پخش شود تا همه ما از انزوا بیرون بیاییم، صدایمان را بلند کنیم و دولتهای ملی را بر صندلی متهم بنشانیم که تصمیمهای پایه ای شان در باره حق حیات، از سوی سرمایه مالی دیکته می شود." در انتهای فراخوان، "امیلیانو زاپاتا" و قتل او یادآوری می شود و اعلام می گردد: "فرنظینه ما را ساکت نمی کند، ما مقاومت می کنیم و سازمان می دهیم!"

پانویس:

(۱) پس از حمله مرگبار در ۳ مه ۲۰۱۴ توسط گروه Central Independiente de Obreros Agrícolas y Campesino (CIOAC) در منطقه "لا رئالیداد" (La Realidad) که به کشته شدن "خوزه لوپیس سولیس لوپز" (José Luis Solís Lopez) مشهور به "گالتانو" انجامید، زاپاتیستها تصمیم گرفتند به شخصیت "مارکوس" اجازه دهند جان بسپارد تا که گالتانو به زندگی ادامه دهد. آنها نوشتند: "ما فکر می کنیم لازم است یکی از ما بمیرد تا گالتانو بتواند همچنان زندگی کند. برای برآوردن رضایت مرگ لوجو، باید به جای گالتانو نام فرد دیگری را به او بدهیم تا گالتانو بتواند زندگی کند و مرگ نه یک زندگی، بلکه فقط یک نام، چند حرف تهی از معنا و بدون تاریخ و بدون زندگی را به سرقت ببرد. بنابراین تصمیم گرفتیم که مارکوس از امروز دیگر اجازه ندارد وجود داشته باشد."

چالشهای معلمان (خرداد ۹۹)

فرنگیس بايقره

نمایندگان مجلس و مدیران نهادهای بخش دولتی قول پیگیری مطالبات مان را دادند که پس از گذشت چندین سال این وعده ها هنوز عملی نشده است. یکی از معلمان گفت: "برخی از ما سالهاست (نزدیک ۱۰ سال) به کار تدریس اشتغال داریم، همچنین تعدادی از آموزشیاران به صورت حق التدریسی در مدارس مشغول به کار هستند، با این حال از سال گذشته از ما خواسته شد برای ادامه کار در آزمون دانشگاه فرهنگیان شرکت کنیم."

این آموزشیاران نهضت سوادآموزی توضیح داد: "این آزمون برای سرباز معلمان، مربیان پیش دبستانی و همکاران خرید خدمتی حذف شده است. تبعیض میان ما و این گروه ها باید برچیده شود. آموزش دهندگان نهضت سالها با کمترین دستمزد در مناطق دورافتاده و روستایی کشور کار کرده اند و استحقاق توجه بیشتری را دارند."

تجمع سراسری معلمان حق التدریس و

مربیان پیش دبستانی



جمعی از معلمان حق التدریس و مربیان پیش دبستانی از سراسر کشور روز یکشنبه ۲۵ خرداد در اعتراض به اجرا نشدن قانون مربوط به امور استخدام شان در مقابل ساختمان مرکزی آموزش و پرورش دست به تجمع اعتراضی زدند.

معلمان معترض با داشتن پلاکاردهایی که نشان می داد از استانهای مختلفی آمده اند، به اجرای تبصره ۱۰ ماده ۱۷ درباره استخدام معلمان حق التدریس اعتراض داشتند.

آنها همچنین در تابلو نوشته هایی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار آن بودند که علاوه بر تصویب قوانین، بر اجرای آن نیز نظارت کنند. بیشتر اعتراض کنندگان را زنان معلم تشکیل می دادند.

محمود بهشتی لنگرودی به مرخصی اعزام

شد



روز دوشنبه ۱۹ خرداد محمود بهشتی لنگرودی، فعال صنفی و سخنگوی کانون صنفی معلمان، به مرخصی

بقیه در صفحه ۱۷

ماموران شهرداری روز ۱۸ اردیبهشت قصد تخریب دیوار خانه این معلم را داشتند که با اعتراض و مخالفت او روبرو شدند. در پی تخریب دیوار، این کارورز فرهنگی دست به خودسوزی زد. او توسط ساکنان محل و بستگانش به بیمارستان ۲۲ بهمن مسجد سلیمان شد و به علت شدت جراحات به بیمارستان سوانح و سوختگی اهواز انتقال یافت.

بابک نوری زاده، رئیس روابط عمومی آموزش و پرورش خوزستان، خبر مرگ این معلم را اعلام کرد و بدون ذکر نام او افزود که معلم درگذشته از معلمان پرسابقه مسجد سلیمان بوده است.

هزینه بالای بستری شدن معلم جانباخته نیز توسط بیمه پرداخت نمی شد و بر دوش خانواده او افتاده بود. نوری زاده در این باره مدعی شد: "با هماهنگی مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان مقرر شد بیمارستان در هزینه های این معلم جانباخته تخفیف دهد و مابقی این هزینه از سوی آموزش و پرورش خوزستان پرداخت شود."

دومین روز از تجمع معلمان نهضت سواد

آموزی خوزستان

روز سه شنبه ۱۳ خرداد گروهی از معلمان نهضت سوادآموزی خوزستان با تجمع در مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش این استان خواستار تبدیل وضعیت خود شدند.

این کارورزان با بیان اینکه حدود دو سال مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند، خواستار تبدیل وضعیت خود از نیروی پیمانی به نیروی حق التدریسی شدند.

یکی از معلمان معترض پیرامون علت برگزاری تجمع گفت: "ما در سال ۹۲ برای کار در نهضت سوادآموزی خوزستان جذب شدیم که به صورت پیمانی مشغول به کار هستیم. با توجه به نیاز خوزستان به نیروی معلم، خواستار تبدیل وضعیت خود به حق التدریسی هستیم. وی ادامه داد: "حدود دو سال است که حقوق ما پرداخت نشده، این در حالی است که تمام وقت در حال کار و فعالیت بوده ایم."

این معلم با اشاره به اینکه روز گذشته نیز حدود ۴۰ نفر از این آموزش دهندگان در اعتراض به جذب نشدن خود در آموزش و پرورش تجمع کرده بودند افزود که آموزش و پرورش خوزستان وعده پیگیری وضعیت جذب این نیروها را به آنها داده است.

تجمع معلمان نهضت سوادآموزی در برابر

مجلس



روز یکشنبه ۱۸ خرداد گروهی از آموزش دهندگان و دانشیاران نهضت سوادآموزی با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی خواستار لغو آزمون ورودی مربوط به قانون استخدامی در این حوزه شدند. تجمع کنندگان با یادآوری اینکه پیشتر نیز آنها تجمعات مشابهی را در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی و سایر نهادها برپا کرده اند، گفتند: "آن زمان تعدادی از

تجمع اعتراضی معلمان نهضت سوادآموزی گرگان



روز پنجشنبه اول خرداد جمعی از معلمان نهضت سوادآموزی گرگان در اعتراض نسبت به عدم تبدیل وضعیت، مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان تجمع کردند و خواستار ساماندهی وضعیت استخدامی خود شدند.

یکی از تجمع کنندگان گفت: "معلمان نهضت از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۱ ساماندهی شده اند، اما از آن تاریخ به بعد خبری از ساماندهی نیست."

او با اشاره به اینکه شیوه و کیفیت تدریس معلمان نهضت از سایر نیروهای رسمی آموزش و پرورش پایین تر نیست، اضافه کرد: "خواستار ما این است که با توجه به سابقه و تجربه بیشتری که داریم، آموزش و پرورش ما را در اولویت استخدام قرار دهد."

تداوم بازداشت ناهید فتحعلیان در بند ۲۰۹

زندان اوین



با گذشت نزدیک به چهل روز از بازداشت ناهید فتحعلیان، این معلم بازنشسته و فعال صنفی معلمان کماکان در بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین بسر می برد.

ناهید فتحعلیان در تاریخ ۲۶ فروردین ۹۹ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از چند روز بازجویی در بند ۲۰۹ به بند زندان اوین منتقل شد. او سپس در روز شنبه ۲۰ اردیبهشت دوباره جهت ادامه بازجوییها به بازداشتگاه این نهاد امنیتی منتقل شد.

مقامهای جمهوری اسلامی اتهام خانم فتحعلیان را "همکاری با یکی از گروه های اپوزیسیون" عنوان می کنند.

مسجد سلیمان؛ مرگ یک معلم در پی

خودسوزی اعتراضی

یک معلم باسابقه در مسجد سلیمان که در اعتراض به تخریب خانه اش از سوی ماموران شهرداری خودسوزی کرده بود، یکشنبه چهارم خرداد در بیمارستان درگذشت.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۶

اعزام شد. با وصل مرخصی آقای بهشتی به پایان دوره پایان محکومیت پنج ساله اش، وی دیگر به زندان باز نخواهد گشت.

او پیشتر در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۹۸، در پی شیوع ویروس کرونا در زندانهای کشور به مرخصی اعزام و در تاریخ ۲۲ اردیبهشت به زندان بازگردانده شده بود محمود بهشتی لنگرودی در سال ۸۹ به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" و به موجب حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به پنج سال حبس تعزیری محکوم شد. او در سال ۹۴ دوباره بازداشت شد و پس از تجمیع احکام، به پنج سال حبس قابل اجرا محکوم گردید.

حمایت اتحادیه معلمان انگلستان از معلمان زندانی در ایران



اتحادیه معلمان انگلستان در پیامی به مناسبت ۲۰ جولای / ۳۱ خرداد، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، بر پیشبرد کارزارهای خود در حمایت از اسماعیل عبدی و محمد حبیبی تأکید کرد.

در این پیام که به امضای "دکتر پاتریک روچ"، دبیر کل اتحادیه معلمان انگلستان، رسیده است، از جمله گفته می شود: "همانطور که مطلع هستید، اتحادیه معلمان انگلستان مدتهاست که برای دفاع از حقوق فعالین معلمان تلاش کرده است و ما با افتخار با سازمانهایی که با هم کار می کنیم مانند "اچوکیشن اینترناسیونال" و عفو بین الملل، روی کیسهای فعالان اتحادیه ای زندانی از جمله اسماعیل عبدی و محمد حبیبی کار کرده ایم.

اتحادیه معلمان انگلیس به سرکوب بی رحمانه اعتراضها در ایران اشاره کرده و یادآور می شود: "در یکسال اخیر، دولت ایران به سرکوب شدید آزادی بیان و تشکل و تجمع ادامه داده است. نیروهای امنیتی به صورت غیر قانونی از روشهای مهلک برای درهم کوبیدن اعتراضات استفاده کرده، صدها نفر را کشته و هزاران معترض را بازداشت کردند. حکومت بیش از دویست مدافع حقوق بشر را دستگیر و احکام زندان و شلاق را بر بسیاری از آنان تحمیل کرده است."

این اتحادیه تأکید کرده "به توجه خود به وضعیت ایران ادامه داده و تمام تلاش خود را برای آزادی زندانیان سیاسی به کار می برد."

صدور حکم ۹ سال حبس برای معلم عرب به

جرم دفاع از حقوق مردم یک روستا

عادل عساکره (عموری)، معلم آموزشگاه اشرفی اصفهانی در روستای صفحه از توابع شهرستان شادگان، با شکایت "دفتر حمایت قضائی ایثارگران" به اتهام "تشویش اذهان عمومی" و "اهاانت به مقدسات" در



گفته مالکی فرد، هاشم خواستار اقدام برای مرخصی درمانی را رد کرده است. او تأکید کرده "دادگاه و درمانگاه زندان همه وضعیت مرا می دانند. اگر بخواهند، خودشان اقدام می کنند. نیازی نیست که من درخواست بدهم."

بنا به این گزارش، این فعال صنفی معلمان همچنین گفته است: "بعد از ده ماه که در زندان هستم و تلفنهای گاهگاهی من فقط با حضور مامورین حفاظت زندان میسر بوده، آمدند جلو بند و گفتند اگر تعهد بدهید که بیانیه ندهید، می توانید کارت تلفن داشته باشید. در جواب گفتم من خودم آزادیهایی که حق من است را از خود سلب نمی کنم."

صدیقه مالکی فرد پیرامون شرایط سلامتی هاشم خواستار گفت: "ایشان علاوه بر سن شان که نزدیک ۷۰ سال دارند، غذای زندان با مزاج شان سازگار نیست و این باعث فشار خون بالا و بیماریهای گوارشی برایشان شده. از سوی دیگر وضعیت اسفبار مادی و اقتصادی زندانیان سیاسی و عقیدتی محبوس در زندان شده، باعث رنجش ایشان و مقابلا تشدید بیماری شان می شود."

وی تأکید کرد: همه اینها و آنچه نگفتم، باعث می شود که روز به روز وضعیت بیماری ایشان که سوغات زندان است وخیم تر شود. ایشان قبل از زندان بسیار سالم بودند و دفترچه بیمه ایشان گواه این ادعاست."

حسن روحانی اعلام کرد: آغاز فعالیت مدارس

و دانشگاه ها از ۱۵ شهریور

حسن روحانی روز شنبه ۳۱ خرداد در جلسه ستاد مقابله با کرونا، گفت: "در جلسه امروز تصمیم گرفته شده که آموزش و پرورش از ۱۵ شهریور فعالیت خود را آغاز کند."

وی افزود: "البته این اجازه به آموزش و پرورش هم داده شد که به تناسب استانها از اول شهریور فعالیت خود را به تدریج آغاز کند."

روحانی گفت: "برخی استانها از پیک بیماری عبور کرده و برخی استانها درگیر این پیک هستند و ممکن است در برخی استانها هم پیک بیماری آغاز شود."

روحانی همچنین اعلام کرد تعطیلی پنجشنبه مدارس حذف می شود. به گفته وی این تصمیم برای "خلوت تر شدن کلاسها" گرفته شده است.

(منابع: هرانا، ایلنا، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران، ایسنا، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، رادیو زمانه)

دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شادگان به ۹ سال حبس محکوم شد.

این معلم ۳۳ ساله، متاهل و از اهالی دارخوین است و مدرک تحصیلی فوق لیسانس تاریخ را داراست. او روز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت گردید و پس از چندین ماه نگهداری در سلول انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات، با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی تا صدور حکم نهایی آزاد شده بود.

دستگیری عادل عساکره پس از آن صورت گرفت که در فضای مجازی از توزیع بودجه و اختصاص بودجه های کلان به حوزه علمیه و مراکز وابسته به آن و در مقابل رسیدگی نکردن به مسائل خدماتی انتقاد کرد. جرم اصلی او اما بازگویی ظلم و ستم وارد شده بر روستاییان و غصب زمینهای آنها از سوی مقامهای مسوول است.

روستای "صفحه" از توابع شهرستان "شادگان" در مسیر رودخانه کارون است و اکثر زمینهای این روستا توسط شرکت صنایع جانبی نیشکر (شرکت سلمان فارسی) تصاحب شده، با این حال روستاییان این منطقه در مقابل این امر مقاومت کرده و زمینها و منازل شان را ترک نمی کنند.

در حال حاضر این روستا در میان مزارع نیشکر "شرکت سلمان فارسی" محاصره شده و اهالی روستا به دلیل استفاده از آبهای پسماند کارخانه نیشکر برای شستشو، به بیماریهای پوستی مبتلا شده اند.

هاشم خواستار: بیمار و مقاوم در زندان



صدیقه مالکی فرد در گزارشی از دیدار خود با همسرش هاشم خواستار از شرایط وخیم سلامتی او و همزمان روحیه مقاوم او خبر داد.

همسر این معلم زندانی نوشت: "ساعت ۱۱ با فرزندانم رقتیم به زندان و کیل آباد برای ملاقات کابینی با ایشان. ساعت ۱۲ موفق به ملاقات شدیم. ایشان همچون هفته های گذشته از نظر بدنی بسیار پیر و تکیده ولی از نظر روحی بسیار مقاوم و با نشاط بودند."

روانشناختی قتل‌های ناموسی در ایران

یسنا احمدی

اگرچه طبق این اصل، فقط شوهر در صورت محرز شدن رابطه خارج از ازدواج زن اجازه کشتن او را دارد، اما در بسیاری از قتل‌های ناموسی که توسط دیگر اعضای خانواده نظیر پدر، برادر، پسرعمو یا عمو انجام می‌شود، بازهم با تکیه بر این قانون، مجرمان قصاص نمی‌شوند و باز هم طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی در مواردی که مجرم پدر یا جد پدری زن یا دختر باشد، از قصاص معاف است.

حکومت اسلامی ایران با وضع قوانین ضدبشری و ضد زن در گسترش و بازتولید قتل‌های ناموسی نقش بسزایی ایفا می‌کند. در قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی مالکیت مردان بر زنان و دختران خانواده، فارغ از ملاحظات مرتبط با مجازات قانونی است. در پرونده ماجرای قتل کودک ۱۳ ساله، رومیان اشرفی، ملاحظه می‌کنیم پدری با شقاوت توصیف ناپذیر دخترش را با بیرحمی تمام قصاص می‌کند.

وجود گریزگاه‌های فراوان در قوانین ضد زن حکومت مترجع جمهوری اسلامی و مقاومت شدید رژیم در مقابل حذف یا اصلاح این قوانین ضد انسانی در کنار یکدیگر یک معنا را می‌رساند و آن این است که حکومت و قوانین آن مسوولیت مستقیم تمام این جنایات را بر عهده دارد.

در مدل ولایت فقیهی جامعه تمام حقوق اساسی و حتی اولیه از زنان سلب شده است، حقوقی نظیر حق انتخاب همسر به خصوص در مناطق روستایی، حق طلاق، حق سرپرستی کودکان، حق تحصیل و اشتغال، حق مسافرت بدون اجازه همسر یا پدر و ... مروج و مشوق قشر ناآگاه و متعصب کور جامعه یعنی مردانی هستند که ناخودآگاه در زنجیر همین قوانین ضد بشری و ضد انسانی و ضد زن جمهوری اسلامی در بند و اسارت به سر می‌برند. حاکمیت سلطه لرزان خود را به کمک قشر ناآگاه و بی فکر و بی مسوولیتی از جامعه، یعنی مردان متعصب و روانپزشک بسط می‌دهد.

وظیفه قشرهای آگاه و بیدار جامعه است که با آگاهی دادن و بیدار کردن جامعه در بند کشیده شده به دست حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی آن، مردم را برای به دست آوردن حقوق اساسی و نیازهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... هدایت کنند.

قانون در هر جامعه آزاد اندیشی باید حامی و مدافع کلیه افراد جامعه اعم از زن، مرد و کودک باشد، نه آنکه خواسته‌های نادرست عده‌ای را در ازای نابودی عده دیگری برآورده و تضمین کند. قانون وسیله انتقام شخصی و تسویه حساب فردی نیست و نباید با امتیازات غلط و نادرست که به برخی دیگر واگذار می‌کند، جنبه حق السکوت و رشوه به خود بگیرد.

کنند و نسبت به تمام این اختلالات بیمارگونه روانی آگاهی پیدا کنند و در جهت درمان آنها بکوشند.

در کنار این مراقبت‌ها، وظیفه آموزش و پرورش و رسانه های جمعی هم بی هیچ شک و شبهه ای بسیار موثر و تاثیر گذار است. در یک جهت دیگر، باید مطالعات و برآوردهایی در بخشهایی که می‌تواند در راستای حمایت از زنان و کودکان عمل کند، در حوزه اجتماعی، شغلی و اقتصادی صورت بگیرد.

در نظر بگیریم که این یک واقعیت انکار ناپذیر است که جامعه ایران با توجه به شکل و فرم محدودیت‌ها، مسائل اجتماعی، اقتصادی، فقر آموزشی و ... یک جامعه کهنه بیمار است، پس باید به این نکته توجه کنیم که شخص مجرم، یک بیمار روان پریش است که باید درمان شود، نه اینکه به دار اوخته شود.

روانپزشکی نیز مانند هر بیماری دیگری، یک نوع بیماری است که باید درمان و کنترل و پیشگیری شود و این به نتیجه نمی‌رسد مگر اینکه جامعه از سطوح بالا تا پایین تحت بازنگری و تغییر و درمان قرار بگیرد.

قوانین ارتجاعی، پایه قتل‌های خاموش



براساس آمار منتشر شده و به ثبت رسیده پزشکی قانونی، بیشترین تعداد قتل‌های ناموسی در ایران در استانهای خوزستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان، فارس، آذربایجان شرقی و اردبیل و مناطق شمال ایران اتفاق می‌افتد.

خشونت علیه زنان ایرانی ریشه در فرهنگ و ساختار جامعه دارد و در این میان نقش حکومتها در آن اساسی و تثبیت کننده این خشونت‌هاست. خشونت خانوادگی بازتابی از خشونت و بی عدالتی است که در جامعه حکمفرماست و نمایشگر موقعیت و جایگاه اجتماعی زنان در آن جامعه است و در این میان نقش قوانین ضعیف و ضد زن در ایران بسیار بارز و روشن است که بصورت مختصر در زیر اشاره می‌شود

از دید حقوقدانان آگاه و وجدان بیدار جامعه، ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مجوزی گویا برای قتل‌ها و خشونت‌های خانگی است. طبق این ماده "هرگاه مرد همسر خود را در حال زنا یا مرد اجنبی مشاهده نماید و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و اگر زن مجبور شده باشد، فقط می‌تواند مرد را به قتل برساند!"

این روزها دامنه قتل‌های ناموسی در ایران به دختر بچه ۱۳ ساله ای رسیده که به دست پدرش به فجیع ترین شکل به قتل رسید.

در روانشناسی به اینگونه قتل‌ها که در جوامع سنتی ایران به وقوع می‌پیوندد و ریشه در عوامل روانی، فرهنگی و اجتماعی مختلف دارد، قتل‌های فاجعه خاموش نام داده می‌شود و در جامعه سنتی و بیمار کم نیست. ما باید عوامل ایجاد کننده آنها را مورد توجه قرار دهیم، اختلالات رفتاری و درمانی که در جامعه ایران بیداد می‌کند و به راحتی توسط خانواده قابل شناسایی و تشخیص و کنترل نیست، به مرور زمان منجر به رفتارهای خشونت آمیز و عصبی غیرقابل پیشگیری و کنترل می‌شود.

نداشتن مهارت مواجهه با مشکلات و حل مسائل و نبود سیستم آموزشی و فراگیری مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی از جمله مسائلی است که منجر به خشونت، درگیری و نزاع و در نهایت قتل می‌شود.

در ذهنیت پاتولوژیک این معضل، بسیاری از افرادی که دست به انجام قتل‌ها می‌زنند، افرادی هستند که دارای اختلالات روانپزشکی نظیر پارانویید، اختلال هذیانی، دو قطبی و سایکوپات با مشکل در کنترل تکانه های خشونت هستند.

اختلالات شخصیتی از هر نوع آن به صورت پوچی، تنهایی و انزوا و عدم بلوغ عاطفی اعضای خانواده باعث می‌شود افراد بیمار از توان کنترل سامانه هیجانات خود برخوردار نباشند و متأسفانه منجر به بروز رفتاری خشونت آمیز می‌شود؛ مردانی که با روان بیمار و ذهن آلوده به باورهای غلط، در خشونت بارترین شکل ممکن دست به تهاجم و حمله می‌زنند و قتل‌های ناموسی را دامن می‌زنند.

نداشتن آشنایی و برقراری ارتباط اکثر مردم در بیشتر نقاط ایران با جامعه روانشناسی و روانپزشکی و البته با توجه به شرایط و مشکلات مالی و اقتصادی و فقری که در جامعه ایران حاکم است، افزایش قتل‌های خانوادگی را دامن زده است.

ساختار جامعه سنتی در ایران به گونه ای شکل گرفته که قدرت و فرمانروایی جنسیت مردانه در آن بارزتر است. در طول ادوار، منبع این قدرت و جایگاهها در اختیار مردان بوده است و این ویژگی به عنوان یک ساختار شکل گرفته است.

از سویی دیگر، در نگاه به جنبه اجتماعی موضوع باید به این نکته توجه شود که در جامعه سنتی، شرف و پاکدامنی زن موضوعی فقط مربوط به خود او نیست، بلکه سرمایه مشتری است که اعضای خانواده، فامیل و قوم خود را در آن شریک می‌دانند. در این جامعه زن و دختر و کودک، به عنوان یک شخصیت مستقل به رسمیت شناخته نمی‌شوند، بلکه در سیطره خانواده و قبیله و قوم خود به زنجیر ناآگاهی و باورهای غلط بیمارگونه کشیده می‌شوند.

در این میان، سیستم حکومتی ایران که تمام اختیارات را به مردان واگذار کرده است، از این افکار پوچ روانپزشکی حمایت مستقیم می‌کند و کار را به آنجا می‌رساند که فرد بیمار مجرم، حتی به عنوان یک قهرمان پاسبان پاکدامنی و شرافت در انتظار عمومی معرفی می‌شود.

در چنین جامعه ای مردم ما نیازمندند که با روان شناسان و روانپزشکان و کادرهای پزشکی که مستقیم با اختلالات روان پریشی در ارتباط هستند پیوند برقرار



زنان در مسیر رهایی (خرداد ۹۹)

اسد طاهری

بر اساس ابلاغ حمید زنگنه منش، رییس هیات بوکس خوزستان، "هیچ مربی مردی در استان حق آموزش رشته بوکس را به زنان ندارد و در صورت اقدام به انجام این کار، عواقب ناشی از آن بر عهده شخص خاطی خواهد بود و با او برخورد خواهد شد."



این در حالی است که دبیر فدراسیون بوکس جمهوری اسلامی در اسفند گذشته خبر از رفع مشکلات موجود برای حضور زنان بوکسور داده و ابراز امیدواری کرده بود: "در آینده نزدیک شاهد اتفاق خوب و شایسته حضور بانوان در ورزش بوکس باشیم."

ورزش بوکس پس از قدرت گرفتن رژیم اسلامی، برای یازده سال ممنوع بود و در سال ۶۸ دوباره راه اندازی شد، اما نه برای زنان! درست ۴۰ سال بعد، در آبان ۱۳۹۷، سایت فدراسیون بوکس ثبت نام زنان برای آموزش، داوری و مربیگری بوکس را آغاز کرد. در حال حاضر حدود چهار هزار بوکسور در کشور فعال هستند.

برای نخستین بار یک زن به ریاست فضاییهای سرنشین دار ناسا رسید



"جیم برایدنستاین"، مدیر ناسا، اعلام کرد که "کتی لودرز"، به سمت رییس بخش پروازهای فضایی سرنشین دار اکتشافی و عملیاتی انتخاب شده است. او در توییتی نوشت که خانم لودرز "همزمان با آماده شدن ما برای اعزام فضاورد به ماه، فرد مناسبی برای رهبری پروازهای هوایی سرنشین دار خواهد بود."

ناسا گفت که این اولین بار است که اژانس فضایی یک زن را برای چنین مقامی انتخاب کرده است. کتی لودرز از سال ۲۰۱۴ مسوولیت پروازهای تجاری ناسا را به عهده داشت. او برای فرماندهی عملیات اعزام اولین سفینه فضایی سرنشین دار شرکت اسپیس اکس "که ماه گذشته دو فضاورد آمریکایی را به ایستگاه فضایی بین المللی در مدار زمین فرستاد، انتخاب شده بود.

"ایلان ماسک"، بنیانگذار و مدیرعامل شرکت فناوری فضایی اسپیس اکس، بیشتر در توییتی نوشته بود که "یکی از هواداران پر و پا قرص کتی لودرز" است.

بقیه در صفحه ۲۰

در فیلمی که از این حرکت اعتراضی منتشر شده، یکی از زنان شرکت کننده به نمایندگی از سایرین خواستار محاکمه قاتل رومینا شده است. زنان می گویند "زن ناموس هیچ کس نیست." رومینا اشرفی، نوجوان ۱۳ ساله، به دست پدرش در خواب با داس به قتل رسید. پدر او روز قتل بازداشت شد. همچنین اعلام شده پسری که رومینا با او فرار کرده بود، بازداشت شده است.

فعالان حقوق زنان در سنج ضمن ابراز همدردی با مادر رومینا گفته اند او حق دارد که بخواد قاتل به سزای اعمالش برسد و باید به او کمک کرد.

بحران بیکاری زنانه در پی پاندمی کرونا

برخلاف دیگر بحرانهای اقتصادی سرمایه داری، بحران اقتصادی ناشی از کرونا به طور عمده زنان را دربر می گیرد. هزاران نفر در سراسر دنیا به علت شیوع این بیماری شغل خود را از دست داده اند، اما زنان در راس بیکار سازیها قرار گرفته اند.

زنان نظافتچی، شاغلان کودکستانها، آرایشگرها، نظافتچهای هتل و بخش بهداشت و دندانپزشکی ویران کننده ترین استرسهای بیکاری را تجربه می کنند و به جمعیت بیکاران می پیوندند. بیشتر این زنان از کمترین ثبات کاری در شغل خدماتی نیز برخوردار بوده اند و اینک برخی حتی بدون مزایای بیمه بیکاری باید سر کنند.

به گزارش سایت "بلومبرگ"، "سیتی گروپ" براساس داده های آماری پیش بینی می کند نزدیک به ۳۱



میلیون زن شغل خود را در طول بحران کرونا و بیروس از دست می دهند و به احتمال در اثر همین عامل، تولید ناخالص داخلی جهانی می تواند به میزان یک هزار میلیارد دلار کاهش یابد.

این گزارش حاکی از آن است که حدود ۲۲۰ میلیون زن در سراسر جهان در بخشهایی که توسط بیروس تهدید می شود، کار می کنند و ۳۱ میلیون تن از این زنان می توانند شغل خود را در طول همه گیری از دست بدهند. البته این رقم شامل چین نمی شود. "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" (OECD) نیز در ماه آوریل هشدار داد وضعیت سخت زنان در بازار کار باعث می شود که آنها در معرض آسیب شغلی قرار بگیرند.

در گزارش بلومبرگ آمده است به طور کلی، ۴۴ میلیون کارگر در معرض خطر از دست دادن شغل خود به دلیل بیماری کرونا هستند که از این تعداد، ۳۱ میلیون نفر زن و ۱۳ میلیون نفر مرد هستند.

ورزش بوکس برای زنان خوزستانی ممنوع شد

به دستور، فدراسیون بوکس، زنان استان خوزستان از انجام هرگونه فعالیت در رشته ورزشی بوکس منع شدند. بنا به این دستور، هرگونه فعالیت برای زنان در این رشته از جمله مربیگری، تمرین، آموزش و برگزاری کلاس تئوری ممنوع است.

تشکیل اولین پرونده جنایی در روسیه به خاطر ختنه زنان



کمیته تحقیقات قضایی روسیه اولین پرونده جنایی را در این کشور به خاطر ختنه یک دختر بچه ۹ ساله در جمهوری "اینگوشتیا" تشکیل داد. در تاریخ ۸ ماه مه ۲۰۲۰، شبکه تلویزیونی ۳۶۰ روسیه گزارشی را در مورد نحوه ختنه دختران در یک کلینیک در "اینگوشتیا" منتشر کرد. روزنامه نگاران اعلام کردند که مادر این دختر قبل از زایمان از پدرش طلاق گرفته است. این مرد به دخترش علاقه ای نشان نداد، اما در ژوئن سال ۲۰۱۹ اصرار داشت که دختر بچه ۹ ساله برای مهمانی به نزد وی بیاید. روز بعد این کودک را به نزد متخصص زنان و زایمان بردند.

یکی از نزدیکان خانواده این دختر بچه می گوید: "وقتی که کودک به خانه بازگشت، مادرش متوجه شد که در لباس وی آثار خونریزی دیده می شود و خود این دختر بچه هم در حالت شوک قرار داشت. او می گریست و می پرسید که با او چه کاری انجام شده و آیا خواهد مرد."

پزشکی که این کودک را ناقص عضو کرده بود، ادعا کرد ختنه به صورت قانونی انجام شده و کودک نیاز به اصلاح آسیب پذیری مادرزادی داشت.

۱۹ ماه می فعالان حقوق بشر اعلام کردند در مورد ختنه دختر بچه نه ساله پرونده جنایی تشکیل شده و این پرونده به دادگاه رفته است. این اولین پرونده جنایی تشکیل شده به دلیل ختنه زنان در روسیه است.

سال ۲۰۱۶ بنیاد "ابتکار حقوقی برای روسیه" تحقیقاتی را در مورد ختنه زنان در جمهوری داغستان روسیه انجام داد. در آن زمان مفتی "اسماعیل بریدف" این تحقیقات را مغایر اصول اسلام خوانده و گفت که ختنه همه زنان در جهان برای کاهش حساسیت جنسی آنها لازم است.

"زن ناموس هیچ کس نیست!" تجمع در سنندج



شماری از فعالان حقوق زنان در سنندج روز هشتم خرداد در اعتراض به قتل "ناموسی" رومینا اشرفی تجمع کردند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۹

مخالفت نماینده خامنه ای با دوچرخه سواری
زنان در دانشگاه فردوسی مشهد



مسوول دفتر "نهاد رهبری" در دانشگاه فردوسی مشهد در اطلاعیه ای با دوچرخه سواری زنان در این دانشگاه مخالفت کرد.

در این اطلاعیه آمده است: "با توجه به پاسخ استفتاء از دفتر مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت دوچرخه سواری بانوان در فضای عمومی، اینجانب به عنوان مسوول دفتر نهاد رهبری در دانشگاه فردوسی مخالفت خود را با دوچرخه سواری بانوان در این دانشگاه اعلام می‌دارم." حجت الاسلام سید مهدی حسینی مطلق تاکید کرده که دانشجویان دختر فقط در محل ایزوله شده در بوستان بانوان کوثر دانشگاه اجازه دوچرخه سواری دارند.

دانشگاه هفتاد ساله فردوسی مشهد به عنوان سومین دانشگاه با سابقه ایران پس از دانشگاه‌های تهران و تبریز در سال ۱۳۲۸ تاسیس شد.

این دانشگاه دارای ۲۵ هزار دانشجو است که ۲ هزار و ۵۰۰ نفر آنها در مقطع دکتری و ۶ هزار نفر در مقطع کارشناسی ارشد و بقیه در مقطع کارشناسی مشغول تحصیل هستند.

این دانشگاه به‌عنوان بزرگترین مرکز آموزش عالی در شرق کشور هفت پژوهشکده تخصصی نیز دارد.

"جیغ ملی" در مخالفت با نابرابری دستمزد در سوئیس



زنان در سراسر سوئیس روز یکشنبه به همدیگر پیوستند تا علیه نابرابری جنسیتی اعتراض کنند. آنها برآشفتگی خود را به طور نمادین با یک دقیقه جیغ کشیدن ابراز کردند.

سال گذشته نیم میلیون نفر در اعتراض به کارنامه این کشور در زمینه حقوق زنان به خیابان آمدند، اما "اعتصاب زنان" امسال به علت کووید ۱۹ محدودتر بود. با این همه هزاران نفر در شهرهای سوئیس از جمله ژنو سر ساعت ۳:۲۴ بعدازظهر یک دقیقه جیغ کشیدند. این ساعت به این خاطر انتخاب شده که به علت شکاف بین دستمزد زن و مرد، زنان از این ساعت به بعد در عمل مجانی کار می‌کنند.

طبق داده های دولت، زنان اکنون یک پنجم کمتر از همکاران مرد خود دستمزد می‌گیرند و این شکاف از سال ۲۰۰۰ بیشتر شده است. سی سال پیش، دستمزد زنان حدود یک سوم کمتر از مردان بود. سوئیس کیفیت

زندگی بالایی دارد، اما از نظر برابری در محل کار و دستمزد از سایر کشورهای توسعه یافته اقتصادی، عقب تر است.

تظاهرکنندگان همچنین به یاد زنان کشته شده توسط شرکای زندگی خود یک دقیقه سکوت کردند و نمایشی از قبل برنامه ریزی شده را اجرا کردند. آنها خشونت علیه زنان را محکوم کرده و خواستار حساب کردن کار رایگان زنان در قبال خانواده و بستگان شدند.

مریم شجاعی برنده جایزه ESPN به خاطر
مبارزه برای ورود زنان به ورزشگاه



شبکه ESPN، از مهم‌ترین رسانه‌های ورزشی جهان، مریم شجاعی را به خاطر تلاشهایش برای ورود زنان به ورزشگاه در ایران و فشارهایش به فیفا، به عنوان برنده جایزه "استوارت اسکات" معرفی کرد. این جایزه از جوایز بشردوستانه ورزشی است که ESPN، بزرگترین رسانه ورزشی در آمریکای شمالی، اهدا می‌کند.

خانم شجاعی، خواهر مسعود شجاعی، کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران، است که خود او نیز از فعالان عرصه ورود زنان به ورزشگاه هاست.

در گزارش اعلام نام مریم شجاعی آمده است: "مدت کوتاهی پس از انقلاب اسلامی، تماشای فوتبال برای زنان ممنوع شد و تنها در مواردی نادر و استثنایی، گروه‌های کوچکی از زنان توانستند پا به استادیوم بگذارند. این دختر پیشگام ابتدا به طور ناشناس ممنوعیت را مورد انتقاد قرار داد و سپس به طور علنی، نبرد برای ورود زنان به ورزشگاه را ادامه داد."

تلاشهای خانم شجاعی در طی این سالها، همیشه با هزینه شخصی و بدون کمک گرفتن از نهادها و بنیادهای بین‌المللی بوده است.

مریم شجاعی سال ۲۰۱۵ در جام جهانی زنان به میزبانی کانادا حاضر شد و بنر حمایتی خود را با هویتی پنهان به نمایش گذاشت. او سال ۲۰۱۸ با طرح موسوم به NoBan4Women به جام جهانی رفت. مجوز کتبی فیفا را داشت و بنرهایش را در بازی با مراکش به نمایش گذاشت. اما فشار و ناراضیاتی از طرف رژیم ایران باعث شد در شهر "گازان" و بازی مقابل اسپانیا، بنر او را جمع کنند و خودش را هم مدتی بازداشت کردند.

مریم به فیفا شکایت کرد. فدراسیون جهانی نیز پذیرفت که پارچه‌نوشته توقیف‌شده را به شهر "سارانسک" بفرستد که قرار بود ایران و پرتغال به مصاف هم بروند. دیدار خصوصی با دبیر کل فیفا از جمله تلاشهای مریم شجاعی بود. ESPN می‌نویسد او مدام به فیفا فشار آورد تا قوانین منع تبعیض جنسیتی را اعمال کنند. سرانجام این ارگان هیأتی را به ایران اعزام کرد تا زمینه تماشای گروه بیشتری از زنان در بازی تیم ملی ایران مقابل کامبوج فراهم شود.

رئیس فیفا، "جیانی اینفانتینو"، بارها از مقامهای سیاسی و ورزشی ایران خواسته ممنوعیت ورود به ورزشگاه را لغو کنند. با این حال ورود زنان به ورزشگاه‌ها برای تماشای فوتبال همچنان ممنوع است.

چهارمین قتل ناموسی در کمتر از چهار هفته

روز دوشنبه ۲۶ خرداد ریحانه عامری، ۲۲ ساله، به دست پدرش، به قتل رسید. گزارشهای غیررسمی حاکی از این است که پدر ریحانه عامری بر سر دیر آمدن دخترش به



خانه با او بحث و درگیری داشته و پیشتر نیز تهدید کرده بود که او را خواهد کشت.

پدر ریحانه اقرار کرده است که دخترش را به قتل رسانده و پیکر او را در بیابانهای جاده چوپار رها کرده است. در همین حال نیروی انتظامی کرمان اعلام کرد که برخلاف خبرهای منتشر شده، این دختر جوان با ضربات تبر به قتل نرسیده و پدرش او را با ضربه میله آهنی به سر به قتل رسانده است.

این سومین مورد از "قتلهای ناموسی" است که از ابتدای خرداد ماه و در کمتر از چهار هفته رسانه ای شده است.

ابتدا رومینا اشرفی، ۱۴ ساله، روز جمعه اول خرداد در روستای "سفیدسنگان لمبر" از بخش حویق شهرستان تالش در استان گیلان با داس و به دست پدرش کشته شد. قتل رومینا هنگامی رخ داد که او پس از پنج روز فرار با خواستگارش بهمن خاوری، از سوی پلیس آگاهی آستارا بازداشت و با دستور قاضی دادگاه به پدرش تحویل داده شد.

رضا اشرفی، پدر رومینا، پس از بازگشت به خانه هنگامی که رومینا در خواب بود، با تیغه داس گلولی دختر چهارده ساله خود را برید و او را به قتل رساند.

سپس روز چهارشنبه ۷ خرداد دختر ۱۸ ساله ای که نام وی اعلام نشد و بر اثر به آتش کشیدن خانه توسط برادرش دچار جراحات و سوختگی شدید شده بود، جان خود را از دست داد.

برادر این دختر ساکن محله سلیمانداراب شهر رشت با ازدواج او با مرد مورد علاقه اش مخالف بود، اما وقتی در جلوگیری از این ازدواج موفق نشد، خانه پدری را به آتش کشید که در این حادثه خواهر و مرد مورد علاقه‌ی وی در آتش سوختند.

پس از آن در شامگاه یکشنبه ۲۵ خرداد در آبادان، فاطمه برحی، ۱۹ ساله، با ضربات چاقوی حبیب برحی، همسر و پسر عمویش، کشته شد.

حبیب برحی، ۲۳ ساله، پس از قتل فاطمه با در دست داشتن چاقوی خونینی که با آن فاطمه را به قتل رسانده بود، به کلانتری ۱۱ آبادان مراجعه و اقرار کرد که دخترعمویش را که یک سال قبل به عقد هم درآمده بودند کشته است. قاتل در این مورد همسرش را به خیانت متهم کرد و ماموران وقتی با راهنمایی او به حوالی بهار ۵۶ در حاشیه بهمن شیر رفتند، پیکر بی جان فاطمه را مشاهده کردند که گلویش بریده و به دست حبیب کشته شده بود.

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، پدر ولی دم محسوب می‌شود و به همین دلیل در بیشتر موارد "قتل ناموسی" که توسط پدر، برادر یا عموی زنان انجام می‌شود، برای قاتل تقاضای قصاص نمی‌شود.

منابع: (اسپوتنیک، بی بی سی، صدای آمریکا، ایسنا، رادیو فردا، ایلنا، ایندپندنت، ایران اینترنشنال، آنا)

کارورزان سلامت (خرداد ۹۹)



خاطر بحران کرونا در مرکز کرونایی استان بیمارستان جلیل انتخاب شدید. خلیله نوزاد ۱۰ روزه و پدر و مادر مریض و سرطانی و حتی کار در تهران و شیراز و اصفهان داشتند، روی همه اینها چشم پوشیدند و آمدند همکاری کردند. از بین ۵۰۰ نفر، ۵۴ نفر فقط ماندند و مقاومت کردند و تا روز آخر قرارداد حضور داشتند و به صورت شفایی هم به ما قول استخدامی دادند.

وی با بیان اینکه الان بدون پول و بدون بیمه اخراج شده اند، ادامه داد: حالا حق ما و جواب ما اینه؟ پدر خودم سرطان خون داره به خاطر فشاری روحی که من کنار بیماران کرونایی هستم کاسه چشمش خونریزی داخلی کرد ... الان چطور بهش بگم اخراج شدم؟

یکی دیگر از این پرستاران نیز گفت: در اوج شیوع ویروس کرونا و در این ایام بحرانی در شرایطی که از فرزند و خانواده دور بودیم در بیمارستانهای کهرگیلویه و بویراحمد با پوشیدن لباسهای پلاستیکی که پوشیدن آنها طاقت فرساست مشغول به خدمت شدیم، اما اکنون مسوولان به ما بی توجهی می کنند.

یکی از پرستاران دیگر گفت: حدود سه ماه از سال می گذرد و تاکنون یک ریال به پرستاران پرداخت نشده است و تمام شیفتهای بیمارستانهای استان نیز با کمبود نیرو مواجه هستند.

تجمع پرستاران شرکتی تبریز مقابل استانداری آذربایجان شرقی

پرستاران شرکتی تبریز در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل حقوق در روز شنبه ۱۷ خرداد، مقابل استانداری آذربایجان شرقی تجمع کردند.

یکی از کمک پرستاران شرکتی حاضر در این تجمع گفت: من از جمله نیروهای شرکتی هستم که به عنوان کمک پرستار مشغول هستم و حدود ۴ سال سابقه کار دارم. او افزود: حقوقهایمان طبق قانون کار نیست و کمتر از قانون کار واریز می کنند در فروردین ماه هم یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برایمان حقوق واریز کرده اند. اکثر هم لیسانس و فوق لیسانس هستیم الان در اینجا به عنوان خدمه و کمکی کار می کنیم چون در هیچ جایی کار وجود ندارد در حق ما بیش از اندازه ظلم می شود. نیروهایی که قراردادی و یا رسمی هستند حقوق های شان دو یا سه برابر حقوق ما است.

اعتراض پرستاران اورژانس به عدم اجرای قانون ارتقای بهره وری

جمعی از پرستاران اورژانس به عدم اجرای قانون ارتقای بهره وری و شرایط سخت کاری اعتراض کردند. آنها ضمن اعتراض نسبت به عدم اجرای قانون ارتقای بهره وری و ساعات طولانی کار، نسبت به دیگر پرسنل بالینی، گفتند: برای ما نیروهای اورژانس برخلاف دیگر پرسنل بالینی قانون ارتقای بهره وری اجرا نشده است. این قانون یکی از مهم ترین قوانینی است که بعد از گذشت ۱۰ سال از زمان تصویب آن و یک سال از صدور رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری مبنی بر شمول این قانون برای پرسنل درمانی شاغل در اورژانس هنوز با مقاومت دستگاههای اجرایی همراه است.

(منابع: ایلنا، ایرنا، میزان، ایسنا، تبریز بیدار)

هزاران پرستار مبتلا به کرونا

رییس کل سازمان نظام پرستاری ایران از ابتلای ۷ هزار تن از پرستاران به کرونا خبر داده و گفت که ۱۸ تن از آنان جان باخته اند. این آمار در حالی اعلام می شود که ماهنامه نبرد خلق در شماره قبل اسامی ۱۰۶ تن از پزشکان، پرستاران و کادر درمان که در مقابله با کرونا جان باخته اند را منتشر کرد. معاون اول روحانی از جان باختن ۱۱۰ تن از پزشکان، پرستاران و کادر درمانی کشور در رابطه با مقابله با شیوع کرونا خبر داده است. یکی از علت های جانباختن پرستاران و کادر پزشکی، کمبود نیرو است.

در شرایط کنونی به آزادی هر تخت کمتر از یک پرستار وجود دارد و در کل کشور ۱۱۰ هزار پرستار برای ۱۴۰ هزار تخت مشغول فعالیت هستند.

تجمع پرستاران شرکتی گیلان



پرستاران شرکتی گیلان در ادامه اعتراض به قراردادهای ۸۹ روزه، در روز یکشنبه ۱۱ خرداد، در دانشگاه علوم پزشکی گیلان تجمع کردند.

یکی از پرستاران درباره خروجی این تجمع گفت: نمایندگان ما در دیدار با ارسلان سالاری، رییس دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دو خواسته مهم پرستاران را به شرح زیر مطرح کردند.

آنچه نمایندگان مطرح کردند، این بود که پرستاران داوطلب به هیچ وجه حاضر به امضای قراردادهای ۸۹ روزه نیستند. همچنین با توجه به اینکه این کشیک پرستاران در حال حاضر مطابق قانون ارتقای بهره وری محاسبه نمی شود، راهی بیابند تا زمان مشخص شدن وضعیت پرستاران، کشیکها به صورت بهره وری حساب شود.

یادآوری می شود که پرستاران شرکتی استان گیلان روز شنبه ۲۰ اردیبهشت مقابل ساختمان دفتر مرکزی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در خیابان نامجو کلانشهر رشت و روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت، جمعی از پرستاران قرارداد ۸۹ روزه استان گیلان به نمایندگی از صدها نفر از پرستاران مقابل وزارت بهداشت در تهران تجمع کردند.

تجمع پرستاران قرارداد ۸۹ روزه در کهرگیلویه و بویراحمد

جمعی از پرستاران قرارداد ۸۹ روزه دانشگاه علوم پزشکی کهرگیلویه و بویراحمد برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی روز سه شنبه ۱۳ خرداد، مقابل استانداری در یاسوج تجمع کردند.

در پلاکاردهای پرستاران معترض نوشته شده بود: "سزای فداکاری بیکاری نیست" و "کرونا را شکست دادیم، اما از کار بیکار شدیم".

یکی از پرستاران حاضر در تجمع گفت: ۲۰ اسفند ماه ۹۸ با حدود ۵۰۰ نفر از پرستاران که امتحان قراردادی و پیمانی ۹۸ را داده بودند تماس گرفتند و گفتند به

همه گیری ویروس کرونا فاجعه ای را رقم زده که خسارهای آن سالها مردم ایران را رنج خواهد داد. حکومت در رابطه با ابعاد همه گیری کرونا، از ابتدا به دروغ و پنهان کاری متوسل شد و این شیوه ضد انسانی را هنوز هم ادامه می دهد.

وزیر بهداشت در روز شنبه ۳۱ خرداد گفت: "حتی در استانهایی که فکر می کنیم موج اول را پشت سر گذاشته ایم، موج اول را به طور کامل تجربه نکرده ایم. باید باور کنیم کرونا تمام نشده، پیک بیماری رد نشده و کرونا، یک ویروس پیچیده تو در توی صد هزار چهره است و حداقل باید دو سال با این ویروس زندگی کنیم." در همین روز معاون دانشگاه علوم پزشکی شیراز گفت: "بیش از ۹ هزار و ۵۰۰ مورد مبتلا به کرونا ویروس در استان شناسایی شده است. استان فارس از مرحله هشدار عبور کرده و تعداد مبتلایان به کرونا روز به روز افزایش می یابد. از یک هفته گذشته، شاهد رشدی سابقه موارد جدید هستیم. بار دیگر نگاهگاه ۱۰۰ تختخوابی در ورزشگاه دستغیب برای قرنطینه راه اندازی شد. همچنین ۶ مرکز درمان سرپایی افزوده شد."

در چنین شرایط ناگواری کادر درمانی و به ویژه پرستاران باید بیشترین فشار را تحمل کنند و حکومت نیز به زندگی و معیشت آنان توجه ندارد و ناسپاس از زحمات آنها به اخراج برخی از پرستاران دست می زند.

تجمع پرستاران اصفهان

پرستاران اصفهان برای انعکاس صدای اعتراض به عدم اجرای قوانین، تبعیض در پرداخت مطالبات و عدم پرداخت به موقع حقوق، عدم تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی و فشار کاری به دلیل کمبود نیرو، روز پنجشنبه اول خرداد، دست به تجمع مقابل دادگستری این استان زدند.

تجمع کنندگان خواستار اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری بر اساس برنامه ششم توسعه، اجرای کامل قانون ارتقای بهره وری، اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور، تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی و قراردادی، جبران کمبود پرسنل پرستاری، برطرف کردن تبعیض در اختلاف پرداخت کارانه در رده های پرسنل درمانی و شفاف سازی پرداختها شدند.

گفتنی است که دست کم ۱۱ هزار پرستار در استان اصفهان در بیمارستانها و مراکز درمانی و بهداشتی دولتی، خصوصی و خیریه مشغول کار هستند.

ابتلای ۲۰۰ پرستار به کرونا در حوزه دانشگاه علوم پزشکی مشهد

رییس هیأت مدیره نظام پرستاری مشهد از ابتلای پرستاران به کرونا در حوزه دانشگاه علوم پزشکی مشهد و شهرستانهای تابعه این دانشگاه خبر داد و اعلام کرد که تاکنون حدود ۲۰۰ پرستار به کرونا مبتلا شده اند.

وی اضافه کرد که: در مشهد قرارداد ۸۹ روزه بسته نشد و در قالب فراخوان از افراد داوطلب و بیمارستانهای خصوصی تامین نیرو صورت گرفت. در مورد وجود ۴۵۰ پرستار شرکتی در مشهد، رییس هیأت مدیره نظام پرستاری گفت: پیگیریها و نامه نگاریها در حال انجام است و به دنبال تبدیل وضعیت این پرستاران هستیم.

یادآوری می شود که تاکنون این امر صورت نگرفته و این درحالی است که در استاندارد جهانی به ازای هر تخت بیمارستانی ۴ پرستار لازم است و این رقم در دانشگاه علوم پزشکی مشهد به طور میانگین یک پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی است.

جنبش رنگین کمان بیشماران (خرداد ۹۹)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

*ساکنان مسکن مهر بردسکن در استان خراسان رضوی، برای دومین روز در اعتراض به نبود امکانات اولیه رفاهی و خدماتی در این شهرک اقدام به تجمع اعتراضی کردند.

به گزارش ایران کارگر، معترضان در خصوص تجمع خود گفتند: «ابتدا قرار بود واحدهای مسکونی به صورت کامل به متقاضیان واگذار شود که برخی از افراد در مرحله خاک و گچ تحویل آنها داده شد و با هزینه خودشان مسکن خود را تکمیل کردند و در حال حاضر با گذشت ۸ سال مسئولان امر هیچ گونه امکانات رفاهی، خدماتی، آموزشی و تفریحی را در این منطقه ایجاد نکرده اند.»

سه شنبه ۶ خرداد

*جمعی از کارگران شرکت روغن نباتی نرگس شیراز مقابل ورودی این کارخانه دست به تجمع زدند. به گزارش هرا، تجمع کنندگان به عدم دریافت مطالبات مزدی خود طی سه ماه و نداشتن امنیت شغلی به دلیل وضعیت نامعلوم تولید در کارخانه اعتراض کردند. به گفته معترضان، بیمه کارگران نیز به صورت کامل پرداخت نشده است و همچنین به دلیل پرداختیهای نامنظم شرکت، کارگران هر ساله مجبورند برای پیگیری مطالبات مزدی خود تجمع کنند.

*جمعی از اهالی چهارمحال و بختیاری و چرمهین در استان اصفهان برای اعتراض به انتقال آب انتقال آب از چهارمحال و بختیاری به فلات مرکزی ایران (احداث تونل بهشت آباد) در فرخ شهر تجمع کردند. به گزارش ایسنا، معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی با عنوان «ما خواستار رسیدگی فوری قوه قضاییه به شکایت مردمی از پروژه بهشت آباد هستیم» مخالفت خود را با این پروژه نشان دادند.

بهشت آباد عنوانی است که برای انتقال آب از چهارمحال و بختیاری به فلات مرکزی ایران به کار برده می شود که در عمل به جهنم آباد تبدیل می شود. *کارگران معدن کرومیت امین یار فاریاب برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق، حق بیمه و نداشتن امنیت شغلی دست به تجمع مقابل درب ورودی این معدن زدند. به گزارش کرمان نو، یکی از کارگران معترض این معدن گفت: مطالبات ما مختص به دریافت حقوق طی ماههای فروردین ۹۸، بهمن و اسفند ۹۸ و همچنین فروردین ۹۹، به همراه ما به تفاوت پرداختی ناقص حقوق کارگران این شرکت در سه ماه ۹۸ به همراه عیدی همان سال است.

یکی دیگر از کارگران معدن امین یار گفت: هر کارگر ساده با حقوق یک میلیون و نهصد هزار تومان نزدیک به ۱۱ میلیون تومان از این شرکت طلب دارد.

چهارشنبه ۷ خرداد

*مدتی پس از گذشت صدور حکم ابطال واگذاری کارخانه قند، کارگران بیکار شده کارخانه قند یاسوج که مطالبات شان هم پرداخت نشده و از منازل سازمانی هم بیرون رانده شده اند، برای چندمین بار دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش فارس، کارگران تجمع کننده گفتند: کارخانه با تمام امکانات از تولیدی و رفاهی از سال ۹۵ تاکنون تعطیل و موجب ضرر به ۱۰ هزار نفر و در زمان بهره برداری به صورت مستقیم به ۳۰۰ نفر شده که از آن ارتزاق می کردند.

یادآوری می شود که در سال ۹۵ با واگذاری کارخانه قندیاسوج به بخش خصوص بعد از ۱۷ روز کلیه کارگران بقیه در صفحه ۲۳

روز چهارشنبه ۲۱ خرداد، عمران روشنی مقدم کارگر میدان نفتی یادآوران به دلیل پایمال شدن مداوم حقوقش خود را کشت.

در مجموعه زیر خلاصه ۱۱۶ حرکت اعتراضی از جانب کارگران و مزدبگیران در خرداد ماه را خواهید خواند. اخبار حرکتیهای اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران در این ماه به طور جداگانه در ماهنامه نبردخلق منتشر می شود.

پنج شنبه اول خرداد

*جمعی از اهالی روستای نصرآباد در شهرستان تفت برای اعتراض به زمین خواری و بازداشت یکی از اهالی مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان پلاکاردی با مضمون «یا جلو زمین خواری را بگیرد یا به داد دل مردم برسد، یا کسانی که در این رابطه زندانی هستند را آزاد کنید» حمل می کردند. تجمع کنندگان گفتند: چهار هکتار از زمینهای مجاور گلزار شهدای نصرآباد تفت مالکیت عمومی دارد و متعلق به گلزار شهداست.

آدینه ۲ خرداد

*کارکنان و کارگران شرکت سیاحتی غار علی صدر در اعتراض به بالاترین شغلی و تعلق نگرقتن بیمه بیکاری پس از شیوع ویروس کرونا و تعطیلی این محل توریستی، دست به اعتراض زدند. به گزارش ایران کارگر، کارکنان و کارگران این مکان توریستی بیش از ۳ ماه بعد از بحران کرونا، در بالاترین شغلی کامل به سر برده و هیچ درآمدی ندارند.

آن‌ها برای تأمین امرار معاش خود و خانواده های شان در شرایط سختی به سر می برند و خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود، پرداخت حقوق مربوط به ایام تعطیلی شرکت به دلیل کرونا و حمایت مستقیم دولت شدند.

از اواخر بهمن ماه سال گذشته تا هم اکنون، به نوعی زمان پیک پذیرش گردشگر در منطقه غار علی صدر محسوب می شود؛ اما به دلیل بحران شیوع کرونا، این منطقه گردشگری و سیاحتی روزها را یکی پس از دیگری بی مسافر پشت سر گذاشت.

شنبه ۳ خرداد

*پس از قطع آب شرب منطقه غیزانیه، مردم این منطقه از کلانشهر اهواز به نشانه اعتراض جاده اصلی را مسدود کردند. نیروهای امنیتی به مردم هجوم آورده و مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند. به گزارش کاربران شبکه های اجتماعی در هجوم نیروهای سرکوبگر چندین شهروند از جمله یک کودک مجروح شدند. رادیو فردا در این مورد گزارش داد که؛ مأموران پلیس با شلیک «گلوله های ساچمه ای» تجمع در غیزانیه اهواز را که در اعتراض به قطع آب آشامیدنی برگزار شده بود بر هم زدند.

منطقه غیزانیه در ۴۵ کیلومتری اهواز قرار دارد و مردم محروم این منطقه فاقد اولیه ترین امکانات زندگی هستند.

*کارگران شهرداری اهواز در ادامه اعتراض خود تجمع کردند که مورد حمله نیروهای یگان ویژه قرار گرفتند. اقدام شهرداری اهواز مبنی بر استخدام کارگران جدید و اخراج کارگران معترض فعلی، سبب اعتراض کارگران شده است. یکی از کارگران حاضر در این تجمع به رادیو فردا گفت: «ما به جز دستمزد خود چیزی نمی خواستیم و حتی روزهای عید هم نتوانستیم برای بچه هایمان چیزی بخریم.»

حرکتیهای اعتراضی در ماه خرداد بنا به علتیهای متعددی صورت گرفت که مهمترین آن حقوق معوقه، اخراج از کار، نپرداختن سهم بیمه کارفرما، خصوصی سازی، تعرض به محیط زیست، حقایق کشاورزان، قراردادهای موقت و پایمال کردن حقوق کارگران به وسیله شرکتیهای پیمانکاری به ویژه در شهرداریها بود.

یکی از چالشهای تعداد زیادی از شهروندان ایران موضوع کم آبی، به ویژه در روستاها است. کم آبی موجب بیکاری و سقوط زندگی مردم مناطقی می شود که با این معضل روبرو هستند. خبرگزاری حکومتی مهر، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در روز شنبه ۳۱ خرداد، گزارشی پیرامون کوچ روستائیان به شهرها در استان خراسان جنوبی منتشر کرد. بر اساس این گزارش ۱۷۰۰ روستای این استان خالی از سکنه شده است. خبرگزاری حکومتی ایسنا، گزارش ویدئویی از بی آب ماندن اهالی منطقه حصیر آباد شهر اهواز منتشر کرده است. در رویدادی دیگر اعتراض به کمبود آب آشامیدنی در منطقه غیزانیه در شهر اهواز با برخورد نیروهای امنیتی رو به رو شد. در این رویداد شماری مجروح و بازداشت شدند.

در ماه گذشته موضوع آتش سوزیهای گسترده در نقاط مختلف ایران، فاجعه دیگری را برای محیط زیست کشور رقم زد. بسیاری این آتش سوزیها را مشکوک و دست حکومت به ویژه سپاه پاسداران را در آن می دیدند. اما مهمتر از این مساله ناتوانی رژیم و کارگزاران جمهوری اسلامی در حفاظت از جنگلهای، فقدان امکانات کافی برای رودرویی با آتش سوزی در جنگلها است.

در حالی که صدها هکتار از جنگلهای بلوط در کوههای زاگرس طعمه حریق شده و ثروت کلانی از مردم و کشور در آتش سوخته است، سرکرده یگان حفاظت محیط زیست اعتراف می کند که سازمان محیط زیست هلی کوپتر مجهز برای کنترل حریق در اختیار ندارد. می توان ابعاد جنایت رژیم را که میلیاردها دلار صرف آشوبگری و کمک به تروریستها می کند را از نبودن هلی کوپتر برای مبارزه با حریق دریافت.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان اعتراف کرده که «۳۰۰ هزار هکتار از عرصه های منابع طبیعی گلستان در معرض بیابانی شدن قرار گرفته است... با اعتباری که اکنون برای مقابله با بیابان زایی گلستان اختصاص می یابد، نجات ۳۰۰ هزار هکتار عرصه منابع طبیعی فعلی از بیابان شدن یک قرن به طول خواهد انجامید.» (ایرنا، ۲۸ خرداد ۹۹)



اخراج و دستگیری کارروسانی که برای به دست آوردن حقوق خود مبارزه می کنند، شیوه همیشگی رژیم است و در ماه گذشته موارد متعددی از این گونه رفتار وجود داشت که در خبرهای همین مجموعه خواهید خواند. همچنین خودکشی و جانباختن یک کارگر جوان در میدان نفتی شهرستان هویزه، لکه ننگ دیگری بر پیشانی رژیم زد.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۲

اخراج شدند و در دی ماه ۹۵ کارخانه تعطیل شد که این ظلم و بی‌عدالتی با هماهنگی ۲ دستگاه استانی و برخی مدیران صورت گرفت و با بدترین شکل و بی‌حرمتی ۱۱۵ کارگر را که در منازل سازمانی بودند بیرون کردند و صدای مسئولان در نیامد.

*اعتصاب کارگران شهرداری مناطق ۴، ۵ و ۶ اهواز برای هفتمین روز متوالی در این ماه همچنان ادامه داشت.

کارگران این مناطق از شهرداری اهواز در اعتراض به عدم رعایت اصول بهداشتی از جمله ساعات کار که در چارچوب مقابله با بیماری کووید ۱۹ سلامتی شان را به خطر می‌اندازد و پرداخت نشدن به موقع حقوق، دست از کار کشیده و از جمع آوری زباله از این سه منطقه کلانشهر اهواز خودداری کردند. به گزارش ایرنا، معاون خدمات شهری شهرداری اهواز گفت: در ۱۰ روز اخیر کارگران شهرداری مناطق ۴، ۵ و ۶ اهواز در پی درخواست برخی مطالبات از جمله کاهش ساعت کار، تاخیر در حضور در محل کار و تعیین زمان جمع آوری زباله از جمع آوری زباله این مناطق خودداری کردند.

پنجشنبه ۸ خرداد

*کارگران اخراجی شرکت توسعه گردشگری ایران در شهرستان سرعین برای بازگشت به کار دست به تجمع در فرمانداری این شهرستان در استان اردبیل زدند. به گزارش شهرخون، به دنبال این تجمع فرماندار سرعین گفت: با توجه به بازگشایی هتلها، ابدرمانی و سایر مشاغل مرتبط با گردشگری، بازگشت به کار کارگران تعدیل شده مجموعه هتل لاله و ابدرمانی سیلان، باید هر چه زودتر عملی و امنیت شغلی کارگران تضمین گردد.

*کارگران عضو تعاونی مسکن پاکدشت در استان تهران برای اعتراض به بالاترکلیفی ۱۸ ساله دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان زدند. به گزارش تسنیم، ۱۸ سال پیش کارگران شهرستان پاکدشت به امید صاحبخانه شدن هر آنچه داشتند را به حساب تعاونی مسکن کارگران واریز کردند تا شاید با خرید قطعه زمینی بتوانند خانه ای برای رفاه خانواده خود ساخته و از زیر بار پرداخت اجاره بهای سنگین رهایی یابند، غافل از اینکه پس از گذشت این همه سال همچنان درگیر تحویل زمین هستند.

شنبه ۱۰ خرداد

*کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی منطقه زاگرس و لرستان در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق، حق بیمه، بن ماه رمضان و توزیع نشدن کفش و لباس کار اعتصاب کردند. به گزارش کانال اصلی کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی در تلگرام، کارگران معترض مقابل اداره تامین اجتماعی لرستان از جمله شعبه دورود اجتماع کردند که با درگیریهایی همراه شد.

*کارگران شهرداری شاهین شهر (شرکت پیمانکاری شبنم شهر) در استان اصفهان از روز آدینه ۳۱ خرداد اعتصاب کرده و مقابل ساختمان شهرداری در میدان فاطمی این شهر تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: حدود ۲۰۰ نفر در حوزه خدمات با میانگین ۵ تا ۲۰ سال فعالیت می‌کنند که هنوز ساماندهی نشده‌اند و در لیستی که برای تامین نیرو و تبدیل وضعیت آنها ارسال شده نام هیچ کارگر با سابقه ای دیده نمی‌شود و افرادی با سابقه کم به چشم می‌خورد. روز شنبه ۱۰ خرداد، اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری شاهین شهر برای یازدهمین روز متوالی ادامه داشت.

*کارگران پتروشیمی رجال در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و سطح پایین دستمزد دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض همچنین در مورد مشکلاتی که بر سر راه اجرای قانون بدی آب و هوا و متناسب سازی دستمزدها با شرایط جغرافیایی محیط کار وجود دارد، اعتراض دارند.

*کارگزاران مخابرات روستایی خوزستان برای اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل و عدم همسان سازی حقوق و مطالبات بیمه ای مقابل اداره کل کار استان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگزاران معترض گفت: خواسته اول ما اجرای طرح طبقه بندی طبق بخشنامه تایید شده دیوان عدالت اداری و آرا گرفته شده از مراجع حل اختلافات اداره کار است. وی ادامه داد: به روز شدن تمامی معوقات بیمه همکاران با توجه به اینکه بعد از سال ۸۸ مخابرات خصوصی شده و مکلف است تمامی مبالغ بیمه سهم کارگر و کارفرما را پرداخت کند که متأسفانه خیلی از همکاران معوقات بیمه ای دارند و باید از سوی مخابرات واریز و بروز گردد.

*جمعی از بازنشستگان صندوق آینده ساز کشور به نمایندگی از بازنشستگان استانها برای اعتراض به عدم اجرای اساسنامه جدید، مقابل وزارت کار در خیابان آزادی تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بازنشستگان صندوق آینده ساز اعلام کردند: با توجه به این که از ۶ فروردین سال جاری، اساسنامه صندوق مورد بازنگری قرار گرفت و توسط رئیس جمهوری به وزیر رفاه ابلاغ شد، انتظار داشتیم که هرچه سریعتر اجرا شود. آنها افزودند: اهمیت اجرای اساسنامه این است که با قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی تنظیم شده است و اجرای سه جانبه گرای را مورد تاکید قرار داده است.

یکشنبه ۱۱ خرداد

*کارگران معدن کرومیت امین یار فاریاب در ادامه دور جدید اعتراض شان که از روز سه شنبه ۶ خرداد شروع شده، بار دیگر دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند. به گزارش راه آرمان کرمان، کارگران معدن امین یار شهرستان فاریاب به علت عدم پرداخت حقوق معوق و حق بیمه خود تجمع کردند و با دادن فرصتی مجدد به کارفرما برای پرداخت حق بیمه کارگران به اعتراضات پایان داد.

دوشنبه ۱۲ خرداد

*کارگران مقاطعه کار فاز ۳ پالایشگاه آبادان با تجمع مقابل ساختمان مرکزی پالایشگاه، به نداشتن امنیت شغلی و سطح نازل حقوق اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: حدود ۱۰۰ نفر از کارگران واحد تعمیرات و فنی فاز سه پالایشگاه آبادان را کارگران قرارداد مقاطعه کاری تشکیل می‌دهند. این کارگران به صورت مقطعی جذب و سپس بیکار می‌شوند به همین دلیل وضعیت شغلی مشخصی ندارند. این کارگران به دنبال تبدیل وضعیت وضعیت استخدامی خود هستند.

*کارگران معدن مس چهار گنبد سیرجان زیر مجموعه صندوق بازنشستگی فولاد، در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و اجرای ناقص طرح طبقه بندی مشاغل برای دومین روز متوالی اعتصاب کردند و مقابل استانداری در کرمان تجمع کردند. به گزارش راه آرمان، یکی از معترضان گفت: به دنبال عدم پرداخت حقوق ۳ ماهه کارگران، تعویق مزایای معمول کارگاه و اجرای ناقص طرح طبقه بندی، کارگران در ابتدا در محل کارگاه تجمع کرده اما به دلیل عدم عمل به وعده مسئولان، مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. یکی دیگر از کارگران این معدن گفت: در شرایط شیوع کرونا این معدن تعطیلی به خود ندید و یک سره به فعالیت خود ادامه داد و امروز هم با ۵۰ درصد نیرو در حال فعالیت است، اما ادامه بی‌اعتنایی مسئولان سبب تعطیلی معدن می‌شود.

معدن مس چهار گنبد سیرجان یکی از معادن زیر مجموعه صندوق بازنشستگی فولاد است.

*زعفران کاران تربت حیدریه در استان خراسان رضوی برای اعتراض به عدم تسویه مطالبات شان از سوی سازمان تعاون روستایی برای پنجمین روز متوالی دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان زدند. به گزارش صبح توس، رییس هیات مدیره شرکت تعاونی زعفران کاران تربت حیدریه گفت: چند روز پیش شماری از کشاورزان این شهرستان در ارتباط با پرداخت نشدن مطالبات شان جلسه ای با مدیرکل سازمان تعاون روستایی و فرماندار تربت حیدریه برگزار کردند. در این جلسه مطرح شد که حاصل دسترنج کشاورزان آذر ماه پارسال تحویل مراکز خرید شده ولی اکنون پس از گذشت ۶ ماه حدود نیمی از پول زعفران کاران پرداخت شده است.

در حال حاضر استان خراسان رضوی بیش از ۸۲ هزار هکتار اراضی زیر کشت زعفران دارد که حدود ۱۲۰ هزار خانوار به کشت این محصول مشغول هستند و از این میزان ۴۰ تا ۵۰ هزار خانوار در منطقه تربت حیدریه به این کار اشتغال دارند. بر اساس رصد کارشناسان بخش کشاورزی میزان برداشت طلای سرخ از مزارع زعفران در این استان در هر هکتار ۳٫۸ کیلوگرم است که این رقم در تربت حیدریه به ۴٫۲ کیلوگرم رسیده است.

*جمعی از اهالی روستای برخوردار بخش توابع شهرستان دلفان در استان لرستان برای اعتراض به تأثیرات منفی و پرخطر فعالیت یک معدن شن و ماسه در کوهپایه گرین واقع در ۲ کیلومتری روستای برخوردار دست به تجمع زدند. به گزارش فارس، به گفته یکی از اهالی روستای برخوردار فعالیت ۱۱ ساله این معدن شن و ماسه به دلیل انجام انفجارهای مهیب و تردد بیش از حد کامیونهای آن در جاده روستا، مشکلاتی را برای اهالی این منطقه به وجود آورده است.

مردم معترض این روستا در ادامه تجمع شان مانع از تردد کامیونهای معدن شدند و در ساعات پایانی شب مسیر اصلی جاده نورآباد به نهاوند که در حاشیه روستای برخوردار قرار دارد را مسدود کردند.

نیروهای سرکوبگر انتظامی به تجمع کنندگان یورش بردند و تعدادی از اهالی این روستا را بازداشت کردند. *کارگران تصفیه خانه آب جاسک در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماهیانه و مطالبات دیگر مقابل شرکت آب و فاضلاب و اداره کار شهرستان جاسک در استان هرمزگان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کارگران تصفیه خانه آب جاسک گفتند: برای چندمین بار برای دریافت حقوق چند ماهه خود شفاهی، کتبی، حضوری و تلفن به مسئولان ریز و درشت شهرستان و استانی پیگیری کرده اما همچنان این مشکل برطرف نشده است.

یکشنبه ۱۸ خرداد

*کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی شهرستان سنج در اعتراض به عدم پرداخت بیمه بیکاری ناشی از کرونا در مقابل اداره کل کار این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، کارگران معترض در این خصوص گفتند: «دولت بیشتر اعلام کرده بود که بیمه بیکاری سه ماه ناشی از بیماری کرونا که یک میلیون و پانصد هزار تومان است را به حساب کارگران واریز می‌کند. اما این وعده دولت عملی نشد و بابت سه ماه بیمه بیکاری فقط مبلغ پانصد هزار تومان به حساب برخی کارگران واریز کرده است. این مبلغ تنها برای پرداخت قبوض آب و برق کفایت می‌کند.»

*قصابان شهرایزه در استان خوزستان در اعتراض به پلمب کشتارگاه دام برای سومین روز متوالی مقابل شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از قصابان حاضر در این تجمع گفت: حدود ۱۰ روز است که

بقیه در صفحه ۲۴

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۳

کشتارگاه ایده پلمب شده و ما هیچ درآمدی نداشته ایم و ادامه این وضعیت به معیشت قصابان ضربه می‌زند و افزایش قیمت گوشت را موجب می‌شود.

دوشنبه ۱۹ خرداد

*شماری از سپرده گذاران طلای شادی و موسسات کاسپین، آرمان وحدت و افضل توس در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل بیدادسرای جرایم پولی و بانکی دست به تجمع و راهپیمایی زدند. به گزارش هراتا، اعتراض سپرده گذاران موسسه های مالی و اعتباری از حدود سه سال پیش آغاز شد و دولت و بانک مرکزی پرداخت مطالبات سپرده گذاران از طریق بانکهای دولتی و خصوصی را متعهد شدند. فعالیت مؤسسه کاسپین به دلیل بدهی حدود ۴ هزار میلیارد تومانی تعاونی فرشتگان با مشکل مواجه شد و بسیاری از سپرده گذاران نتوانستند حتی سپرده های خود را از این مؤسسه پس گیرند.

*کارگران شهرداری صنعتی پالایشگاه آبادان برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی شان، اعتصاب کرده و مقابل ورودی این پالایشگاه تجمع کردند. به گزارش هراتا، کارگران معترض گفتند: «متأسفانه عیدی و سنوات سال قبل و تعدیل حقوق امسال را دریافت نکرده ایم، علاوه بر این با پایان قرارداد قبلی، کارفرما اقدام به تنظیم قرار داد جدیدی کرده که در آن حداقل‌های تعیین شده از سوی وزارت کار نیز رعایت نشده است.»

سه شنبه ۲۰ خرداد

*تعدادی از کشاورزان غرب اصفهان از جمله شهرستانهای فلاورجان، لنجان، خمینی شهر و نجف آباد با برپایی تجمع مقابل استانداری به بسته شدن خروجی سد زاینده رود و کاهش حجم آب رودخانه و عدم تخصیص آب کافی، اعتراض کردند. تجمع کنندگان به خبرنگار ایرنا گفتند: خواسته ما جاری شدن مجدد آب زاینده رود برای ادامه کشت بهاره است و از مسئولان استان اصفهان می‌خواهیم که نسبت به رهاسازی حقایق قانونی کشاورزان غرب که بر اساس طومار شیخ بهایی است، اقدام کنند.

یادآوری می‌شود که زاینده رود به طول بیش از ۴۰۰ کیلومتر به‌عنوان بزرگترین رودخانه منطقه مرکزی ایران از کوههای زاگرس مرکزی سرچشمه می‌گیرد و در نهایت به تالاب بین‌المللی گاوخونی در شرق اصفهان می‌ریزد. این رودخانه در دهه های اخیر به دلیل سیاستهای ضدسرمدی حاکمیت با خشکی مواجه می‌شود که این موضوع مشکلات بسیاری را برای بخشهای آشامیدنی، صنعت، کشاورزی، گردشگری و محیط زیست به وجود آورده است.

چهارشنبه ۲۱ خرداد

*برخی از کارکنان شرکتی مخابرات آذربایجان شرقی در اعتراض به شرایط شغلی خود برای دومین روز متوالی مقابل مقابل ساختمان مرکزی مخابرات استان در کلاشهر تبریز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: «حدود چهار ده نفر از همکاران ما بعد از پیگیری بابت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، از کار بیگار شده اند و ما خواستار بازگشت به کار آنها هستیم. در عین حال درخواست داریم تبعیض میان کارکنان شرکتی و رسمی مخابرات برچیده شود.»

چهارشنبه ۲۱ خرداد

*برای سومین بار در ماه جاری، کارگران اخراجی بخش صنعت و تعمیر و نگهداری مجتمع کشت و صنعت

نیشکر هفت تپه در اعتراض به بیکاری دست به تجمع مقابل ساختمان مدیریت شرکت زند و خواهان بازگشت به کار شدند. به گزارش ایلنا، از اول خرداد ماه ۹۹، قرارداد شغلی این کارگران که تعدادشان به حدود ۷۰ نفر می‌رسد، با سوابق ۲ تا ۳ سال همزمان با فصل بهره برداری، فسخ شده است. معترضان گفتند: کار هر یک از ما به عنوان یک کارگر ماهر فنی، جوشکار و تعمیرکار از آن جهت حائز اهمیت است که واحد تعمیرات کارخانه نیشکر هفت تپه به کار و تخصص ما کارگران فنی برای انجام تعمیر ماشین آلات و تجهیزات کارخانه نیازمند است.

*تعدادی از دست فروشان آبادان برای اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی به دنبال ممنوعیت دستفروشی در خیابان یکم احمد آباد، معروف به لین یک، دست به تجمع و راهپیمایی در این خیابان شهر آبادان زدند. به گزارش صدا و سیما، تجمع کنندگان دست نوشته هایی را حمل می‌کردند که بر روی آنها نوشته شده بود: «دست فروشی جرم نیست شغل ماست»/ «گناه ما جوانان بیکار چیست؟»/ «کار نمی‌دهید کار ما را نگیرید»/ «باید از ما دست فروشان حمایت کرد نه حذف»

*گوجه کاران شهرستان گچساران در اعتراض به وضعیت بازار و قیمت پایین فروش محصول شان و شرایط سخت خود پس از ۴ ماه زحمت شبانه روزی تجمع کردند. به گزارش تسنیم از یاسوج، این گوجه کاران روزگار سختی را پشت سر می‌گذارند تا جایی که از کرده خود پشیمان هستند. قیمت پایین گوجه در بازار، باعث شده که گوجه کاران، تمایلی به برداشت محصول شان نداشته باشند و بخش زیادی از محصول خود را در مزرعه به حال خود رها کرده تا مورد استفاده دامها قرار گیرد و بر بدهیهای خود که به امید روز برداشت بر جای مانده، غصه بخورند.

*جمعی از کسبه مجتمع تجاری زیتون بندرعباس نسبت به بلاتکلیفی معیشتی به دنبال تعطیلی محل کارشان مقابل فرمانداری اجتماع کردند. به گزارش ایرنا، مجتمع تجاری زیتون بندرعباس به علت «رعایت نکردن الزامهای بهداشتی کرونا» از سوی تیمهای نظارتی مرکز بهداشت پلمب شد. مدیریت این مجتمع بدون اطلاع و هماهنگی با مرکز بهداشت، اقدام به فک پلمب و بازگشایی این مجتمع کرده است.

پنجشنبه ۲۲ خرداد

*اعتصاب کارگران شرکت نظم آفرینان ایمان در میدان نفتی شهرستان هویزه در اعتراض به تحمیل قرارداد جدید، یک هفته را پشت سر گذاشت. به گزارش نفت آنلاین، به دنبال خودکشی روز چهارشنبه ۲۱ خرداد یک کارگر این مجموعه، اعتراض کارگران این میدان نفتی نسبت به پایداری حقوق شان ابعاد جدیدی پیدا کرد. یکی از کارگران معترض گفت: هرساله کارگران اوایل سال نسبت به افزایش حقوق، دست به اعتراض می‌زدند که سال جاری با ارائه قراردادی جدید دهنها به سمت این قرارداد منحرف شد. وی اضافه کرد: شکایتهایی را به فرمانداری هویزه و اداره کار این شهرستان ارائه کردیم که به جوابی نرسیدیم.

*کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز در محل برگزاری شورای اداری استان فارس تجمع کردند. به گزارش مهر، بازنشستگان مخابرات راه دور خواهان پرداخت مطالبات خود پس از ۱۴ سال و عزل اعضای هیأت اجرایی کنونی مخابرات راه دور نیز شدند.

شنبه ۲۴ خرداد

*کارگران شرکتی مخابرات استان فارس برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تبعیض در پرداخت حقوق و اخراج همکاران خود مقابل ساختمان مرکزی مخابرات استان در شیراز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و بازگشت به کار همکاران شان که پس از

پیگیری برای اجرای طرح طبقه بندی از کار اخراج شده اند، شدند.

*گروهی از کسبه صنف بازیهای رایانه ای و خانه های بازی کرمان در اعتراض به تعطیلی ادامه دار این اصناف به دلیل شیوع ویروس کرونا، برای دومین بار مقابل ساختمان استانداری کرمان تجمع کردند. به گزارش راه آرمان، نماینده کسبه معترض گفت: تعداد زیادی از واحدهای صنفی ما به دلیل ادامه دار شدن تعطیلات برای همیشه تعطیل شدند و متأسفانه برخی مسئولان در تلاش هستند تا مابقی واحدها را نیز تعطیل کنند.

یکشنبه ۲۵ خرداد

*کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق باردیگر مقابل شهرداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، کارگران علاوه بر استرس مبتلا شدن به ویروس کرونا با توجه به شرایط شغلی شان، جیبهای خالی شان و چشمان منتظر خانواده های شان نیز دردی مضاف بر دردهای همواره همراه شان گشته، کارگرانی که با دستهای پینه بسته و پیشانیهای چروک نشسته، نظامت شهر مدیون صوری و تلاش شان است.

دوشنبه ۲۶ خرداد

*کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس از اسلامشهر راهی تهران شدند و در اعتراض به خصوصی سازی این شرکت و نداشتن امنیت شغلی مقابل سازمان خصوصی سازی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده با یادآوری این که پیش از ورود بخش خصوصی، شرکت حمل و نقل خلیج فارس تحت مدیریت مجموعه های وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار داشت، گفتند: از زمانی که وزارت بازرگانی سابق سهام خود را به بخش خصوصی واگذار کرد، مدیریت با افول ثبت سفارش مواجه و در نتیجه مشکل کارکنان شروع شد.

شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس، ۱۲۸۶ نفر نیروی کار دارد که در ۴۳ شعبه و نمایندگی سراسر کشور مشغول به کار هستند. از این تعداد حدود ۴۰۰ نفر در دفتر مرکزی در منطقه اسلامشهر تهران فعال هستند.

دوشنبه ۲۶ خرداد

*کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۲ اهواز (شرکت پیمانکاری انبار سحر خوزستان) برای اعتراض به اخراج از کار مقابل ساختمان شهرداری اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران با سابقه کاری ۲ تا ۹ سال بدون هیچ دلیلی از کار اخراج شدند.

*کارگران تلمبه خانه غرب کارون (شرکت رامپکو) واقع در جنوب غربی اهواز، زیرمجموعه شرکت مهندسی توسعه نفت (متن) برای اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: حدود هفت ماه حقوق معوقه داریم و سه ماه هیچ حقوقی به کارگران که نزدیک به ۸۰ نفر هستند پرداخت نشده است.

*کارکنان مراکز جامع خدمات سلامت شهرهای استان خوزستان برای اعتراض به اخراج از کار و عدم پرداخت ۶ ماه حقوق، مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار شدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارکنان معترض این مراکز گفت: سال ۹۴ حدود ۶۰ نفر از طریق آزمون طرح تحول نظام سلامت به استخدام علوم پزشکی درآمده و در مراکز جامع خدمات سلامت استان به عنوان مدیر اجرایی مشغول به کار شدند. وی با بیان اینکه در آغاز ۶۰ نفر به استخدام درآمدند و به تدریج ۲۵ نفر از ما تعدیل شدند، اضافه کرد: در سال ۹۷ نیز اقدام به تعدیل مابقی نیروها کردند که با پیگیری شورای تأمین استان مجدداً یک سال دیگر به کار گرفته شدیم.

بقیه در صفحه ۲۵

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

*کارگران قراردادی شرکت آب و فاضلاب روستایی خوزستان برای اعتراض به بالاترین شغلی مقابل ساختمان این شرکت در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: پس از ادغام آبفا و آبفای خوزستان مشخص نیست تکلیف نیروهای قراردادی شرکت آبفا که تعداد آنها ۶۳۲ نفر است چه خواهد شد و ما خواستار تعیین تکلیف وضعیت کاری خود هستیم.

*کارگران فضای سبز شهرداری خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۱۱ ماهه خود مقابل فرمانداری خرم آباد تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: ۱۱ ماه است که حقوق نگرفته ایم دستمان را جلو چه کسی باید دراز کنیم؟ ما قربانی وعده‌های شهرداری و پیمانکاران شده ایم، وقتی با دست خالی که حتی قدرت خرید نان را ندارم مجبور می‌شوم به خانه برم فقط دعا می‌کنم دختر و پسر که سنی هم ندارند خواب باشند و دست خالی من را ببینند.

سه‌شنبه ۲۷ خرداد

*نیروهای طرحی آبفا روستایی خوزستان در اعتراض به عدم دریافت دستمزد پنج ماه گذشته و سنوات سالیانه از سال ۹۵ مقابل شرکت آبفا روستایی در اهواز تجمع کرده و جاده مقابل شرکت آبفا را بستند. به گزارش فارس، قائم مقام شرکت آبفا خوزستان در این باره گفت: از آنجایی که پرداخت حقوق کارکنان طرحی از محل اعتبارات عمرانی انجام می‌شود، اگر سازمان برنامه بودجه در اسرع وقت به ما تخصیصی برای پرداخت حقوق ندهد احتمال رخ دادن هر بحرانی از لحاظ قطعی آب، چالشهای اجتماعی و... وجود دارد.

*تعدادی از تاکسیداران سبزوار اعتصاب کرده و مقابل شورای قلابی شهر و فرمانداری این شهرستان در استان خراسان رضوی تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از تاکسیداران معترض گفت: با وجود مصوبه افزایش کرایه ناوگان بار و مسافر در شورای شهر سبزوار، تاکنون این مصوبه برای تصمیم گیری نهایی به هیات تطبیق فرمانداری شهرستان ارسال نشده است.

چهارشنبه ۲۸ خرداد

*کارگران راه آهن ناحیه زاگرس در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، حق بیمه و اجرایی نشدن تجمیع قراردادهای، برای دومین روز متوالی دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان اداره راه آهن این ناحیه در اندیمشک تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل برپایی این اعتراض چند ساعته بی تفاوتی کارفرما و مسئولان راه آهن در قبال درخواست کارگران برای حذف بخش خصوصی و پرداخت مطالبات مزدی کارگران است.

شنبه ۳۱ خرداد

*کارگران کارخانه کاشی اصفهان برای اعتراض به ماهها مطالبات پرداخت نشده مقابل درب ورودی این واحد تولیدی واقع در کیلومتر ۱۸ جاده اصفهان - نجف آباد تجمع کردند و راه رفت و آمد را مسدود کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: از زمان خصوصی سازی این شرکت مشکلات ما نیز آغاز شد. چندین سال است که فقط مدیریتها عوض می‌شود اما تفاوت چندانی در احقاق حق کارگر نمی‌شود.

*کارگران شرکت آب و فاضلاب روستایی خوزستان (آبفا) باردیگر در اعتراض به بالاترین شغلی مقابل شرکت آبفا تجمع کرده و دو درب ورود و خروج به ساختمان را بستند. به گزارش ایلنا، یکی از تجمع کنندگان که مدرک دکترا دارد گفت: از بهمن ماه سال

گذشته تاکنون هیچ پرداختی به نیروهای طرحی انجام نشده است.

*اهالی روستای عباس آباد در شهرستان نهاوند برای اعتراض به قطعی آب مقابل استانداری همدان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از تجمع کنندگان گفت: ما اهل روستای عباس آباد و کارگر و دامدار هستیم که از شرایط مالی مناسبی برخوردار نیستیم. در این روستا مرتعی داریم که از سال ۷۵ سندشان به نام روستای عباس آباد به ثبت رسیده است.

*جمعی از حواله داران شرکت آذوبکو (آذربایجان خودرو) در اعتراض به عدم دریافت ۶ هزار خودرو پیش خرید شده پس از ۲ سال، برای سومین بار طی ماه خرداد دست به تجمع مقابل استانداری آذربایجان شرقی زدند. به گزارش گادتب، شرکت آذوبکو چندی پیش به دریافت بیش از ۲۰۰ میلیون دلار ارز دولتی و عدم بازگردان آن به حساب خزانه دولت و همچنین کلاهبرداری از ۵ هزار مشتری با پیش فروش صوری خودرو MG ۳۶۰ متهم شده بود.

این شرکت تاکنون به تعهدات خود در قبال بیش از ۵ هزار مشتری که برای دریافت خودرو ثبت نام کرده و وجه آن را به طور کامل پرداخت کرده اند، عمل نکرده است.

*جمعی از صاحبان نانواپیه‌های یاسوج مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از نانوایان معترض گفت: قیمت نان پایین است و مدتی است که خواستار افزایش قیمت نان هستیم در حالی که آرد را از شیراز تامین می‌کنیم، وی در پاسخ به این سوال که مردم از کیفیت پایین نان به شدت گلایه دارند، افزود: کیفیت پایین نان به دلیل آرد آن است. آرد کارخانه یاسوج بی کیفیت است به همین دلیل کیفیت نان مورد انتقاد مردم است.

*جمعی از کشاورزان بخش جلگه اصفهان در اعتراض به عدم دریافت حقه‌های خود، دست به تجمع زدند. به گزارش ایمناء، مسئولان مربوطه در پی تجمع کشاورزان خروجی سد رود شتین را بستند و کشاورزان تاکنون از دریافت حقه‌های خود محروم هستند.

*کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، برای هفتمین روز متوالی مقابل ساختمان مدیریت شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض این مجتمع پس از تجمع، راهی شهرستان شوش شدند و مقابل فرمانداری تجمع کردند. دور جدید اعتراض کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه از روز یکشنبه ۲۵ خرداد شروع شد.



یکی از کارگران گفت: معترضان همانند روزهای گذشته در محوطه مجتمع جمع شده و منتظر عملی شدن وعده‌های داده شده در خصوص مطالبات شان هستند. کارگران خواهان مشخص شدن وضعیت پرداخت مطالبات معوقه و امنیت شغلی خود هستند.

اخبار کوتاه بر اساس گزارشهای منتشر شده

در شبکه های اجتماعی

پنج شنبه اول خرداد: دومین روز تجمع کارگران خدمات شهری شهرداری بندر امام (کارگران شرکت پیمانکاری) مقابل شهرداری و فرمانداری ماهشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق، کارگران اخراجی بخش صنعت، تعمیر و نگهداری مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای اعتراض به بیکاری مقابل ساختمان مدیریت شرکت تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. تجمع کارگران سازمان پسماند شهرداری بجنورد برای اعتراض به قراردادهای یک ساله مقابل ساختمان شهرداری و شورای فرمایشی شهر.

یکشنبه ۴ خرداد: مردم منطقه «چومه سید علوان»، از توابع بخش مرکزی شهرستان شادگان در خوزستان، در اعتراض به قطعی برق این منطقه در مقابل اداره برق چومه تجمع کردند.

دوشنبه ۵ خرداد: اهالی غیزانیه در ادامه اعتراض به نداشتن آب شرب مقابل ایستگاه تقویت فشار آب تجمع کردند. در حالی که پس از تجمع روز شنبه ۳ خرداد، شرکت آب و فاضلاب خوزستان وعده داد که ۱۲ تانکر برای آبرسانی به این بخش اضافه خواهد کرد، در عمل خبری از تانکرهای آب نشده است.

سه شنبه ۶ خرداد: تجمع کارگران فصلی اخراجی مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه مقابل ساختمان مدیریت شرکت. کارگران معترض خواهان پایان دادن به بالاترین شغلی و بازگشت به کار شدند.

چهارشنبه ۷ خرداد: تجمع جمعی از کارکنان شرکت آریا روش جفیر در اهواز در محوطه این شرکت. کارگران معترض دلیل تجمع خود را پرداخت نشدن مطالبات شان عنوان کردند. شماری از دامداران یرد با تجمع مقابل ساختمان استانداری خواستار بازنگری در وضعیت توزیع نهاده‌ها، قیمت گوشت و شیر تولیدی خود شدند. تجمع گروهی از کارگران شهرداری باسمنج در استان آذربایجان شرقی مقابل ساختمان شهرداری این شهر. علت این تجمع، عدم دریافت مطالبات مزدی کارگران است. کارگران پلی‌اکریل و «دم ای تی» اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود به طور جداگانه در محل کار خود اقدام به برگزاری تجمع کردند. کارگران شاغل این دو شرکت در خصوص تجمع خود گفتند: از سال ۹۵ و ۹۶ موققات مزدی آنها پرداخت نشده است. در عین حال، عیدی سال ۹۸ را هم کامل نگرفته اند.

شنبه ۱۰ خرداد: تجمع جمعی از صاحبان زمینهای «پرواز» واقع در پشت پارک جنگلی شهرستان ارومیه. صاحبان این زمینها بعد از گذشت ۲۰ سال همچنان منتظر وارد شدن زمینهای خود به محدوده ساخت و ساز شهری هستند. ساکنان روستای جفیر از توابع بخش حویزه واقع در شهرستان دشت آزادگان در استان خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند. دلیل این تجمع، قطعی آب در این مناطق است. گروهی از رانندگان ناوگان اتوبوسرانی تهران در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی خود تجمع کردند. حقوق این رانندگان دستکم پنج ماه پرداخت نشده و آنان توانایی تامین هزینه‌های زندگی خود را ندارند.

یکشنبه ۱۱ خرداد: تجمع کارگران ایستگاههای «بی آر تی» شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه (متصدیان کارت بلیت ایستگاهها) برای اعتراض به استفاده اجباری از مرخصی بدون حقوق، کارگران بازنشسته کارخانه سیمان خوزستان واقع در دشت دنا، ۲۲ کیلومتری جاده رامهرمز به هفتگل، برای اعتراض به عدم پرداخت حق بهره‌وری عساله، مقابل اداره کل بازرسی استان خوزستان واقع در منطقه کیان پارس کلانشهر اهواز تجمع کردند.

بقیه در صفحه ۲۶

ریشه اعتماد بنفیس طبری در دادگاه

منصور امان

این روزها جلال پیشین اوین و رییس کُتونی قوه قضاییه مَلاها در شرایط دشواری بسر می برد. وی از یکطرف ماموریت دارد در چارچوب رقابت باندهای درونی حاکمیت، گروه قدرت لاریجانی در دستگاه قضایی را به وسیله افشای فساد مالی آنها پاکسازی کند و از طرف دیگر، باید تلاش کند چهره زشت و کرم خورده ای که آشکار کرده را زیبا و سالم جلوه بدهد.

آقای رئیسی در این راستا به گونه منظم پس از هر پرده دری در دستگاه قضایی، با طشت و گل-ماله برای لکه گیری به پیش می شتابد، بدون آنکه به گونه واقعی بتواند درزی را ببوشاند یا سیاه داغی را سفید جلوه دهد. بهترین تلاش او از جنس آنچه است که روز پنجشنبه از خود به خرج داد: "ما یک درصد در مجموعه قضایی تخلف داریم که یک درصد زیاد است."

پارادوکس اداری این پایور بخت برگشته آنجا بیشتر آشکار می شود که لیست "یک درصدیهای" او دربرگیرنده مقامهای ارشد قوه قضاییه و گردانندگان آن است؛ کسانی که در سیاستگذاری، مدیریت و تعیین اولویتهای این ارگان نقش محوری داشته اند و برخی از آنها مانند آقای طبری در جایگاه معاون آن به مدت بیست سال بدون وقفه به انجام خدمات ویژه به کیسه اربابان، خویشترن و دوستان مشغول بوده اند. رتبه های تعیین کننده و سابقه سنگین این دسته، وزن و سهم فساد در دستگاه قضایی مَلاها را نیز به سطح غالب و تعیین کننده ارتقا داده است؛ واقعیتی که رقم تراشی آقای رئیسی نمی تواند آن را ناچیز جلوه دهد.

جالب اینجاست که قاضی مرگ، ابراهیم رئیسی، در حالی در خیمه شب بازی "ضد فساد" نقش پهلوان پنبه را عهده دار شده که خود برای ده سال همکار آقای طبری و همچون او معاون دو رییس قوه قضاییه (شاهرودی و صادق لاریجانی) بوده است. او که در تمام طول این مدت در بالاترین رده های دستگاه قضایی لنگر انداخته بود و در این جایگاه به محرمانه ترین روندها و پرونده ها دسترسی داشته، امروز وانمود می کند که غافلگیر شده و اسم آقای طبری را برای اولین بار است که می شنود.

بی تردید یک خاستگاه رفتار تهاجمی و اعتماد به نفس آقای طبری در دادگاه، تکیه به شراکت امثال آقای رئیسی و بلندپایگی دیگر در جرمهایی است که به او نسبت داده می شود. منابع حکومتی به این کار چاق کن "مخزن اسرار" لقب داده اند و او اطمینان دارد که آنچه در مخزن دارد و دربرگیرنده جزئیات انفجاری از مناسبات درونی و عملکرد "دستگاه قضا" است، می تواند جان و مالش را تضمین کند.

او برای اعمالش کارکرد جداگانه و منحصر به فردی قائل نیست و براین اساس اتهامات را "پرونده سازی و افترا" می داند. او خود را جداکتر مهره ای فعال و همه فن حریف در سیستم متعارف چرخش امور می داند که در کنار دیگر عوامل آن و به کمک آنها "مجموعه" را در حرکت نگه می داشته است. اگر به روند صدور یک حکم سفارشی و خریداری شده و عواملی که در آن نقش دارند نگاهی افکنده شود، می بایست در این نقطه به آقای طبری حق داد.

لشکری از قضا، دادستانها، دادیارها، بازپرسها و وکلا احکام را به نفع خریدار شکل می دهند، بانکها، موسسات مالی و بنگاه های اقتصادی نقل و انتقال مبالغ ردوبدل شده و پولشویی را سازمان می دهند. تمامی این روند به صورت سیاسی و امنیتی پشتیبانی می شود (برای مثال از طریق مادام العمر کردن معاونت آقای طبری یا پیگرد بیرحمانه منتقدان و افشاگران). همزمان رییس مستقیم آقایان شاهرودی و لاریجانی، یعنی "مقام معظم" آنها، دست گماشتگان خود را در ازای شراکتی که بهره عمده اش برای او سیاسی و ساختاری ست، باز می گذارد.

دادگاه آقای طبری به خوبی نشان می دهد که جراحی گروه قدرت لاریجانیها و تضعیف جناح میانه حکومت، نه دور کردن یک عده خارجی، بلکه قطع عضو است و هزینه آن بسیار سنگین تر از آن چه است که اربابان قاضی رئیسی پنداشته بودند.

فراسوی خبر... شنبه ۲۴ خرداد

گزارش آنتونیو گوتروش پارامتر جدید برای تحریم تسلیحاتی رژیم

زینت میرهاشمی

گزارش آنتونیو گوتروش، دبیر کل سازمان ملل، آنگونه که تا روز پنجشنبه ۲۲ خرداد از طریق خبرگزاری رویترز منتشر شده، می تواند یک سند جدی برای موفقیت قطعنامه تمدید تحریم تسلیحاتی رژیم باشد. اهمیت گزارش دبیر کل مبنی بر «منشاء ایرانی» موشکهایی که در روز شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۸ (۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹) تاسیسات نفتی آرامکو را هدف قرار داد، در این است که نه از طرف یک نهاد و یا یک کشور بلکه از طرف ارگانی است که می تواند سرنوشته تمدید تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی را رقم زند.

وقتی انصارالله مسئولیت عملیات تهاجم به تاسیسات نفتی آرامکو را به عهده گرفت، بر نشانه گیری مسئولیت به سوی رژیم ولایت فقیه، تغییری به وجود نیاورد. ایجاد تنش و تولید بحران در منطقه یکی از شیوه های شناخته شده رژیم در هنگام خفگی زیر فشار است. پس از این عملیات ماجراجویانه، شور و شعف خامنه ای که از زبان نمازجمعه خوانانش در روز آدینه ۲۹ شهریور سال گذشته بیان شد، تأییدی بر ارسال کارت دعوت به جنگی بود که صورت نخواهد گرفت.

پاسدار یحیی رحیم صفوی، در نماز جمعه ۲۹ شهریور ۹۸ تهران گفت: «امریکیها اگر به فکر توطئه باشند، از مدیترانه تا دریای سرخ و اقیانوس هند به آنها پاسخ خواهیم داد». هاشم حسینی بوشهری، امام جمعه قم گفت: «آن روزی که مسئولان ما اعلام کردند که اگر نفت ما صادر نشود، هیچ نفتی از خلیج فارس صادر نخواهد شد، آنها خیال می کردند ما تنگه هرمز را می بندیم». وی اضافه کرد: «لازم نیست ما تنگه هرمز را ببندیم؛ امروز جبهه مقاومت به این بلوغ رسیده که چگونه ضربه بر شما وارد کند و دیدید که ضربه وارد کردند».

حسین دهقان، مشاور نظامی خامنه ای بعد از موشک باران آرامکو گفت: «امریکا و عربستان در آرامکو دچار سردرگمی شده اند. بازی کردن با دم شیر خطر جدی دارد ... امنیت خلیج فارس برعهده ایران است». اینها بخشهایی از پیامهای تهدیدآمیز و جنگ طلبانه پایوران رژیم همراه با راهزنی و کشتی دزدی دریایی بود که دست داشتن رژیم در آن عملیات را تأیید می کرد.

گزارش دبیر کل سازمان ملل به اضافه گزارش آژانس بین المللی انرژی هسته ای در شورای حکام در روز پنجشنبه ۲۲ خرداد، پیرامون کارشنکتهای رژیم در مسائل هسته ای و نقض تعهدات هسته ای، پارامترهای مهمی هستند که بر تمدید تحریم تسلیحاتی حکومت ایران صحنه خواهند گذاشت. بیانیه تکذیبی وزارت خارجه رژیم، تأثیری بر رفع اتهام نقض قطعنامه ۲۲۳۱ نخواهد داشت.

به نظر می رسد که ارزیابی ولی فقیه برای داشتن یک برگ برنده در عملیات حمله به تاسیسات آرامکو غلط بود و اکنون این احتمال وجود دارد که قطعنامه ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل با عدم ووت روسیه و چین به تصویب برسد.

فراسوی خبر ... یکشنبه ۲۵ خرداد

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

دوشنبه ۱۲ خرداد: گروهی از فعالان محیط زیست گچساران در اعتراض به نبود امکانات اطفای حریق و عدم اقدام به موقع مسئولان برای خاموش کردن آتش سوزیهای گسترده در جنگلهای زاگرس مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

سه شنبه ۱۳ خرداد: تجمع کارگران شهرداری کوه عبدالله مقابل ساختمان استانداری خوزستان. کارگران شهرداری این شهر به عدم دریافت مطالبات مزدی به مدت سه ماه اعتراض کردند. تعدادی از غرفه داران مترو تهران در مقابل «شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه دست به تجمع زدند. این شهروندان که با توجه به کاهش چشمگیر تردد مسافران پس از شیوع کرونا، قادر به پرداخت اجاره های خود نیستند، خواستار حمایت و توجه مسئولان به وضعیت معیشتی خود شدند.

شنبه ۱۷ خرداد: گروهی از فعالان محیط زیستی مشهد در اعتراض به ادامه پروژه کمربند جنوبی در ارتفاعات جنوبی این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. دلیل تجمع این فعالان محیط زیست، اعتراض به ادامه پروژه کمربند جنوبی شهر مشهد است. جمعی از اهالی روستای رزجرد واقع در استان قزوین در اعتراض به تخریب کوهها و ساخت و ساز در منطقه پشترازا و راهبند دست به تجمع اعتراضی زدند. **دوشنبه ۱۹ خرداد:** برخی از خریداران خودروهای ثبت نامی از شرکتهای «ریگان خودرو» و «شهر خودرو» مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کردند. معترضان با سردادن شعارهایی از جمله «حرف به ما تحویل نده، ماشین و تحویل بده» خواستار تحویل گرفتن خودروهای ثبت نامی خود شدند.

سه شنبه ۲۰ خرداد: مالکان و سرمایه گذاران پروژه شهر آفتاب کیش با تجمع در مقابل سازمان منطقه آزاد خواستار تعیین تکلیف این پروژه شدند.

آدینه ۲۳ خرداد: اهالی روستای غوری شهرستان نی ریز در استان فارس، مانع از تداوم کار اکتشاف و معدنکاوی در منطقه حفاظت شده بهرام گور شدند. تجمع معترضان با دخالت نیروهای انتظامی همراه شد. جمعی از کشاورزان خوزستان در اعتراض به عملکرد رئیس سابق این سازمان جهاد کشاورزی مقابل ساختمان این سازمان در استان خوزستان تجمع کردند. اهالی منطقه ارمناک سفلی از توابع بخش مرکزی شهرستان میندوآب در استان آذربایجان غربی در اعتراض به انتشار بوی نامطبوع از کشتارگاه سیمین بال و وضعیت نامناسب آن، مقابل کشتارگاه تجمع کردند.

یکشنبه ۲۵ خرداد: تعدادی از لنجداران شهرستان دیر در اعتراض به جلوگیری از تخلیه و خروج شناورها از بندر این شهر تجمع کردند. شهرستان دیر یکی از شهرستانهای استان بوشهر است که در ساحل خلیج فارس قرار دارد. تجمع کارگران شاغل در شهرداری کارون واقع در استان خوزستان، در اعتراض به عدم پرداخت ماهها دستمزدشان مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند.

دوشنبه ۲۶ خرداد: جمعی از مالکان یک مجتمع مسکونی برای اعتراض به تخلف در ساخت و ساز واحدهای مسکونی مقابل شهرداری تهران تجمع کردند.

پنجشنبه ۲۹ خرداد: کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران برای همبستگی با یکی از کارگران اخراج شده این واحد تولیدی اعتصاب کرده و مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند.

برخی از بیانیه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» (خرداد ۹۹)

میدان تحصن بابل به منظور تست کردن این خط شروع شد را به شکست کشاندند، از این رو ما عشایر شریف بابل را برای ادامه حمایت از فرزندان شان و موضعگیری قاطع که شایسته تاریخ و چهره آنان است، فرا می خوانیم و مسئولیت مستقیم افزایش این اعمال خطیر را متوجه کاظمی و دولت آن و وزیر کشور و دفاع می دانیم خواهان استعفا استاندار بابل و مدیر پلیس آن به دلیل شرکت مستقیم در این جنایت شنیع و ایجاد تسهیلات برای شبه نظامیان عصاب در هدف قرار دادن تظاهرکنندگان، هستیم.

این کمیته از تمامی تظاهرکنندگان در میدانهای بیخاسته خواهان احتیاط و هوشیاری و افزایش فعالیت‌های شان برای محکوم کردن جنایت حله است و روی آمادگی مردم عراق برای تظاهرات میلیونی رهایی در تاریخ ۱۰ تیر ۹۹ در استمرار صدمین سالگرد انقلاب ۱۹۲۰ برای رهایی از احزاب فاسد و شبه نظامیان آن تاکید می کنیم.

گروههای مسلح غیر مسئول، قصد توهین به انقلابیون را دارند

پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۹ - ۱۱ ژوئن ۲۰۲۰ در شبکه های اجتماعی تعدادی کلیپ مصور توسط افرادی که گروه «مخیم رفحاء» را نمایندگی می کنند، پخش شده است. آنها مدعی تظاهرات در میدان تحریر و میدانهای تظاهرات در استانهای مختلف هستند. همچنین به طور علنی دعوت به بکارگیری سلاح می کنند. هدف آنها فریب افکار عمومی است تا این طور القاء کنند که متحصنان صلحجو کسانی هستند که سلاح استفاده می کنند تا بهانه‌ای بدست آرگانهای امنیتی علیه انقلابیون اکتبر و سرکوب آنها بدهند. کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر تاکید می کند که آنها هیچ ارتباطی با این گونه دعوتها و خواسته های مغرضانه ندارند و کماکان انقلابیون، متعهد به انقلاب مسالمت آمیز و تظاهرات صلحجویانه هستند و آنها در این کارزار مشکوک که توسط طرفهایی که شبه نظامیان جنایتکار و فراکسیونهای سیاسی فاسد مورد حمایت رژیم ایران را نمایندگی می کنند، نقشی نخواهند داشت. این افراد

با این اعمال شان که در خدمت به منافع اربابان شان در قم و تهران است، سرنوشت کشور را به بازی می گیرند. همچنین این کمیته، تمامی افراد ذریع با این گونه دعوتها را از عواقب برخورد با متحصنان صلحجو برحذر می دارد و نسبت به هدف آنها که ایجاد درگیری و آشوب است، هشدار می دهد و این گونه اعمال را قاطعانه مردود می شمرد.

شکوه و جاودانگی از آن شهدای انقلاب اکتبر .. پهوبدی عاجل برای مجروحین مان و آزادی ناپدید شدگان اجباری از زندان های شبه نظامیان. / کمیته برگزاری تظاهرات

همچنین کمیته برگزاری تظاهرات خطاب به تمامی مردم عراق تاکید می کند که تظاهرات میلیونی رهایی از سوی فعالان و انقلابیون، طراحی و سازماندهی و هماهنگ شده است و در زمان تعیین شده آن در ۱۰ تیر ۹۹ (۳۰ ژوئن ۲۰۲۰) که صدمین سالگرد ثوره العشرین است، برگزار خواهد شد. انقلابی که نیاکان ما، هویت ملی و درزیر چتر آن تمامی هویت‌های فرعی برای تقویت ساختن یک دولت دارای حاکمیت و ثبات و شهروندی و همزیستی مسالمت آمیز را به ما برگرداندند.

هدف قرار گرفتن تظاهرکنندگان بابل توسط تروریسم دولتی

شماره: ۲۵۲، چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۹ - ۳ ژوئن ۲۰۲۰ بسم الله الرحمن الرحيم - دولت کاظمی اقدامات فزاینده خطرناکی را علیه تظاهرکنندگان در استان بابل در پیش گرفت. این اقدامات شامل بکارگیری تروریسم علیه تظاهرکنندگان توسط نیروهای نظامی او و شبه نظامیان جنایتکار است. شبه نظامیان عصاب وابسته به قیس الخزعلی یا خودروهایی نظامی به خانه های فعالان و در صدر آنها دکتر ضرغام ماجد و فعال مدنی، معتز الحسینی و تعدادی دیگر از تظاهرکنندگان صلحجو در زمان منع کامل تردد، حمله کردند. آنها دریک طرح تبهکارانه قصد ربودن و ترور آنها را داشتند ولی اهالی قهرمان به مقابله با این عمل رذیلتانه پرداختند و آنرا به شکست کشاندند. شب ۱۳ خرداد ۹۹، نیروهای نظامی با خودروهایی نظامی به میدان تحصن شهر حله یورش بردند و تلاش کردند که چادرهای متحصنان صلحجو را جمع کنند و به شیوه فجیعی تظاهرکنندگان را با خودروهایی نظامی زیر گرفتند که این امر غیظ و کین آنها را نسبت به جوانان قهرمان حله نشان می دهد این جوانان با شجاعت و قهرمانی با آنها به مقابله پرداختند و سینه های خودشان را سپر این عمل تروریستی زبوانه کردند که طی آن تعدادی از تظاهرکنندگان صلحجو بعد از عبور خودرو از روی آنها و سرکوب شان توسط نیروهای دولت تروریستی کاظمی، مجروح شدند، این امر به روشنی برنامه آنها برای سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز در عراق را نشان می دهد و بیانگر این است که کاظمی در کشتار



تظاهرکنندگان شریک است.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر این حمله تروریستی به تظاهرکنندگان شریف حله را محکوم می کند. از اینرو این کمیته پایداری افتخار آمیز و عزتمند قهرمانان حله را ثبت کرده و تظاهرات اهالی بزرگوار بابل برای پشتیبانی از فرزندان شان در میدان تحصن حله را ارج می نهد.

شایان یادآوریست که آنها همزمان تلاشهای کاظمی و شبه نظامیان در پروژه سرکوب میدانهای تحصن که از



منبع: توئیتر و فیس بوک ثوره تشرین

(انقلاب اکتبر)

تقدیر و تایید برای سرگیری تظاهرات

شماره: ۲۵۱، شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۹ - ۳۰ می ۲۰۲۰ بعد از اینکه فعالان در پروسه قبلی، فعالیت‌های شان به دلیل شیوع کرونا، به تحصن در میدانهای تظاهرات محدود شده بود، مجددا خواهان از سرگیری انقلاب شان با تظاهرات میلیونی انبوه هستند. فعالان در استان نجف، زمان تظاهرات گسترده را ۱۶ خرداد (۵ حزیران) اعلام کردند و در برخی از میدانهای دیگر، آنها تظاهرات با جمعیتی انبوه را روز ۱۹ خرداد اعلام کردند که هدف از آن اعتراض به استمرار فساد حاکمیت منطقه سبز و ادامه چپاول ثروت‌های عراق و سهمیه بندی فرقه ای و حزبی و فروپاشی نهادهای دولتی و شانه خالی کردن از وعده های محاکمه قاتلان تظاهرکنندگان است. تمامی این تلاش‌های پربرتک شروع و آمادگی برای از سرگیری انقلاب با شعار «میلیونی رهایی، وعده بازگشت انقلاب، خون شهدا ضایع نخواهد شد» و تکمیل انقلاب اکتبر که هدف آن سرنوشتی رژیم سهمیه ای فرقه گرا و پارلمان و احزاب فاسد و شبه نظامیان جنایتکار است. چرا که آنها عامل فروپاشی سیاسی و اقتصادی و بهداشتی عراق هستند و آن را به سمت پرتگاه و سرنوشتی نامعلوم کشانده و با شیوع ویروس کرونا این کشور را به شکست و ناکامی رسانده اند.

آری این سرانجامی قابل پیش بینی در رابطه با دولتهای فاسد است که تمام تلاش آنها سرقت ثروت‌های عراق و خدمت به رژیم ایران است و همان چیزی است که موجب شده مردم عراق اعتمادشان نسبت به اقدامات این دولت در رویارویی با کرونا سلب شود. در صدر اقدامات این دولت، جداسازی مناطق بغداد با دیوارهای بتونی است. امری بسیار عجیب، که اقدامات آمریکا در ابتدای اشغال عراق را به اذهان عراقیان متباد می کند که آنها با دیوارهای بتونی مناطق مسکونی بغداد را از هم جدا ساخته و زمینه های ارتباط بین این مناطق شهری را از یکدیگر قطع می کردند. ما نمی دانیم که نصب دیوارهای بتونی چه ارتباطی با مبارزه با ویروس کرونا دارد درحالی که برای مقابله با این ویروس آنها می بایست به ساختن بیمارستانها و تقویت کادرهای پزشکی می پرداختند و روی ایجاد یک سیستم بهداشتی سالم متمرکز می شدند. کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر تمامی زمانهای اعلام شده برای تظاهرات را تایید و از آنها حمایت می کند و از همه می خواهد که در آنها و به طور خاص در استان نجف شرکت کنند و به همگان، پیشگیریهایی بهداشتی برای سلامت عموم را توصیه و رهنمود می دهد. شما خود تجربه کافی در این زمینه دارید و به دنیا ثابت کردید که در مقابله با ویروس کرونا و احزاب فاسد از آگاهی بالایی برخوردارید.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی
هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی
هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع
همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 426/ 21 JUNE 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E - KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

شهدای فدایی در تیر ماه

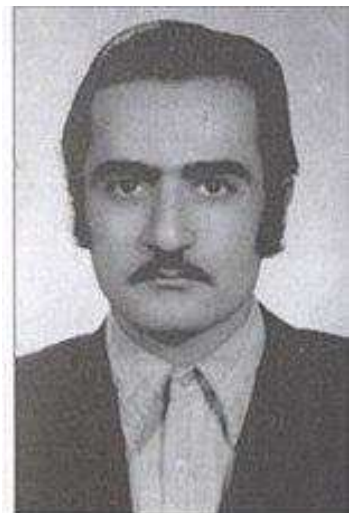
یاد و نام رفیق مارتیک قازاریان ماندگار است

گردآوری: امیر ابراهیمی



بلوریان تحت تعلیم بودند. این پایگاه روز هفتم (یا ششم) تیر ۱۳۵۴ به محاصره ماموران درآمد. رفیق نزهت روحی آهنگران که رابط این واحد با مرکزیت سازمان بود، در هنگام رفتن به خانه متوجه محاصره پایگاه شد و به درگیری با ماموران پرداخت و سرانجام به یک عملیات فدایی دست زد تا رفقا را از حضور ماموران مطلع سازد. رفقای حاضر در پایگاه بدین ترتیب از حضور ماموران باخبر شدند، اسناد و مدارک را از بین بردند و آماده نبرد شدند. آنها با تیراندازی و پرتاب نارنجک قصد شکستن خط محاصره را داشتند که به علت تراکم ماموران دشمن این عمل امکان پذیر نشد. رفقا در داخل پایگاه سنگر گرفته و به نبرد ادامه دادند. دشمن که خود را قادر به مقابله نمی دید، درخواست نیروی کمکی و یک فروند هلی کوپتر کرد و از آن طریق هوا نیز به پایگاه حمله نمود. پس از مدتی در اثر اصابت قطعات نارنجک به پروانه هلی کوپتر، هلی کوپتر آسیب دیده و از صحنه خارج شد.

در این زمان رفیق مارتیک و دو رفیق دیگر که دست به مقاومت قهرمانانه ای زده بودند، از حلقه محاصره خارج می شوند، اما مورد محاصره تعدادی از ماموران قرار می گیرند و به علت تمام شدن مهمات شان قادر به ادامه نبرد نبودند. به گفته شاهدان عینی در آخرین لحظات رفیق مارتیک با آخرین گلوله ای که در اختیار داشت فدایی وار به زندگی خود خاتمه داد. یاد و نام این چریک رزمنده و فدایی خلق محروم ایران ماندگار خواهد بود.



رفیق مارتیک قازاریان

رفیق مارتیک قازاریان از خانواده ای ارمنی بود که در سال ۱۳۴۷ در رشته ریاضی در دانشکده علوم دانشگاه تهران پذیرفته شد.

او یکی از دوستان نزدیک فدایی شهید مسعود احمدزاده در این دانشکده بود. در سال ۱۳۵۴ رفیق مارتیک مسئولیت یک واحد آموزشی سچخفا پایگاهی در دولت آباد کرج را به عهده گرفت که در آن رفقا یدالله زارع کهریزی و محمود عظیمی

رفقا: کاظم سلاحی - احمد خرم آبادی - محمد کاظم غبرایی - بهمن راست خدیو - محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ شهرزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - نزهت السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع کهریزی - اسماعیل نرمیسا - حبیب برادران خسروشاهی - محمد رضا (امیر) قصاب آزاد - محمد علی خسروی اردبیلی - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقنواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آراین - بهزاد امیری دوان - افسرالسادات حسینی - نادره احمد هاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - حمید ژیان کرمانی - کامران رضوانی - غلام رضا جلالی - خسرو مانی (مائی) - توفیق فریسی - آسمر آذری یام - بهمن راست خدیو - شفیع رضانی - نادر ایازی - کریم فتحی - غلام حسین خاکباز - عبدالحسین عنانی شیشوان - سیاوش حمیدی - علی حمیدی مدنی - طوبی مولودی - علی اکبر حیدریان - کمال محمدی - سینا کارگر - روح انگیز دهقانی - نوروز قاسمی - ناصر فضل الهی - حمید فضل الهی - عبدالله قزل - حسین تنگستانی - علی رضا فارسیان - اسماعیل حسینی - فرشته گل عنبریان - هادی کاکاخانی - احمد (ناصر) باختری - ناصر ممی وند، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم